



هیئت معارف جنگ
شهید سپهبد علی میادشیرازی

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۸ سال دفاع مقدس

آموزش معارف جنگ

ویژه افسران دانشجوی دوره عالی رسته‌ای نداجا

نویسنده: دریادار دوم ستاد عبدالله معنوی رودسری

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۸ سال دفاع مقدس
«آموزش معارف جنگ، ویژه افسران دانشجوی دوره عالی رسته‌ای نداجا»

نویسنده: دریادار دوم ستاد عبدالله معنوی رودسری

بررسی اولیه و نهایی: سرتیپ ستاد ناصر آراسته

ویراستاری ادبی، فنی: الهه آموزگار

صفحه‌آرایی: حامد خدمتی

طرح جلد: احسان محرابی

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۸

شمارگان:

قیمت:

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰

حق چاپ برای «هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

"از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند."

"جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود."

امام خمینی (ره)

"می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند."

"دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است."

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرازهایی از پیام حضرت امام^(ع) در اسفندماه ۱۳۶۷
 خطاب به روحانیت سراسر کشور (در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)
 صحیفه امام خمینی^(ع)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته‌ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ اُبَهِت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ حسّ برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
- جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.

- از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا، غرب و شوروی نشأت گرفته است.
- ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.

برای مقابله با دشمنان بلایستی ما چه ارثی، چه سپاهی و چه بیچی یه واحد و قدرت واحد باشیم.

«شهید سپید علی صیاد شیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلًا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

➤ شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۸ بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. هیئت معارف جنگ از سال ۱۳۷۸ تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۱۶۰ عنوان کتاب مستند درباره وقایع هشت سال دفاع مقدس منتشر نموده است.

➤ آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال سوم دانشگاه افسری امام علی^(ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری زمینی، هوایی، دریایی و فارابی ارتش ج.ا.ا به اجرا درآمده و تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۳۰۷۵۹ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش داده است. از سال ۱۳۹۴، آموزش معارف جنگ برای دانشجویان سال سوم دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیا^(ص) نیز به اجرا درآمد.

➤ هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت شانزده ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه‌ی آموزشی طی نموده که تا پایان سال ۱۳۹۷، بیش از ۴۲۵۴۳۳ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

➤ از سال ۱۳۹۰ افسران دوره عالی رسته‌ای، در هر دوره به مدت هشت ساعت و تا پایان سال ۱۳۹۷ تعداد ۸۸۰۲ نفر آموزش معارف جنگ را طی نموده‌اند.

➤ از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۴۴۹۳۰۰ نفر سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت هشت ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»



معرفی نویسنده

دریاداردوم بازنشسته عبدالله معنوی رودسری

الف) وضعیت خدمتی

- ✓ ورود به ارتش: ۱۳۴۸ (نیروی دریایی)
 - ✓ بازنشستگی: ۱۳۸۰
 - ✓ آخرین درجه: دریاداردوم فرماندهی و ستاد
 - ✓ محل‌های خدمت: منطقه یکم بندرعباس، منطقه دوم بوشهر، مرکز آموزش انزلی، ستاد نداجا
 - ✓ یگان‌های خدمتی: فرمانده دوم و فرمانده ناوهای موشک‌انداز، نیروبر، ناوشکن سبلان، ناو بالگردبر خارک، مرکز آموزش ناوگان، رئیس عملیات و رئیس ستاد منطقه یکم بندرعباس و در پایان معاون عملیات نداجا
 - ✓ مدت خدمت در مناطق عملیاتی: هشت سال
- ب) پروژه‌های تحقیقاتی انجام‌شده
- ✓ تحقیق نظری و تدوین ۱۳ فقره کتب راهبردی - عملیاتی - تاکتیکی جهت نداجا
 - ✓ تحقیق صنعتی و طراحی عملیاتی سه فقره سامانه نبرد شناورهای سطحی و زیرسطحی و کنترل تردد دریایی
 - ✓ همکاری با صنایع و مؤسسات تحقیقاتی وزارت دفاع، دانشگاه و انجمن علمی فرماندهی و کنترل و همکاری با ستاد کل

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	رسته‌های مخاطب این کتاب
۵	فعالیت‌های دریایی دشمن بعثی در طول جنگ تحمیلی
۵	فعالیت‌های نیروی دریایی سپاه
۷	بخش یکم: قابلیت‌های نداجا و عراق در جنگ تحمیلی
۷	تجهیزات نداجا در شروع جنگ تحمیلی
۱۸	تجهیزات رژیم بعث عراق در شروع جنگ تحمیلی
۲۹	وضعیت نظامی نداجا پس از انقلاب اسلامی
۳۳	بخش دوم: عملیات‌های نداجا در جنگ تحمیلی
۳۳	ساختار تشکیلاتی و مراحل نبرد دریایی
۵۳	خلاصه‌ای از عملیات‌های نداجا در جنگ تحمیلی
۶۵	بخش سوم: بخشی از طرح‌های عملیاتی جاری در دوران جنگ تحمیلی
۶۶	دستور رزمی بهروز
۶۷	دستور رزمی پیکان
۷۰	دستور رزمی اژدر
۷۱	دستور رزمی مرجان
۷۳	طرح لک لک
۷۴	دستور رزمی شهاب
۷۷	بخش چهارم: تحلیل تاکتیکی عملیات‌های نداجا
۷۷	سلسله عملیات حمله به ترمینال‌های نفتی البکر و الامیه

۱۰۶	اسکورت کاروان (جنگ اقتصادی)
۱۱۶	جنگ نفتکش‌ها
۱۲۲	نبرد با بخشی از ناوگان استکبار جهانی (آمریکا)
۱۳۳	بخش پنجم: ابتکارات و خلاقیت‌ها و چگونگی مقابله با کمبودها...
۱۳۳	عوامل عمومی مؤثر در بروز ابتکارات و خلاقیت‌ها
۱۳۵	عوامل سازمانی مؤثر بر ابتکار و خلاقیت رزمندگان در دفاع مقدس
۱۳۹	ابتکارات و خلاقیت‌ها در دریا
۱۴۱	بخش ششم: معرفی تعدادی شهداء و فرماندهان شاخص...
۱۴۵	منابع

مقدمه

کشورها برای حفظ و توسعه قدرت ملی و نیز دستیابی به اهداف راهبردی خود، به اقداماتی چون تدوین راهبرد ژئوپلیتیکی در پیوند با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچنین، فرصت‌ها و محدودیت‌های قدرت‌کاه یا قدرت‌افزای می‌پردازند. از اینرو، نظام‌های سیاسی کوشیده‌اند تا از طریق تصرف یا نفوذ در سرزمین‌هایی که می‌توانند مکمل ژئوپلیتیک باشند، تنگناهای ژئوپلیتیکی (محدودیت سرزمین و منابع) خود را رفع کنند. تنگناهای ژئوپلیتیکی، ناگزیر کشورها را در موقعیتی قرار می‌دهد که برای رفع معضل فضای سرزمینی خود به اجرای راهبردهای جبرانی همچون جنگ بپردازند.

کشور عراق به لحاظ ساختار حکومتی بودنش وارث تنگناهای ژئوپلیتیکی عمده‌ای، از جمله عدم دسترسی کرانه‌های جنوبی‌اش در خلیج فارس به آب‌های آزاد است. بنابراین، عراق چه در زمان حکومت بعث و چه در زمان حکومت جدید آن، همواره در پی حل معضل ژئوپلیتیکی خود بوده است و به همین دلیل، در زمان حکومت صدام با کشورهای ایران و کویت به جنگ منطقه‌ای پرداخت.

جنگ هشت ساله عراق علیه جمهوری نوپای اسلامی ایران در شرایطی آغاز شد که به لحاظ سطح آمادگی رزمی و جایگاه بین‌المللی، ایران در وضعیت مناسبی قرار نداشت و رژیم صدام با اطلاع از این موضوع، درصدد برآمد با تصرف بخش‌هایی از کشورمان به آمال دیرینه‌اش در رهایی از تنگناهای ژئوپلیتیکی در دریا جامه عمل بپوشاند. پیشروی یگان‌های ارتش عراق اگرچه در آغاز با موفقیت همراه بود، اما بلافاصله با افزایش سطح آمادگی رزمی یگان‌های نیروی زمینی و پشتیبانی‌های هوایی نیروی هوایی و هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران از یک سو و نیز سطح افزایش آمادگی یگان‌های سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی، بویژه با بکارگیری نیروهای بسیج مردمی از سوی دیگر، دچار مشکل شد تا در نهایت پیشروی نیروهای متجاوز متوقف و تثبیت شد.

یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ معاصر ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی هشت ساله است که صدام بر کشورمان تحمیل کرد. رویدادها، وقایع و داستان این جنگ در خاطره نسل ما به "حماسه ماندگاری" تبدیل شده است. این جنگ برای مردم ایران نه صرفاً یک حادثه تاریخی، که یک مقاومت ملی و سرشار از فداکاری و شجاعت‌های بی‌نظیر جوانان این مرز و بوم است، و البته این جنگ اثرات عمیقی از خود بر معادلات قدرت در منطقه غرب آسیا برجای گذاشت.

ماهیت بین‌المللی این جنگ، به مراتب از بسیاری از جنگ‌های کشورهای جهان سوم بیشتر بوده است. تفکرات رژیم عراق از روزهای آغازین جنگ، به پشتیبانی قدرت‌های بزرگ و اکثر حکومت‌های عربی منطقه خلیج فارس مستظهر بود. در این جنگ، آمریکا و شوروی - دو ابر قدرت وقت دنیا - عملاً در یک جبهه واحد و به صورت همگرا از دولت عراق حمایت کردند. البته نوع همکاری و میزان کمک آنها به حکومت صدام در طول سال‌های دوران جنگ، متفاوت بود. اکثر کشورهای عربی منطقه خلیج فارس نیز با کمک‌های وسیع مالی عراق را حمایت کرده و همچنین، رؤسای کشورهایی مانند مصر و اردن در کنار صدام حسین قرار گرفتند.

مطمئناً تجهیزات موجود دریایی و آموزش‌ها و تجربیات کارکنان نیرو و نیز هماهنگی‌ها با ستاد فرماندهی و با هواپیماهای پشتیبانی نزدیک هوایی که برجای مانده از سال‌ها خدمت در دریا بود، در نتایج عملیات دریایی مؤثر بود.

آنچه که مهم بود، نحوه بکارگیری از این توان بود که نیروهای غربی و حتی صدام و مشاورین خارجی او بر این باور نبودند که نداجا قادر به این کار باشد، زیرا آنها خروج مستشاران از ایران و کمبود قطعات یدکی و فقدان انگیزه را مهم‌ترین عوامل عدم توانایی نیروی دریایی در اجرای هرگونه عملیاتی در دریا می‌دانستند.

• رسته‌های مخاطب این کتاب

با توجه به رسته‌های گوناگون نداجا، مفاد این کتاب قابل بهره‌برداری برای کلیه رسته‌ها، بجز رسته تفنگداران دریایی بوده و این رسته از کتاب خاص خود بهره‌برداری خواهد نمود. در واقع، آموزش رسته‌های عرشه، مهندسی الکترونیک و مخابرات دریایی، مهندسی مکانیک، مدیریت و کمیسر دریایی که در دانشگاه علوم فنون دریایی امام خمینی (ره) پایه‌ریزی شده، به گونه‌ای است که دانشجویان را قادر می‌سازد تا پس از فارغ‌التحصیلی و حضور در یگان‌های شناور، به طور یکپارچه و هماهنگ با دیگر رسته‌ها عمل نموده و مأموریت‌های محوله را انجام دهند. یعنی هیچ‌یک از این رسته‌ها به تنهایی قادر به اجراء مأموریتی نبوده و تنها با انسجام کلیه رسته‌ها و مدیریت کادر فرماندهی شناور قادر به انجام وظائف محوله می‌باشند. مأموریت و آموزش دانشکده‌ها نیز در این قالب به شرح زیر می‌باشد:

✓ دانشکده عرشه

دانشکده عرشه با تأسیس دانشگاه در سال ۱۳۶۰ شروع به فعالیت نموده است. هدف این دانشکده آماده نمودن دانشجویان مهندسی عرشه (نظامی و تجاری) از نظر علمی و تخصصی جهت خدمت در نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران و سایر سازمان‌های دریایی کشور است.

رسته مهندسی عرشه به دو شاخه ناوبری نظامی و ناوبری تجاری تقسیم می‌گردد، که شاخه نظامی جهت تأمین افسران ناوبر نیروی دریایی است و دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی به عنوان افسر ملوان، توپخانه، مخابرات، عملیات شناورهای نیروی دریایی مشغول به کار خواهند شد.

✓ دانشکده تفنگدار دریایی

رسته کارشناسی تفنگدار دریایی با هدف تربیت و تأمین نیروی انسانی کارآمد و متخصص به منظور صیانت از تمامیت میهن اسلامی و مرزهای آبی کشور در سال ۱۳۷۸ به تصویب رسید. دانش‌آموختگان این رسته ضمن

کسب توانمندی‌های مربوط به هدایت و راهبری انواع شناورهای سبک و سنگین پس از فراغت از تحصیل در یگان‌های تابعه تیپ تفنگداران دریایی، همچون گردان‌های شناور هجومی، توپخانه صحرایی، پدافند هوایی، گردان‌های عملیات ویژه و یگان‌های دژبان و خدمات پشتیبانی در مناطق و پایگاه‌های تحت نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی به ایفای وظایف محوله خواهند پرداخت.

✓ دانشکده مهندسی برق، الکترونیک و مخابرات دریایی

همزمان با تأسیس دانشگاه دریایی امام خمینی (ره) دانشکده مهندسی برق و الکترونیک و مخابرات دریایی این دانشکده شروع به فعالیت نمود. این دانشکده در طول مدت حیات خود برای نداجا و سایر ارگان‌های دریایی دیگر به پرورش دانشجو پرداخته است.

✓ دانشکده مهندسی مکانیک

دانشکده مهندسی مکانیک با تأسیس دانشگاه در سال ۱۳۶۰ شروع به فعالیت نموده است. هدف این رشته تربیت مهندسانی است که پس از فراغت از تحصیل قادر باشند به عنوان افسر مهندس در مراکز زیر انجام وظیفه نمایند:

یگان‌های شناور سطحی و زیرسطحی، سامانه‌های فنی هواناو، بالگرد، بال ثابت و سامانه‌های موشکی، دواير فنی، مراکز تعمیراتی، کارخانجات و مراکز آموزشی نیروی دریایی.

✓ دانشکده مدیریت و کمیسر دریایی

دانشجویان دانشکده مدیریت و کمیسر دریایی پس از فارغ‌التحصیلی می‌توانند در یگان‌های پشتیبانی و عملیاتی در گرایش‌هایی نظیر مالی، آمادی، ترابری، مهمات و استحکامات با استفاده از آموزش‌های علمی و عملی که فراگرفته‌اند، فعالیت نمایند.

- **فعالیت‌های دریایی دشمن بعثی در طول جنگ تحمیلی**

فعالیت‌های دشمن پس از انهدام حدود دوسوم نیروی دریایی‌اش در عملیات مشترک مروارید در تاریخ ۷ آذر ۱۳۵۹، عملاً هوایی و موشکی در قالب جنگ نفتکش‌ها و حمله به شناورهای تجاری بود، که چگونگی مقابله با آنها در بخش‌های مختلف آمده است.

- **فعالیت‌های نیروی دریایی سپاه**

نیروی دریایی سپاه پس از حضور در دریا اقدام به اجراء عملیات مقابله به مثل و مین‌ریزی در معابر عمومی خلیج فارس نمود، که چگونگی آن در کتابی به نام "جنگ تحمیلی و امنیت خلیج فارس" (معنوی و همکاران، ۱۳۹۶) آمده است. این کتاب در هیئت معارف جنگ شهید سپهبد صیاد شیرازی و در نداجا موجود است.

بخش یکم: قابلیت‌های نداجا و نیروی دریایی عراق در جنگ تحمیلی

• تجهیزات نداجا در شروع جنگ تحمیلی

✓ منطقه یکم دریایی - پایگاه دریایی بندرعباس

یگان‌های شناور مستقر در پایگاه دریایی بندرعباس به شرح زیر بودند:

- ناوگروه ناوشکن‌های سنگین شامل ناوشکن‌های پلنگ، ببر، آرتمیز
- این ناوشکن‌ها مجهز به موشک‌های دو منظوره سطح به هوا و سطح به سطح استاندارد، توپ‌های پنج اینچ دریایی، و اژدر ضد زیردریایی بودند.
- ناوشکن آرتمیز علاوه بر اینها مجهز به موشک کوتاه‌برد زمین به هوا از نوع سی‌کت نیز بود.

- ناوگروه ناوشکن‌های سبک شامل: ناوشکن زال (البرز)، ناوشکن سام (الوند)، ناوشکن رستم (سبلان)، ناوشکن فرامرز (سهند)

این ناوشکن‌ها مجهز به موشک‌های سطح به سطح از نوع سی کیلر Sea Killer، توپ‌های دریایی تمام اتوماتیک ۴/۵ اینچ، موشک کوتاه‌برد ضد هوایی سی‌کت Seacat، مورتار ضد زیردریایی و توپ دو لول ضد هوایی ۳۵م بودند.

- ناوگروه ناوهای لجستیکی سوخت‌رسان شامل: ناو بندرعباس، ناو بوشهر

- ناوگروه ناوهای نیرو بر شامل: ناو هنگام، ناو لارک مجهز به دو توپ ۴۰م

- ناوگروه ناوچه‌های توپدار گشت ساحلی شامل: ناوچه پروین، ناوچه ناهید و ناوچه بهرام مجهز به توپ ۴۰م

- ناوگروه ناوچه‌های رودخانه‌ای ۶۵ پایی، شش فروند مجهز به مسلسل

- ناو تعمیراتی چابهار
- حوض تعمیراتی شناور
- شناورهای خدمات بندری شامل سه فروند یدک‌کش، پنج فروند قایق تجسس و نجات، دو فروند بارج آب، یک فروند بارج سوخت و تعدادی شناور کوچک.



ناوشکن جمهوری اسلامی سبلان در حال دریانوردی در دوران جنگ

تصویر فوق توسط یگان‌های نیروی دریایی ایالات متحده برداشته شده و بخشی از اسناد رسمی وزارت دفاع آمریکا محسوب می‌گردد.^۱ ناوشکن سبلان از جمله یگان‌های شناوری بود که در اجرای مأموریت‌های محوله مکرراً در دریا با یگان‌های شناور آمریکایی برخورد داشته و در تعقیب و گریز بود.

۱. در اسناد وزارت دفاع ایالات متحده آمده است: این تصویر اثر یک دریانورد یا کارمند نیروی دریایی ایالات متحده در خلیج فارس است، که طی انجام مأموریت‌های رسمی به صورت شخصی گرفته شده است و به عنوان مدرک رسمی دولت فدرال ایالات متحده محسوب شده و در مالکیت عمومی قرار دارد.



ناو لجستیکی بوشهر به همراه ناو هم‌کلاس خود، بندرعباس که از آلمان خریداری گردیده بودند، نقش مهمی در سوخت‌رسانی به یگان‌های شناور در دریا و افزایش شعاع عملکرد و مدت ماندگاری آنها در دوران جنگ ایفا نمودند.

✓ منطقه دوم دریایی - پایگاه دریایی بوشهر

یگان‌های شناور مستقر در پایگاه بوشهر به شرح زیر بودند:

- ناوگروه ناوچه‌های موشک‌انداز تندرو کلاس پیکان شامل: ناوچه‌های پیکان، کمان، خدنگ، فلاخن، نیزه، شمشیر، جوشن، گردونه و گرز. این ناوچه‌ها مجهز به موشک سطح به سطح هارپون و توپ دریایی سه اینچ اتوملارا می‌باشند.

- ناوگروه ناوچه‌های ۶۵ پایی

- یگان‌های شناور خدمات بندری شامل: یدک‌کش، بارج آب، بارج سوخت، و قایق‌های خدمات بندری



یک فروند ناوچه در حال پرتاب یک فروند موشک ضدکشتی هارپون

ناوچه‌های کلاس کمان مستقر در پایگاه دریایی بوشهر به این نوع موشک مجهز بودند. به رغم تعداد محدود این موشک‌ها، اکثر موشک‌های هارپون شلیک شده توسط ناوچه‌های کلاس کمان به انهدام یگان‌های عراقی منجر گردید. هارپون از دقت و ضریب اصابت بسیار بالایی برخوردار بود، به گونه‌ای که پس از پرتاب علیه یگان‌های شناور دشمن باید آن را تقریباً منهدم شده فرض نمود.

✓ منطقه سوم دریایی - پایگاه دریایی خرمشهر

یگان‌های شناور ناوتیپ هشتم که در خرمشهر مستقر بودند، به شرح زیر می‌باشند:

- ناوگروه ناوهای پاسیور شامل: ناو بایندر، ناو نقدی، ناو کهنمویی، ناو میلانین. این یگان‌ها به توپ‌های دریایی سه اینچ، مسلسل ۴۰م و بمب‌های ضدیردریایی مجهز بودند.

- ناوگروه ناوهای مین جمع‌کن ساحلی: ناو سیمرغ، ناو کرکس

- ناوگروه ناوهای مین جمع‌کن رودخانه‌ای: ناو ریاضی، ناو هریسچی

بخش دوم: عملیات‌های ندادجا در جنگ تحمیلی / ۱۱

- ناوگروه ناوچه‌های توپدار ساحلی: ناوچه تیران، ناوچه کیوان، ناوچه مهران، ناوچه ماهان مجهز به توپ ۴۰م
- ناوگروه ناوهای لجستیکی آبرسان: ناو لنگه، ناو هرمز
- ناوگروه ناوچه‌های ۶۵ پایی شش فروند
- یگان‌های شناور خدمات بندری: یک فروند یدک‌کش و تعدادی قایق گشت ساحلی سبک
- حوض شناور مستقر در اروندرود دو فروند (بزرگ، کوچک)



ناو جمهوری اسلامی بایندر

این ناو به همراه سه فروند دیگر از ناوگروه فریگیت‌های نیروی دریایی در آغاز جنگ در خرمشهر مستقر بودند، که قبل از هر اقدامی از طرف عراق، در یک عملیات متهورانه و بسیار سریع از بندر خرمشهر به سوی آب‌های خلیج فارس حرکت نموده و با نجات این یگان‌ها از انهدام حتمی و قریب‌الوقوع توسط دشمن، یگان‌های شناور این ناوگروه نقش مهمی در صیانت از خلیج فارس در طول جنگ تحمیلی ایفا نمودند.

✓ پایگاه دریایی خارک

یگان‌های شناور پایگاه دریایی خارک به شرح زیر می‌باشد:

- ناوگروه ناوچه‌های ۶۵ پایی شش فروند
- تعدادی قایق‌های شناور سبک خدمات بندری

✓ پایگاه هوادریای خسروآباد

هشت فروند هواناوهای SRN6 در آنجا مستقر بودند.

✓ سازماندهی و استقرار یگان‌های تکاور نداجا

سازماندهی تکاوران نیروی دریایی با هدف اجرای عملیات آبخاکی، پیاده شدن در ساحل دشمن، شناسایی سواحل دشمن برای عملیات یگان‌های شناور، تصرف سرپل، شناسایی در عمق خاک دشمن برای سایت‌های راداری و موشکی، انجام تخریبات مختلف در تأسیسات دشمن، کمک به نیروی زمینی در عبور از رودخانه، عملیات غواصی، عملیات ویژه دریایی و... در سال ۱۳۴۸ بنیان‌گذاری گردید. مرکز آموزش تکاوران دریایی در منجیل تأسیس و اولین دوره تکاور دریایی در سال ۱۳۵۲ با استفاده از نفرات دوره دیده تشکیل گردید.



بخش دوم: عملیات‌های نذاجا در جنگ تحمیلی / ۱۳

گردان تکاوران دریایی در منطقه دوم دریایی بوشهر، مرکز آموزش تکاوران دریایی در پایگاه منجیل و ستاد تکاوران دریایی در ستاد فرماندهی نیرو در تهران مستقر بودند.

تکاوران نیروی دریایی ارتش با آغاز تجاوز عراق، عملیات خود علیه دشمن در پدافند از خرمشهر و آبادان را آغاز کردند و تا پایان جنگ در هر جایی که به آنان نیاز بود، حضور داشتند.

✓ استقرار یگان‌های هوادریا

شرایط اقلیمی سواحل خلیج فارس که سرتاسر از زمین‌ها و خورهای غیرقابل کشتیرانی، ولی مناسب برای عبور و مرور قایق‌های بومی می‌باشند، فکر بهره‌گیری از وسیله‌ای مناسب برای کنترل تردد و عبور و مرور قایق‌ها جهت کنترل عملیات قاچاق را به وجود آورد.



یک فروند بالگرد RH53D متعلق به هوادریای نیروی دریایی ارتش

یکی از مهم‌ترین ابزار در اختیار فرمانده نیروی دریایی ارتش یگان هوادریای آن بود. این یگان که از ۱۴ فروند هاورکرافت و انواع بالگردهای ترابری، ضد زیردریایی و مین‌روب و همچنین، چند فروند هواپیمای ترابری

فالكون و فرند شپ تشكیل شده بود، یکی از مهم‌ترین بازوهای عملیاتی نیروی دریایی بود، که در طول هشت سال تجاوز عراق مستمراً و بدون وقفه، عملیات پشتیبانی از جزایر و سکوهای نفتی و گشت و شناسایی و ده‌ها نوع مأموریت دیگر را در خطرناک‌ترین مناطق جنگی خلیج فارس با کمترین تلفات به مورد اجرا گذارد. اگر عمق تلاش بی‌وقفه هوادریا که در طول جنگ حتی یک ساعت هم متوقف نشد، روشن گردد، قطعاً مشخص می‌شود. کار عظیمی را که فرماندهان و خلبانان و خدمه پروازی و تعمیر و نگهداری این یگان انجام دادند، بیشتر شبیه معجزه بود تا روند عادی یک عملیات نظامی. اولین سری بالگردهای خریداری شده از نوع بالگردهای ضد زیردریایی از نوع SH3D بود، که در سال ۱۳۵۱ به ایران تحویل و در تهران مستقر گردید. با ساخت فرودگاه مدرن هوادریای بوشهر، ایستگاه یکم هوادریا تشکیل شد و اولین سری بالگردهای ضدسطحی از نوع AB-212 در سال ۱۳۵۲ با قابلیت تجهیز به موشک‌های ضدسطحی AS-12 در هوادریای بوشهر استقرار یافتند. متعاقب آن بالگردهای ضد زیردریایی خریداری شده از تهران به بوشهر منتقل و اسکادران بالگردهای ضد زیردریایی تشکیل شد. با خرید و ورود اولین سری بالگردهای مین‌روب RH-53D در سال ۱۳۵۵، نیروی دریایی سومین اسکادران بالگرد هوادریا برای انجام مأموریت‌های عملیاتی مین‌روبی را تشکیل داد. مقارن با تقویت یگان‌های پروازی بالگرد، خرید هواپیماهای بال ثابت با هدف افزایش قابلیت حمل و نقل هوایی، با جابه‌جایی سریع نیروها در سطح پایگاه‌های نداجا مقدور گردید.



یک فروند هواناو BH7 در حال اجرای مأموریت

این تجهیزات ارزشمند با هدایت خلبانان شجاع نیروی دریایی ارتش نقش انکارناپذیری در شکستن حصر آبادان، شرکت در عملیات‌های خیبر، بدر، والفجر ۸ و بسیاری از مأموریت‌های گشت و کنترل و پشتیبانی لجستیکی در پهنه خلیج فارس ایفا نمودند، که باید به عنوان گسترده‌ترین عملیات رزمی توسط این نوع یگان‌ها در سطح جهان ثبت گردد. در هیچ عملیات نظامی، هیچ‌گاه تا این حد از هواناوها برای پیشبرد و پشتیبانی از عملیات نظامی در زمین و دریا استفاده نشده است.

استعداد رزمی یگان‌های هوادریا در اجرای مأموریت‌های نیروی دریایی و پشتیبانی از یگان‌های شناور تا پایان سال ۱۳۵۷ به شرح زیر ارتقا یافت:

پایگاه هوادریای بوشهر:

- | | |
|------------------------|-----------------------------------|
| ۱۸ فروند بالگرد AB-212 | - اسکادران بالگردهای ضد سطحی |
| ۱۲ فروند بالگرد SH3D | - اسکادران بالگردهای ضد زیردریایی |
| ۶ فروند بالگرد RH-53D | - اسکادران بالگردهای مین‌روب |

پایگاه هوادریای خارک:

- هواناو SRN6 ۲ فروند

- هواناو BH7 ۶ فروند

پایگاه هوادریای خسروآباد:

هواناو SRN6 ۶ فروند

اسکادران بال ثابت نداجا (مستقر در تهران):

- هواپیمای فرند شیپ ۴ فروند

- هواپیمای جت فالکن ۴ فروند

- هواپیمای شرایک کماندر ۳ فروند

- هواپیمای توربو کماندر ۱ فروند

✓ استعداد یگان های شناور نداجا در مناطق دریایی

الف - منطقه یکم دریایی بندرعباس:

ناوشکن سنگین ۳ فروند

ناوشکن سبک کلاس الوند ۴ فروند

ناوچه توپدار کلاس بهرام ۳ فروند

ناو نیروبر کلاس لارک^۱ ۲ فروند

ناو لجستیکی نیمه سنگین^۲ ۲ فروند

۱ - قرارداد خرید این یگان ها شامل چهار فروند از انگلیس بود که دو فروند به ایران تحویل شده بود. با آغاز جنگ تحمیلی، انگلیس از تحویل دو فروند باقیمانده خودداری کرد، تا اینکه پس از پیگیری های ایران، دو فروند ناوهای نیروبر تنب و لاوان در سال ۱۳۶۳ به ایران تحویل شدند.

۲ - تحویل ناو لجستیکی سنگین خارک از سوی انگلیس به دلیل آغاز جنگ ایران و عراق به تعویق افتاد و بالاخره با تلاش ایران مبنی بر اینکه این ناو لجستیکی است و کاربرد رزمی ندارد، انگلیس سرانجام در سال ۱۳۶۳ این ناو را به ایران تحویل داد. ناو لجستیکی خارک برای پشتیبانی ناوگان ایران در اقیانوس هند پیش بینی و خریداری شده بود. ولی جای تعجب است، در حالی که قرارداد ناوشکن های اسپرانس که یگان های رزمی بودند و همچنین

ناو لجستیکی سبک ۴ فروند

لندینگ کرافت کوچک ۴ فروند

ب - منطقه دوم دریایی بوشهر:

ناوچه موشک‌انداز کلاس کمان^۱ ۹ فروند

ناو مین روب ۲ فروند

ناو لجستیکی سبک ۳ فروند

هواناو BH7 ۶ فروند (جزیره خارک)

هواناو SRN6 ۸ فروند (جزیره خارک)

بالگرد مین روب RH53D ۱ اسکادران

بالگرد ضد زیرسطحی SH3D ۱ اسکادران

بالگرد ضدسطحی AB212 ۱ اسکادران

تکاور دریایی ۱ گردان

ج - منطقه سوم دریایی خرمشهر:

فریگت کلاس بایندر ۴ فروند

ناوچه توپدار کلاس مهران ۴ فروند

ناو لجستیکی سبک ۳ فروند

ناو مین روب ۳ فروند

علاوه بر یگان‌های فوق، تعداد ۲۶ فروند ناوچه ۶۵ پایی و شناورهای کوچک گشت ساحلی در مناطق سه‌گانه دریایی حضور و فعالیت داشتند.

زیردریایی‌ها که در توان رزمی ایران نقش مؤثری می‌توانستند داشته باشند، لغو شده بود، قرارداد ناو پشتیبانی کننده آنها و همچنین ناوهای نیروبر به قوت خود باقی ماندند.

۱ - قرارداد خرید این ناوچه‌ها شامل ۱۲ فروند بود، که ۹ فروند قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران تحویل شده بود و با آغاز جنگ تحمیلی، دولت فرانسه در کار تحویل سه فروند باقیمانده کارشکنی می‌کرد، تا اینکه در تابستان سال ۱۳۶۰ این سه فروند ناوچه را بدون موشک و برخی تجهیزات مدرن آنها به ایران تحویل داد.

• تجهیزات نیروی دریایی عراق در شروع جنگ تحمیلی

اولین گام برای تأسیس نیروی دریایی عراق به سال ۱۹۳۷ باز می‌گردد، که در این سال با ورود چهار فروند ناوچه توپدار به بصره، نیروی دریایی این کشور با انجام گشت در داخل اروندرود کار خود را آغاز نمود. در سال‌های ۱۹۳۷ الی ۱۹۵۸، یعنی وقوع انقلاب در عراق، تعداد بیشتری قایق توپدار وارد نیروی دریایی عراق شدند، که عمدتاً وظایف حفظ امنیت در رودخانه‌ها را بر عهده داشتند.

گام دوم توسعه نیروی دریایی عراق به سال‌های بعد از انقلاب این کشور، یعنی ۱۹۵۸ الی اوایل دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد، که با افزوده شدن تعدادی ناوچه اژدرافکن، این نیرو موفق به دریافت تجهیزات بیشتری گردید.

اما توسعه واقعی این نیرو از سال ۱۹۶۸ آغاز گردید، که دریافت تعدادی ناوچه‌های موشک‌انداز و توپدار توان آن را به میزان زیادی افزایش داد و آن را تبدیل به نیرویی نسبتاً قدرتمند نمود، که می‌توانست برای نیروی دریایی ایران خطری بالقوه محسوب گردد.

همزمان نیروی دریایی عراق اقدام به تأسیس دانشکده دریایی در بصره نمود، که به آموزش دانشجویان افسری دریایی اهتمام می‌ورزید. فارغ‌التحصیلان این دانشکده در رشته‌های مهندسی دریایی و ناوبری مشغول به تحصیل شده و نیاز نیروی دریایی عراق به افسران دریایی را برآورده می‌نمودند.

بنادر مهم عراق که محل استقرار یگان‌های رزمی این کشور بودند، شامل بنادر ام‌القصر (ام قصر) و بصره بودند. بندر بصره دارای یک ضعف بزرگ ژئواستراتژیک بود، زیرا ناوچه‌های عراقی برای رسیدن به آب‌های آزاد خلیج فارس باید مسافت نسبتاً طولانی را در اروندرود طی می‌کردند، که در تیر و دید مستقیم نیروهای خودی در ساحل شرقی اروندرود قرار گرفته و به آسانی منهدم می‌شدند. اما بندر ام‌القصر با وجود ضعف‌هایی که برای دسترسی به خلیج فارس داشت، مسیر امن‌تری برای شناورهای رزمی عراقی محسوب می‌گردید. در واقع، شناورهای عراقی مستقر در پایگاه دریایی ام‌القصر پس از عبور از خور عبدالله و

ورود به خلیج فارس خود را در پناه پایانه‌های نفتی البکر (البصره) و الامیه قرار داده و اکثرأ در همان محدوده به حضور خود ادامه می‌دادند.

مهم‌ترین تحول در نیروی دریایی عراق به روابط این کشور با شوروی سابق بازمی‌گردد که در آن دوران، مسکو ضمن فروش تعدادی ناوچه موشک‌انداز اوزا از عراق، اجازه استفاده از بنادر عراقی در خلیج فارس را کسب نمود. ناوچه‌های کلاس اوزا را به هیچ وجه نباید دست کم گرفت. موشک‌های استیکس این ناوچه‌ها بر اساس راهبرد نیروی دریایی شوروی سابق در دوران جنگ سرد توسعه یافته بودند. این راهبرد که هدف آن حفظ برتری ناوگان شوروی در برابر ناوگان کشورهای عضو پیمان ناتو در آب‌ها و اقیانوس‌های آزاد جهان بود، بر سه اصل جنگ مین، استفاده گسترده از زیردریایی و نهایتاً بکارگیری موشک‌های هوا به سطح استیکس که در آن زمان بر روی هواپیماهای راهبردی برد بلند توپولف ۹۵ نصب می‌شدند، تأکید می‌نمود.



موقعیت پایگاه دریایی ام‌القصر و مسیر دسترسی شناورهای عراقی
از طریق خور عبدالله به آب‌های خلیج فارس

البته بعداً این موشک‌ها بر روی انواع ناوها و ناوچه‌های نیروی دریایی شوروی و هم‌پیمانان آن نصب گردید. بزرگ‌ترین موفقیت این موشک‌ها به جنگ

اعراب و اسرائیل در ۲۶ اکتبر ۱۹۶۷، یعنی چند ماه پس از پایان جنگ شش روزه بازمی‌گردد، که طی یک عملیات موفق و غافلگیرانه، ناوشکن اسرائیلی ایلات توسط موشک‌های ضدکشتی استیکس ناوچه‌های مصری مورد اصابت قرار گرفته و به قعر دریا رفت. در آن زمان، هنگامی که ناوشکن ایلات برای شناسایی به سواحل مصر نزدیک شد، دو فروند ناوچه موشک‌انداز کلاس کمار (Komar) نیروی دریایی مصر مجهز به موشک‌های استیکس در داخل بندر پورت سعید در حال مراقبت بودند. ناو اسرائیلی به حدود ۱۴ مایلی این بندر رسید و به دلیل اینکه ناوچه‌ها در داخل بندر بودند، موفق به کشف آنها نشدند. البته مصری‌ها می‌گفتند که این ناو وارد آب‌های سرزمینی مصر شده بود و کمتر از ۱۲ مایل با بندر پورت سعید فاصله داشت. دو ناوچه، هرکدام یک فروند موشک استیکس به سوی ناوشکن ایلات شلیک کردند، که هر دو موشک به ناو اصابت کرده و آن را در وضعیت نامناسبی قرار داد. حدود یک ساعت بعد، در حالی که از طرف ملوانان اسرائیلی تلاش می‌شد ایلات را از غرق شدن نجات دهند، دو فروند موشک دیگر به سوی ناو شلیک شد، که اولی قسمت جلو ناو را متلاشی کرده و موشک دوم به دلیل غرق شدن ناو ایلات به داخل آب سقوط می‌کند. در این عملیات، حدود ۹۰ نفر ملوان اسرائیلی کشته و زخمی شدند. این حمله یکی از پرتلفات‌ترین عملیات نظامی علیه ارتش اسرائیل محسوب می‌گردد.



یک فروند ناوچه اوزای عراقی مجهز به موشک‌های استیکس در حال عبور از اروندرود
پیش از آغاز جنگ

در جنگ هند و پاکستان (۱۹۷۱)، تعدادی ناوچه کلاس اوزای نیروی دریایی هند با اختفای کامل و با استفاده از اصل غافلگیری، در دو مرحله در شب‌های ۵ و ۹ دسامبر به بندر کراچی نزدیک شده و با شلیک ده‌ها فروند موشک استیکس، بخش مهمی از نیروی دریایی پاکستان، تعداد زیادی کشتی‌های تجاری و مخازن سوخت را در کنار اسکله‌های این بندر نابود کرده و خسارات فراوانی به کراچی وارد می‌کنند. در واقع، در یک غافلگیری مرگ‌آور نیروی دریایی هند موفق می‌شود با استفاده از موشک‌های استیکس به این موفقیت نایل آید و به نحو قابل قبولی یگان‌های شناور نیروی دریایی پاکستان را از انجام عملیات در دریا محروم نماید. در نبرد موسوم به لاتاکیا (لاذقیه) در سال ۱۹۷۳، که اولین نبرد بین ناوچه‌های موشک انداز بود، ناوچه‌های کلاس سار (SAAR) اسرائیلی مجهز به موشک‌های ضدکشتی گابریل و پنگوئن با ناوچه‌های سوری مجهز به موشک‌های استیکس در نزدیکی بندر سوری لاذقیه درگیر می‌شوند، و به دلیل استفاده از سامانه‌های پیشرفته جنگ الکترونیک موفق می‌شوند بدون دادن تلفات ناوچه‌های سوری را غرق نمایند. تا زمان تجاوز عراق علیه ایران، این رویدادها مهم‌ترین نبردهای دریایی بود که در آن از موشک‌های ضدکشتی استفاده گسترده به عمل آمده بود. جنگ تحمیلی نیز صحنه دیگری بود برای نمایش قدرت و مصاف دریایی دو کشور بزرگ خاورمیانه.

دیگر خریدهای تسلیحات دریایی عراق مربوط به عقد قراردادهای مهمی می‌باشد، که برای تجهیز نیروی دریایی این کشور با کشورهای فرانسه و ایتالیا منعقد گردید. بیشترین کمک‌های تسلیحاتی فرانسه به عراق مربوط به تجهیزاتی می‌شود که عراق را قادر می‌ساخت در خلیج فارس علیه بنادر و خطوط مواصلات دریایی ایران وارد عمل شده و ایران را از تجارت و صادرات نفت خام محروم نماید. دولت فرانسه از ابتدای جنگ، حمایت وسیع و همه‌جانبه‌ای از عراق کرد. در طول جنگ، این حمایت ابعاد وسیع‌تری یافت. فرانسه پس از شوروی سابق، دومین صادرکننده تسلیحات به عراق بود. این کشور در سال ۱۳۵۹، قرارداد ارسال ۶۰ فروند هواپیمای میراژ از نوع اف ۱ را با عراق منعقد کرد، که بعداً تعداد

آنها به نحو چشمگیری افزایش یافت. فرانسه تا سال ۱۳۶۱، حدود ۴۰ میلیارد فرانک در ازای صدور تسلیحات به عراق از این کشور دریافت نمود. در سال ۱۳۶۲، جنگ‌افزارهای ارسالی فرانسه به عراق به مبلغ ۵/۶ میلیارد دلار رسید، که برای مثال، می‌توان به هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک‌های اگزوست اشاره کرد (علی اکبر علیخانی؛ ۱۳۷۶: ۱۷۸).

همچنین، فرانسه از جمله کشورهایی بود که از همان ابتدای جنگ، نخستین جنگنده‌های بمب افکن میراژ را در اختیار عراق قرار داد و به دنبال آن، هواپیماهای میراژ آن کشور وارد عراق شد. آنها در سال‌های بعد با تحویل موشک‌اندازهای رولاند، شبکه دفاع هوایی عراق را تقویت کردند. این سامانه شامل سکوهای ثابت و متحرک موشک‌انداز بود (محمد درودیان، ۱۳۷۶: ۷۶).

علاوه بر این، عراقی‌ها برای نخستین بار با کمک هواپیماهای فرانسوی موسوم به سوپراتاندارد، توانستند ضمن حمله به جزیره خارک، نفتکش‌های حامل نفت ایران را مورد حمله قرار دهند.^۱ این هواپیماها که اکثراً توسط خلبانان خارجی هدایت می‌شد، به صورت اجاره به عراق تحویل داده شدند.

کمک‌های فرانسوی‌ها به عراق به قدری افزایش یافت که یکی از فرودگاه‌های ناتو در فرانسه مرکز بارگیری هواپیماهای نیروی هوایی عراق شد و از این طریق، موشک‌های ساخت فرانسه، بمب خوشه‌ای، فیوز و تجهیزات الکترونیکی هواپیما به عراق ارسال می‌شد. محموله‌های تسلیحاتی فرانسه به عراق آن‌قدر زیاد شد که تقریباً از اواسط سال ۱۹۸۶، حتی هواپیماهای غیرنظامی خطوط هوایی بغداد - پاریس نیز به حمل جنگ‌افزارهای پرداختند (کنت آر تیمرمن، ۱۳۷۳: ۴۵۳).

عمده تجهیزاتی را که فرانسه برای توقف تجارت ایران در خلیج فارس به عراق تحویل داد، عبارتند از: فروش ۱۳۳ فروند میراژ اف ۱ قادر به حمل موشک‌های اگزوست بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۷، ۵ فروند سوپراتاندارد که با موشک‌های موشک اگزوست مجهز شده و در جنگ نفتکش‌ها توسط عراق

۱- با مورد اصابت قرار گرفتن یک فروند از این هواپیماها، فرانسه آنها را از صحنه خلیج فارس خارج نمود.

به کار گرفته شدند. همچنین، فرانسه تعداد ۱۶ فروند بالگرد سوپر فرلون مجهز به موشک‌های اگزوست را طی سال‌های ۱۹۷۷ الی پایان جنگ در اختیار عراق قرار داد.^۱ البته این اعداد توسط برخی رسانه‌ها انتشار یافته و باید تأکید کرد که عراق به هر میزان تسلیحات که نیاز داشت، بدون هیچ محدودیتی در اختیار ارتش آن کشور قرار داده می‌شد؛ لذا درج ارقام واقعی شاید هیچ‌گاه میسر نباشد.

اگزوست موشک ضدکشتی فرانسوی است که تولید آن از اواسط دهه ۱۹۷۰ آغاز شده و همچنان ادامه دارد. گونه‌های متفاوت موشک اگزوست از کشتی، زیردریایی، آتشبارهای ساحلی و هواپیماها و بالگردهای جنگی شلیک می‌شوند. اگزوست در سال ۱۹۷۴ وارد نیروی دریایی ارتش فرانسه شده و از آن زمان تاکنون به کشورهای متعدد دیگری نیز صادر شده و در دهه ۱۹۸۰ در جنگ‌های ایران و عراق و جنگ فالكند شرکت داشت.

موشک اگزوست با سامانه هدفیابی فعال راداری هدایت می‌شود و به یک کلاهک جنگی ۱۶۵ کیلوگرمی مسلح است. این موشک هوا به سطح و سطح به سطح از قابلیت حرکت در سطح آب برخوردار است و برای انهدام کشتی‌های جنگی کوچک و متوسط مانند ناوچه‌ها و ناوشکن‌ها طراحی شده، اما با شلیک چندین فروند از آن، می‌توان به کشتی‌های بزرگ‌تر مانند ناوهای هواپیما برهم آسیب رساند.

اگزوست موشکی نسبتاً جمع و جور در کلاس خود محسوب می‌شود. نزدیک‌ترین همتای اگزوست از نظر مشخصات ظاهری و قابلیت‌ها موشک آمریکایی همدوره آن، یعنی هارپون است.

اگزوست از یک موتور راکتی سوخت جامد بهره می‌برد، که سرعت موشک را به ۰.۹۳ ماخ یعنی نزدیکی سرعت صوت می‌رساند. طول موشک ۴.۷ متر و کالیبر آن ۳۵۰ میلیمتر است. اولین مدل کشتی‌پایه این موشک، یعنی MM38،

۱ - منابع شرکت فرانسوی Aérospatiale سازنده بالگردهای سوپرفرلون

قادر بود کشتی‌های دشمن را از مسافت حداکثر ۴۲ کیلومتری هدف قرار دهد. در مدل هواپایه AM39 که در جنگ تحمیلی مورد استفاده عراق بود، برد عملیاتی موشک ۵۰ تا ۷۰ کیلومتر (با توجه به ارتفاع و سرعت جنگنده یا بالگرد و سرعت هدف) بود.

موشک‌های اگزوست انهدام چندین فروند ناو انگلیسی، از جمله رزم ناو مشهور شفیله در نبرد فالکلند بین انگلیس و آرژانتین و همچنین، مورد اصابت قرار دادن فریگیت آمریکایی استارک در دوران جنگ تحمیلی در خلیج فارس را در کارنامه خود دارند.



یک فروند بالگرد سوپرفرلون در حال پرتاب یک فروند موشک اگزوست

خریدهای عراق از ایتالیا برای تقویت نیروی دریایی این کشور بسیار گسترده بود و اگر ناوهای خریداری شده وارد خلیج فارس می‌شدند، با حمایت و پشتیبانی انواع هواپیماها و بالگردهای مجهز به موشک‌های هواپایه ضدسطحی می‌توانستند دردسر بزرگی برای نیروی دریایی خودی ایجاد نموده و در عین حال، در کل صحنه خلیج فارس توان دریایی ما را به چالش بکشند، اما خوشبختانه به علت اِشراف نیروی دریایی بر تنگه هرمز و خلیج فارس، این ناوها هیچ‌گاه فرصت ورود به خلیج فارس را پیدا نکردند. در مجموع، تعداد شش فروند

بخش دوم: عملیات‌های نذاجا در جنگ تحمیلی / ۲۵

کوروت موشک‌انداز کلاس اسد به طول ۶۲ متر و تناژ ۶۰۰ تن و چهار فروند فریگیت‌های موشک‌انداز کلاس لوپو به طول ۱۱۳ متر و به تناژ ۲۹۰۰ تن تماماً مجهز به موشک‌های سطح به سطح اتومات و پدافند هوایی آسپید و قادر به حمل یک فروند بالگرد ضد زیردریایی از نوع AB212 بودند. این ناوها کلاً به ارزش ۲/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ از ایتالیا خریداری شدند.



دو فروند کوروت عراقی کلاس اسد از شش فروند و دو فروند فریگیت عراقی کلاس لوپو از چهار فروند خریداری شده در بندر لاسپتزیای ایتالیا همچنان در انتظار ورود به خلیج فارس لحظه شماری می‌کردند. این ناوها هیچ‌گاه جرئت ورود به خلیج فارس را پیدا نکردند و پس از تکمیل ساختمان آنها به بندر اسکندریه در مصر انتقال یافتند و نهایتاً پس از اشغال کویت توسط عراق و تحریم بین‌المللی رژیم بعث به کشورهای دیگر فروخته شدند. با توجه به تجهیزات بسیار پیشرفته الکترونیکی و انواع موشک‌های ضد سطحی و پدافند هوایی، اگر این ناوها فرصت ورود به خلیج فارس را پیدا می‌کردند، همراه با پشتیبانی هواپیماهای جدیدی که به عراق تحویل داده شده بودند، به چالشی بزرگ برای نیروی دریایی جمهوری اسلامی مبدل می‌شدند، که خوشبختانه با تمهیدات نیروی دریایی ارتش، علاج واقعه قبل از وقوع اندیشیده شد.

از دیگر تجهیزات دریایی عراق که در جنگ دریایی به صورت گسترده در دریا علیه ایران و به طور ویژه برای انسداد بندر امام خمینی (ره) به کار گرفته شد، موشک‌های کرم ابریشم ساخت چین بود. موشک‌های اولیه کرم ابریشم که دارای بردی برابر حدود ۸۰ کیلومتر بودند، با افزایش بردشان تا حدود صد کیلومتر توسط چینی‌ها با استقرار در شبه جزیره فاو به خوبی قادر بودند مسیر کشتیرانی در خور موسی را تهدید نمایند. این موشک‌ها که شباهت بسیاری به یک هواپیمای کوچک داشتند، به علت بزرگی جثه، معمولاً از ساحل علیه اهداف دریایی پرتاب می‌شدند و روی ناوهای متوسط نصب نمی‌شدند. موشک در هنگام پرتاب حدود ۱۰۰۰ متر اوج گرفته و سپس مسیر رسیدن به هدف را در ارتفاع دلخواه، معمولاً در ارتفاع کمتر از ۲۰ متر با سرعت ۰/۸ ماخ طی می‌کند، و در فاز نهایی، پس از نزدیک شدن به هدف بر روی آن قفل کرده و تا ارتفاع هشت متر پایین می‌آید و در نهایت، به هدف اصابت می‌کند. البته ذکر این نکته ضروریست که موشک‌های کرم ابریشم در انواع مختلف و با مشخصات فنی متفاوتی تولید و عرضه شده‌اند؛ لذا ممکن است بعضی از این خصوصیات در انواع جدیدتر و یا مدل‌های دیگر تغییر کرده یا بهبود یافته باشند. انواع جدیدتر این موشک دارای بردی حدود ۲۰۰ کیلومتر و بیشتر نیز هستند. اما آنچه عراق در اختیار داشت، تقریباً با مشخصات ذکرشده هماهنگی داشت. از آنجا که بخشی از مسیر پرواز این موشک‌ها از دهانه فاو تا کانال خورموسی از روی ساحل عبور می‌کرد، به علت پستی این سواحل و ارتفاع نسبتاً بالای پرواز موشک، این وضعیت مانعی در پرواز موشک‌های کرم ابریشم تا رسیدن به هدف ایجاد نمی‌کرد. سرچنگی موشک حدود ۵۱۳ کیلوگرم ماده منفجره داشت که با برخورد با هر هدف دریایی هرچند بزرگ، آن را غرق می‌کرد. مشاهده کشتی‌های تجاری غرق شده بر اثر اصابت موشک‌های کرم ابریشم که در دو سوی آبراه خورموسی به گل نشسته بودند، نشان از قدرت انفجار سرچنگی آنها داشت. بعضی از حفره‌های ایجادشده در بدنه کشتی‌های غرق شده به قدری وسیع بود که بی اغراق یک شناور در حد یک کشتی می‌توانست داخل آن شود.



یک فروند موشک کرم ابریشم در حال پرتاب به سوی یک هدف دریایی

عراق با استقرار این موشک‌ها در منطقه رأس البیشه، واقع در رأس شبه جزیره فاو در خلیج فارس، به علت وضعیت خاص زمین که بسیار پست و فاقد هرگونه عوارضی بود، به راحتی می‌توانست مسیر کشتیرانی ایران در خور موسی منتهی به بندر امام(ره) را مورد هدف قرار دهد. فاصله رأس البیشه تا مسیر ورودی بندر امام از طریق خور موسی بین ۵۰ الی ۶۰ کیلومتر بود، که به راحتی در برد موشک‌های کرم ابریشم قرار داشت.

تجهیزات عراق تا قبل از شروع جنگ تحمیلی، شامل عمدتاً ناوچه‌های موشک‌انداز کلاس اوزا و ناوچه‌های اژدرانداز و گشت دریایی بود، که تماماً از اتحاد جماهیر شوروی سابق دریافت گردیده بودند. اما به دلایل سیاسی، عراق به تدریج اقدام به خرید انواع تجهیزات پیشرفته‌تر از فرانسه می‌نماید، که انواع جنگنده و بالگرد را تشکیل می‌دادند.

بر اساس موارد مندرج در کتاب Jane's Fighting Ships 1977-78 که همه ساله اقدام به درج تجهیزات نیروی دریایی کشورهای جهان نموده و از منابع معتبر جهانی بشمار می‌آید و همچنین سایر منابع موجود، تجهیزات و استعداد دریایی عراق در آغاز تهاجم به ایران به شرح زیر بود:

✓ یگان‌های شناور نیروی دریایی عراق

۱ فروند	ناو آموزشی با ظرفیت ۱۸۵۰
۴ فروند	ناو نیروبر کلاس polonochay
۱۴ فروند	ناوچه موشک‌انداز کلاس اوزا۱ (OSAI)
۳ فروند	ناوچه گشت ساحلی کلاس SO1
۱۲ فروند	ناوچه تندرو اژدرافکن کلاس P6
۳ فروند	ناوچه گشت ساحلی بزرگ کلاس Poluchat
۵ فروند	ناوچه گشتی بزرگ کلاس ZHUK
۶ فروند	ناوچه گشتی ساحلی کلاس MyryraT II
۳ فروند	ناوچه گشت ساحلی کلاس po2
۸ فروند	قایق ۳۶ فوتی کلاس ThormyctoT
۴ فروند	قایق ۲۱ فوتی کلاس ThormycroT
۲ فروند	کشتی مین‌روب کلاس T-43
۳ فروند	کشتی مین‌روب ساحلی کلاس
۳ فروند	کشتی مین‌روب رودخانه‌ای
۱ فروند	کشتی راهنما
۱ فروند	شناور غواصی
۱ فروند	کشتی آتش‌نشانی
۱ فروند	یدک‌کش
۱۶ فروند	بالگرد سوپرفرلون

• وضعیت رزمی نداجا پس از انقلاب اسلامی^۱

انقلاب پیروز شد و جشن انقلاب همراه گردید با رژه کارکنان پایگاه دریایی بوشهر در شهر، که البته همراه بود با حضور گرم مردمی که با نقل و شیرینی و شاخه‌های گل به استقبال آنها آمده بودند. در اسکله پایگاه، تمامی ناوهای رزمی از کلاس فریگیت گرفته تا ناوچه‌های موشک‌انداز کلاس پیکان، که به تازگی خریداری شده و نه فروند آنها تحویل گرفته شده بود و مین جمع‌کن‌ها و ناوچه‌های تندرو و ناوچه‌های ژاندارمری و خدمات بندری پهلوی گرفته بودند.

بالاترین مأموریت و خدمت پایگاه دریایی در آن برهه، پشتیبانی از مردم خونگرم بوشهر و ملت سلحشور ایران و حفظ ارزش‌های انقلاب، با حضور در سرحدات و مرزهای دریایی و کنترل تردد شناورها بالأخص کنترل شناورهای مشکوک به حمل قاچاق، از انسان گرفته تا انواع کالاها و ارزها و اشیاء قیمتی بود، که احتمال داشت توسط خائنین به مملکت از طریق آب‌های همین منطقه به آسانی به سوی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس حمل گردند.

اما شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد. باز شدن فضای سیاسی هم تأثیر خود را در نیروهای جوان گذاشت، تا گرایش‌هایی به گروه‌های معاند داشته و هم موجب برملا شدن اعضا و هواداران این گروهک‌ها گردید، که قبل از این، جرئت ابراز وجود نداشتند.

نفوذ سیاست‌های مخرب گروهک‌ها به درون سازمان موجب گردید تا شالوده ساختاری نظام، یعنی انضباط نیروهای مسلح تقریباً از هم پاشیده شده و دیگر سلسله مراتب و اصول نظامی معنایی پیدا ننماید. نه فرمانده در جایگاه اصلی خود بود و نه قدرتی قانونی وجود داشت که از او پشتیبانی نماید.

کمیتۀ ای در شهر که برای نظم و انضباط شهری سازماندهی شده و تعدادی از پرسنل پایگاه هم در آن حضور داشتند، عملاً در جایگاه ستاد فرماندهی پایگاه

۱- برگرفته از مصاحبه با یکی از فرماندهان دفاع مقدس.

دریایی حکم صادر می‌کرد و دستورات کمیته به معنی همان قانونی بود که می‌بایستی رعایت گردد.

در یگان‌ها هیچ‌گونه کنترلی بر پرسنل قابل اعمال نبوده و هرگونه دستوری از سلسله مراتب، عملاً فاقد وجهه قانونی تلقی می‌گردید. اصول سلسله مراتب جای خود را در یگان به شورایی به نام "شورای فرماندهی" داده و هرگونه تحرکی برای انجام مأموریت در دریا و یا انجام وظیفه‌ای در یگان و یا هر اقدامی در راستای تعمیر و نگهداری سیستم‌ها و دستگاه‌ها منوط به کسب نظر شورای فرماندهی بود، که متشکل از قشرهای مختلف یگان (افسر، درجه‌دار و کارمند) بود.

افراد شورا اغلب کسانی بودند که با گروهک‌ها و یا سازمان‌های مربوطه در ارتباط بوده و اساس و پایه تفکر آنها نه برقراری نظم و انضباط، بلکه از هم پاشاندن اصول اولیه حاکم بر ساختار یک ارتش، یعنی "رعایت سلسله مراتب و عمل به قوانین انضباطی" بود، که همواره مورد تأکید حضرت امام (ره) قرار داشت.

حتی اگر درخواستی از کمیته برای عزیمت به دریا و تعقیب قاچاقچیان و سردمداران فراری می‌رسید، این کمیته بود که تصمیم می‌گرفت که آیا عزیمت به دریا مقدور است، یا به دلایل صوری قابل اجراء نیست. نتایج حاصله از عملکرد چنین شوراهایی، بی‌انضباطی، تعهدگریزی، توهین، سوءاستفاده، فرار از وظائف محوله، اغتشاش و ناامنی و تقلیل آمادگی رزمی و در نهایت، سست نمودن شالوده نظامی بود که هنوز جایگاه مستحکمی پیدا ننموده بود.

گرچه در بین پرسنل پایگاه و یگان افراد دلسوز و متعهد و با بصیرت وجود داشت، اما شرایط موجود در جامعه و نابسامانی اوضاع سیاسی و اقتصادی و نظامی در سطح سیاستگذاران و تصمیم گیرندگان نظام به گونه‌ای بود که میدان عمل به چنین افرادی را نداده و لذا دست نشاندگان گروهک‌ها، که از سال‌ها قبل آموزش دیده و برخی دیگر نیز که در لوای اسلام سنگ انقلاب را به سینه می‌زدند، عهده‌دار امور گردیده و تلاش می‌نمودند که طبق سیاست‌ها و راهبردهای آنها، مسیر انقلاب را کنترل و هدایت نمایند.

گاه نیز این تفکر که منافعی برای قشر درجه‌دار و کارمند داشت، مؤثر واقع می‌شد و تهییج و همراهی کلی آنها را به همراه داشت. مثل زمانی که مسئله مسکن و یا یکسان بودن کارها در یگان‌ها مطرح می‌شد، که اغلب نفرات پایگاه آنها را همراهی نموده و در نهایت، هم موجب تثبیت جایگاه آنها و هم موجب راهپیمایی گروهی به رهبری این افراد در سطح پایگاه و منطقه می‌گردید.

بدیهی بود که بزرگ‌ترین ضربه مدنظر گروهک‌های معاند به نظام، سست نمودن اعتقادات قشر متعهد، بی‌هدف جلوه دادن مأموریت‌ها و شرح وظائف یگان‌ها، از هم پاشاندن اتحاد بین اقشار مختلف و در نهایت، انحلال ارتش اسلام که بازوی پر قدرت نظام اسلامی به شمار می‌رفت، بود.

گرچه اعمال و اقدامات گروهک‌ها در منطقه دوم دریایی بوشهر از پیروزی انقلاب تا شروع جنگ تحمیلی همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بود، ولی آثار سوء آن در هر حال در تمامی زمینه‌های پرسنلی، فنی، تعمیر و نگهداری، لجستیکی، آموزشی و عملیاتی و در نهایت، تقلیل توان رزمی یگان‌های بارزش نداجا کاملاً مشهود بود، تا آنکه جنگ تحمیلی آغاز و به فرمایش امام(ره) آن نعمتی بود که بساط این عوامل مزدور و فریب خورده را در هم پیچید و با حضور پرسنل متعهد و ایثارگر در جایگاه اصلی خود، جلوه‌های عشق و فداکاری نمایان گردید.

در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹، یعنی حدود ۵ ماه قبل از آغاز تجاوز عراق، ستاد نداجا طی یک بررسی وضعیت آمادگی یگان‌های شناور نداجا را بسیار نامطلوب ارزیابی نموده و مراتب را به شرح زیر به سماجا اعلام می‌نماید (معنوی و همکاران، ۱۳۹۶):

- الف- از هفت فروند ناوشکن موجود یک فروند آمادگی عملیاتی دارد.
- ب- از چهار فروند فریگت پاسیور سه فروند آمادگی محدود دارند.
- پ- از نه فروند ناوچه موشک‌انداز کلاس پیکان تعداد هشت فروند در آمادگی محدود هستند.

ت- از هشت فروند ناو لجستیکی فقط دو فروند آمادگی دریانوردی دارند.

ث- از چهار فروند مین جمع کن فقط سه فروند آمادگی در حد تحرک دارند.

ج- از چهارده فروند هواناو سبک و سنگین فقط چهار فروند عملیاتی هستند.

چ- از مجموع ۳۶ فروند انواع بالگرد یازده فروند آمادگی پرواز دارند.

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹، پایگاه دریایی خرمشهر طی گزارشی مراتب کاهش آمادگی رزمی یگان‌ها را به دلیل تداوم آماده‌باش‌ها و اعزام یگان‌ها به مأموریت، به ستاد نداجا و منطقه یکم دریایی اعلام می‌دارد.

در خردادماه ۱۳۵۹، منطقه دوم دریایی بوشهر ضمن ارائه وضعیت آمادگی یگان‌های شناور ناوتیپ هفتم به ستاد نداجا اعلام می‌دارد. به دلیل اجرای مداوم مأموریت‌های گشتزنی و وجود مشکلات فنی متعدد، در صورت تداوم چنین مأموریت‌های گشتزنی توان رزمی خود را از دست خواهند داد.

علیرغم شرایط فوق، با بازگشت تدریجی آرامش به درون سازمان و علیرغم وجود کمبودها، کارکنان با الهام و توکل به خدا و خودباوری و خوداتکایی و اعتقاد راسخ به نظام مقدس جمهوری اسلامی، توانستند در مدت بسیار کوتاه و غیرقابل تصور با همت بالا و پشتیبانی فرماندهان و مسئولین رده بالای کشور بر معضلات و مشکلات فائق آیند؛ و به گونه‌ای که در شروع جنگ تحمیلی، یگان‌های تحت امر نداجا آمادگی رزمی بالاتری نسبت به اوایل سال ۱۳۵۹ داشتند و در تمام طول هشت سال جنگ در دریا نیز علیرغم تحریم‌های گسترده، موفق به اجرای تمام دستورالعمل‌های عملیاتی برای مقابله با تجاوزات عراق و نیروهای فرامنطقه‌ای شدند؛ به گونه‌ای که در اجرای اقدامات نداجا برای حفظ امنیت خطوط مواصلاتی و آب‌های سرزمینی در آب‌های جنوب کشور حتی یک روز تأخیر و یا فقدان حضور در خلیج فارس ایجاد نکردید. در هر کجا که دشمنان ایران در آب‌های خلیج فارس حضور داشتند یگان‌های شناور و پروازی نیروی دریایی آماده مقابله و رویارویی و دفع تجاوز بودند.

بخش دوم: عملیات‌های نداجا در جنگ تحمیلی

• ساختار تشکیلاتی و مراحل نبرد دریایی

نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران بر اساس وظیفه و مأموریتی که داشت، با آغاز جنگ اقدام به برقراری یک ستاد تاکتیکی تحت نام نیروی رزمی ۴۲۱ در پایگاه دریایی بوشهر می‌کند. وظیفه این ستاد هماهنگ نمودن و هدایت عملیات یگان‌های شناور و پروازی و تفنگداران نیروی دریایی در جهت مقابله با نیروی دریایی عراق بود. قطعاً در این مأموریت نابودی نیروی دریایی عراق، اولین اولویت این نیروی رزمی بود. به طور طبیعی، اولویت بعدی حفظ سیادت دریایی جمهوری اسلامی ایران بر آبراه راهبردی خلیج فارس و تنگه هرمز با هدف باز نگاه داشتن این آبراه بر نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و ممانعت از دسترسی عراق به آب‌های آزاد و محاصره دریایی این کشور بود.

با شدت گرفتن درگیری‌ها بین نیروهای خودی و ارتش بعثی در خطوط مرزی و اروندرود و آشکار شدن علائمی مبنی بر حمله سراسری عراق به جمهوری اسلامی ایران، ۴۸ ساعت قبل از آغاز رسمی جنگ تحمیلی (۱۳۵۹/۶/۳۱) اقدام به تأسیس و تشکیل قرارگاه مقدم عملیاتی به نام نیروی رزمی ۴۲۱ در بوشهر نمود (نزدیک‌ترین منطقه دریایی به شمال غربی خلیج فارس که از نقطه صفر مرزی نیز فاصله مناسب داشت). جانشین وقت فرماندهی نداجا به عنوان فرمانده این قرارگاه عملیاتی به همراه تعدادی از افسران از ستاد نداجا و منطقه یکم دریایی بندرعباس در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۹ با هواپیما به بوشهر عزیمت نمود و قرارگاه مذکور را در همان روز در ستاد سبزآباد تشکیل دادند. بر همین اساس، در ساعت ۲۱:۳۵ همان تاریخ، از پست فرماندهی نداجا به کلیه مناطق و پایگاه‌های دریایی ابلاغ گردید که قرارگاه مذکور در بوشهر تشکیل گردید. متعاقب آن و طی امریه‌ای که از سوی این قرارگاه صادر

شد، کلیه یگان‌های عملیاتی شناور، پروازی و تکاوران دریایی در کنترل عملیاتی این قرارگاه قرار گرفتند و به موجب امریه صادره، می‌بایستی کلیه موارد عملیاتی به این قرارگاه گزارش داده شود. به موجب امریه این قرارگاه، یگان‌های شناور در مناطق مختلف دریا گسترش یافتند و در نقاط حساس خلیج فارس، از تنگه هرمز تا شمال غربی خلیج فارس به منظور پدافند از تأسیسات حیاتی مستقر در سواحل و جزایر و همچنین مقابله با یگان‌های عراقی مستقر شدند.

مکان اولیه تشکیل قرارگاه مقدم دریایی در ساختمان سبزآباد بود، که مکانی قدیمی در داخل شهر بود. لیکن با توجه به نامناسب بودن این مکان، پس از بررسی‌های انجام شده و جستجو برای مکانی مناسب، در نهایت زیرزمین یکی از ساختمان‌های ۱۴ طبقه در منطقه دوم دریایی بوشهر مناسب تشخیص داده شد و با تجهیز این مکان، محل قرارگاه به زیرزمین مذکور که از امنیت تردد و اطلاعات بیشتری برخوردار بود، تغییر کرد.

منطقه دوم دریایی بوشهر مسئولیت پشتیبانی لجستیکی و نیروی انسانی این قرارگاه را عهده‌دار بود و جهت اجرای سریع امور و پشتیبانی مناسب از عملیات، تعدادی از افسران این منطقه دریایی به قرارگاه نیروی رزمی ۴۲۱ اختصاص یافته و به این قرارگاه اعزام شدند. بخش‌های مختلف مانند مخابرات، کنترل تردد، اطلاعات، طرح، هوایی و... برای رسیدگی و هماهنگی امور مختلف در نیروی رزمی ۴۲۱ تشکیل و فعال گردید. تعدادی از افسران ارشد از ستاد نداجا و منطقه یکم دریایی بندرعباس به نیروی رزمی ۴۲۱ مأمور شدند و به این ترتیب، با تکمیل کادر نیروی انسانی قرارگاه مقدم دریایی، از همان روزهای اولیه تشکیل قرارگاه، کلیه امور هماهنگی، عملیاتی و پشتیبانی به نحو احسن انجام گرفت.

تشکیل قرارگاه نیروی رزمی ۴۲۱ در آغاز درگیری‌ها، اجرای یکی از اصول مهم جنگ به نام "اصل وحدت فرماندهی" بود. بر همین اساس، از ابتدای جنگ کلیه اقدامات لازم پدافندی انجام شد و طرح‌های مختلف آفندی برای انهدام نیروهای دشمن و در تنگنا قراردادن آنها تهیه و به مورد اجراء گذاشته شد. نیروی دریایی

ارتش ج.ا.ا. بر همین اساس توانست با آمادگی کامل در همان ماه‌های اولیه جنگ تحمیلی کلیه اقدامات نیروی دریایی دشمن علیه منافع جمهوری اسلامی ایران در دریا را خنثی نموده و علاوه بر آن، با انهدام بخش مهمی از توان رزمی دریایی رژیم بعثی عراق، سیادت دریایی در خلیج فارس و تنگه هرمز را حفظ نماید. این قرارگاه دارای قرارگاه‌های فرعی در آبادان، بندرامام، جزیره خارک و بندرعباس بود (نام ۴۲۱ برگرفته از سیستم این فرماندهی شامل یک فرماندهی اصلی مستقر در بوشهر، دو منطقه دریایی شامل بوشهر و خرمشهر و چهار منطقه عملیاتی فرعی شامل آبادان، بندر امام، جزیره خارک و بندرعباس بود).

با توجه به اینکه قرارگاه عملیاتی نیروی رزمی ۴۲۱ از پیش از آغاز حمله سراسری رژیم بعثی عراق به جمهوری اسلامی ایران در نزدیکی صحنه عملیات دریایی تشکیل شد، لذا با تسلط و احاطه بر منطقه اصلی نبرد فرماندهی این قرارگاه توانست طرح‌های مؤثر آفندی و پدافندی را تهیه و توسط یگان‌های عملیاتی به مورد اجرا گذارد، که اجرای هریک تأثیر بسیاری در سرنوشت جنگ داشت. تعدادی از طرح‌ها و اقدامات قرارگاه مقدم دریایی ارتش ج.ا.ا. را می‌توان به شرح زیر نام برد:

- اعزام گردان تکاوران دریایی از بوشهر به خرمشهر که منجر به خلق حماسه دفاع ۳۴ روزه خرمشهر گردید.

- گسترش یگان‌های سطحی و اجرای عملیات گشتی توسط یگان‌های پروازی در شمال غربی خلیج فارس در قالب طرح عملیاتی بهروز به منظور پایش دهانه خور عبدالله برای جلوگیری از تردد دریایی در این آبراه و محاصره دریایی عراق.

- اجرای گشت‌های دریایی پدافندی از جزیره خارک در قالب طرح عملیاتی شهاب در راستای پدافند از تأسیسات نفتی و بارگیری جزیره خارک در مقابل حملات سطحی و هوایی دشمن.

- برنامه‌ریزی و اعزام یگان‌های سطحی و پروازی به بندر امام به منظور پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی از شهرهای آبادان و خرمشهر در دوران محاصره، از طریق هوا و دریا.
- طرح‌ریزی و اجرای عملیات موفقیت‌آمیز اشکان و شهید صفری که منجر به انهدام تأسیسات ترمینال‌های نفتی البکر و الامیه گردید و امکان صادرات نفت آن کشور از خلیج فارس از میان برده شد.
- طرح‌ریزی و اجرای عملیات موفقیت‌آمیز مروارید که به انهدام بخش اعظم توان دریایی رژیم بعثی و سرنگون شدن تعداد کثیری از هواپیماهای جنگنده دشمن منتهی گردید.
- تهیه طرح‌های تمساح و اژدر و اجرای سلسله عملیات اسکورت کاروان کشتی‌های تجاری و نفتکش در طول هشت سال دفاع مقدس به بندر امام، بندر ماهشهر و جزیره خارک.
- برقراری پدافند از جزایر و سکوهای نفتی کشور در مقابل حملات هوایی دشمن بعثی.
- اجرای سلسله عملیات تجسس و نجات در دریا.
- کنترل مستمر آبراه‌ها در خلیج فارس و کنترل تردد دریایی به بنادر خودی در طول هشت سال دفاع مقدس.
- تهیه طرح طوفان در راستای مین‌روبی آبراه خورموسی و اجرای عملیات مین‌روبی به دفعات در این آبراه، به منظور تأمین امنیت کشتی‌های غیرنظامی در حال تردد در آبراه مذکور.
- برنامه‌ریزی و اجرای عملیات اطلاعاتی رزمی در عمق سرزمین دشمن توسط تیم عملیات ویژه تکاوران دریایی و انهدام ایستگاه رادار و سکوی پرتاب موشک ساحل به دریای دشمن مستقر در شبه جزیره فاو.
- اجرای عملیات ویژه دریایی در دریا توسط یگان‌های عملیات ویژه تکاوران دریایی.

- برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی و اجرای عملیات مکرر و مستمر تفتیش و بازرسی کشتی‌های مشکوک به حمل کالا برای عراق که منجر به توقیف محموله‌های متعلق به عراق و حتی در یک نوبت منتهی به توقیف و به غنیمت گرفتن کشتی حامل محموله گردید.

البته با توجه به گسترش جنگ در خلیج فارس و بحث جنگ نفتکش‌ها و مسائل جزایر و سواحل طولانی ایران در خلیج فارس و دریای عمان یک قرارگاه تاکتیکی موسوم به فرماندهی مشترک دریا ساحل که به دال سین (دس) معروف بود، در زمان ریاست ستاد زنده یاد سرتیپ ظهیرنژاد در بندرعباس تشکیل شد، که مستقیماً تحت امر ستاد مشترک ارتش بود. این قرارگاه تاکتیکی دارای یک فرمانده از افسران نیروی دریایی و سه معاون هوایی و دریایی و زمینی بود. یک تیپ از نیروی زمینی و پایگاه‌های هوایی بوشهر و بندرعباس و چابهار و یگان‌های شناور مناطق مختلف نیروی دریایی تحت امر عملیاتی آن بودند. ایجاد این قرارگاه تاکتیکی در واقع نشان دهنده خلأ بزرگی در سیستم فرماندهی تاکتیکی ناوگان نیروی دریایی بود، که پس از انحلال فرماندهی ناوگان خلیج فارس و دریای عمان به وجود آمده بود، زیرا اگر این ساختار فرماندهی حفظ شده بود، دیگر نیازی به ایجاد قرارگاه‌های تاکتیکی متعدد مانند ۴۲۱ و دریا ساحل نبود و فرماندهی ناوگان متناسب با شرایط تاکتیکی مناطق مختلف جنگ در دریا از زیرمجموعه‌های خود برای فرماندهی و کنترل عملیات در هر منطقه استفاده می‌کرد.^۱

از تاریخ ۶۶/۴/۲۰، ساختار فرماندهی جنگ نداجا مجدداً تغییر یافت. فرماندهی مشترک دریا-ساحل که برابر دستورالعمل شماره ۲۰۱/۰۶/۱/۱ ۶۳/۱۱/۲ سماجا ۳ تشکیل گردیده بود، برابر امریه شماره ۲۰۱/۰۶/۱۸/۴ س

۱- در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹، بر اساس ابلاغیه ستاد نداجا، سیستم کنترل و فرماندهی از وضعیت قبلی خارج و در خلیج فارس به سه منطقه یکم، دوم و سوم دریایی تقسیم شد. فرماندهی این مناطق به ترتیب به پایگاه‌های دریایی بندرعباس، بوشهر و خرمشهر واگذار گردید. یگان‌های عملیاتی و شناور هر منطقه تحت کنترل عملیاتی همان منطقه قرار گرفتند.

۶۵/۱۰/۱۱ ستاد مشترک، یعنی پس از حدود کمتر از دو سال فعالیت منحل اعلام و چگونگی طی نامه شماره ۰۹۱۱۰۰ ط/۳ - ۳/۹/۶۶ توسط نداجا به گیرندگان ذیربط ابلاغ گردید. طی این امریه، کلیه وظائف و مسئولیت‌ها و اجراء طرح‌ها و دستورات رزمی به مناطق مربوطه واگذار گردید (پیوست ۱).

مجموعه عملیات‌های نیروی دریایی ارتش را در طول جنگ تحمیلی می‌توان از نظر مقاطع زمانی و نوع عملیات‌های انجام شده مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داد، زیرا با توجه به طولانی شدن جنگ و ایجاد تحولات عمده در وضعیت صحنه عمومی نبرد در زمین، هوا و دریا، استراتژی و تاکتیک‌های یگان‌های عملیاتی نیروی دریایی نیز دستخوش تغییراتی متناسب با شرایط جدید گردید، تا بتواند مأموریت تعریف شده برای این نیرو را به بهترین نحو ممکن به مورد اجرا قرار دهد، زیرا مأموریت نیروی دریایی با توجه به اصول اولیه آن همچنان پابرجا و تغییرات بعمل آمده در عملیات‌های مختلف عمده‌تاً در جهت اجرای هرچه بهتر شرایط برای تسلط بر آب‌های مناطق درگیری و جلوگیری از اهداف عراق و حامیان غربی و منطقه‌ای آن در دریا بود. بکارگیری تجهیزات جدید و فوق پیشرفته موشکی و جنگنده و بالگردهای حامل آنها و همچنین، ورود و دخالت ده‌ها فروند یگان‌های شناور سایر کشورها و عمده‌تاً آمریکایی، شرایط جدیدی را ایجاد کرد، که هدف اصلی آن ممانعت از دسترسی ایران به تجارت بین‌المللی از طریق دریا بود. برای مثال، اتخاذ استراتژی امنیت خلیج فارس برای همه و یا هیچ‌کس از سوی سرفرماندهی عالی جنگ جمهوری اسلامی متکی بر شرایط جدید در صحنه نبرد در دریا بود، که روش‌های عملیاتی ابتکاری و گسترده‌ای را توسط نیروی دریایی ارتش می‌طلبید و صحنه و حجم اقدامات کنترل و مراقبت دریایی را نسبت به گذشته به چند برابر افزایش می‌داد؛ لذا برای آگاهی بیشتر و سهولت در روند نبرد دریایی، می‌توان از نظر زمانی، تغییرات به عمل آمده در صحنه نبرد در دریا را به شرح زیر تقسیم نمود:

✓ مرحله اول نبرد دریایی

در سال اول جنگ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹ الی ۳۱ شهریور ۱۳۶۰ برابر با ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۱ الی ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۱) سلسله عملیات‌های تهاجمی علیه تأسیسات دریایی و یگان‌های شناور عراقی به نابودی بخش مهمی از تجهیزات و یگان‌های شناور عراقی عمدتاً از نوع ناوچه‌های موشک‌انداز کلاس اوزا منجر گردید. با انهدام پایانه‌های نفتی البکر و الامیه، این کشور از صادرات نفت از طریق دریا محروم و محاصره دریایی این کشور توسط یگان‌های شناور و پروازی نیروی دریایی ارتش موجب قطع تجارت دریایی عراق شد. به دنبال این عملیات‌ها، باقیمانده شناورهای عراقی در لاک دفاعی فرورفته و عمده فعالیت آنها به تردد در مسیر بندر ام‌القصر، خور عبدالله و پایانه‌های نفتی البکر و الامیه محدود گردید. گردان تکاوران دریایی در عملیات‌های مختلف حفظ مناطق سرزمینی ایران و جلوگیری از پیشروی بیشتر نیروهای عراقی در شبه جزیره آبادان و خرمشهر وارد عمل شدند و تا زمان فتح مجدد خرمشهر در این مناطق فعالیت گسترده داشتند. مجموعاً سال اول جنگ را می‌توان سال برتری مطلق نیروی دریایی ارتش ایران بر عراق و دستیابی به تمامی اهداف و مأموریت تعریف شده برای این نیرو برشمرد.

✓ مرحله دوم نبرد دریایی

سال‌های دوم الی چهارم جنگ (۳۱ شهریور ۱۳۶۰ الی ۳۱ شهریور ۱۳۶۳ برابر با ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۱ الی ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۳) در دریا بیش از آنکه تابع رویدادهای دریایی باشد، عمدتاً به تحولات جنگ در جبهه‌های زمینی و تأثیر آن بر استراتژی دریایی دو طرف جنگ مرتبط می‌گردید. سال دوم جنگ با تحولات بسیار ارزشمندی برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران همراه بود. پس از دشواری‌های اولیه در جهت حفظ سرزمین ایران در آغاز تهاجم عراق و ممانعت از پیشروی ارتش این کشور در ۵ استان

کشور، با اقدامات تهاجمی نیروهای ایرانی طی عملیات‌های گسترده، در این دوره زمانی بخش‌های وسیعی از خاک ایران آزاد گردید. اوج این تحولات به عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس بازمی‌گردد، که به فاصله اندکی از یکدیگر در بهار ۱۳۶۱ اجرا گردید و ضمن آزادسازی خرمشهر به تغییرات مهمی در استراتژی تهاجمی عراق منجر گردید. عراق پس از شکست در عملیات بیت‌المقدس و با اعلام عقب‌نشینی سراسری نیروهای عراقی به مرزهای بین‌المللی، در واقع به شکست استراتژی تهاجمی خویش اعتراف کرده و از این طریق، درصدد برآمد تا ضمن خلع سلاح کردن ایرانی‌ها در سطح نظام بین‌الملل به رفع نقاط ضعف یگان‌های خود از طریق صرفه‌جویی در قوا، بالا بردن انگیزه سربازان، فراهم ساختن امکان پشتیبانی سریع از نیروهای در خط و... پردازد. بدون شک تحولات جدید در صحنه نبردهای زمینی تدریجاً تأثیر خود را بر روی استراتژی عراق در دریا باقی می‌گذاشت. رویارویی نیروی دریایی عراق در ابتدای جنگ طی چند عملیات گسترده با نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در شمال خلیج فارس، که با پشتیبانی هوایی از دو طرف درگیر همراه بود، نتیجه‌ای جز شکست و نابودی شناورهای رزمی و هواپیماهای شکاری برای عراقی‌ها نداشت. تکرار رویارویی مستقیم شناورهای رزمی عراق با یگان‌های شناور ایرانی در پهنه خلیج فارس آزمودن تجربیات گذشته بود و می‌توانست به نابودی کامل بازمانده شناورهای عراقی منجر گردد؛ لذا استراتژی دریایی عراق در این دوره، عمدتاً بر حفظ و تداوم حضور یگان‌های شناور باقیمانده از درگیری‌های گذشته در مسیر بندر ام‌القصر، آبراه خور عبدالله تا پایانه‌های نفتی البکر و الامیه محدود گشته بود، که عمدتاً با هدف ممانعت از نفوذ نیروهای ایرانی از طریق دریا به سوی ام‌القصر و حفاظت از تأسیسات حساس در برابر اقدامات آفندی نیروهای خودی در این مناطق بود.

اما از سوی دیگر، عراق در جبهه‌های زمینی دچار مشکلات فراوانی شده بود. در حقیقت، نیروهای عراقی از اینکه باید در برابر عملیات‌های تهاجمی

نیروهای ایرانی دائماً در جبهه‌ها به حالت آماده‌باش بوده و در موضعی کاملاً انفعالی به دفاع در برابر ایرانی‌ها پردازند، به شدت خود را ضعیف و آسیب‌پذیر می‌دیدند و تنها راه خروج از وضعیت جاری را توسعه صحنه جنگ از جبهه‌های عملیاتی زمینی به مراکز مسکونی و اقتصادی ایران و از همه مهم‌تر، شاهراه حیاتی ایران در خلیج فارس تشخیص دادند. در اتخاذ این استراتژی، تدریجاً نقش راهبردی خلیج فارس در تأمین امکانات مورد نیاز جنگ در صدر توجهات فرماندهی عراق قرار گرفت. خلیج فارس نقش یگانه‌ای در صادرات نفت و کسب درآمد ارزی جمهوری اسلامی ایفا می‌نمود و لذا باید صادرات نفت از یک سو و واردات کالا به بنادر ایران از سوی دیگر قطع و یا با دشواری فزاینده همراه گردد، تا تدریجاً ماشین جنگی ایران کند و یا متوقف شود. یگان‌های شناور عراقی با توجه به ضعف ژئوپلیتیکی عراق برای دسترسی آسان به خلیج فارس و محدود شدن در شمال این خلیج و همچنین، از دست دادن بخش مهمی از توان رزمی خود در عملیات‌های گذشته، عملاً امکان اجرای چنین عملیات گسترده و مستمری را نداشتند.

سال چهارم جنگ (۳۱ شهریور ۱۳۶۲ الی ۳۱ شهریور ۱۳۶۳) را باید نقطه عطف جنگ ایران و عراق نامید. علیرغم این واقعیت که ماهیت و اجرای عملیات‌های گسترده در صحنه نبرد جنگ تحمیلی در زمین، هوا و دریا بسیار متفاوت بودند، اما مجموعه اقدامات بعمل آمده در صحنه عمومی جنگ در تمام مناطق عملیاتی در راستای تحقق استراتژی و اهداف مصوب سرفرماندهی عالی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی انجام می‌گرفت، لذا تحولات عمیق و اساسی در هریک از جبهه‌های هوایی، دریایی و زمینی می‌توانست بر سایر مناطق جنگی و نیز اهداف کلی جنگ تأثیرگذار باشد. پیروزی‌های ایران در جبهه‌های زمینی، ارتش عراق را کاملاً در موضع دفاعی و انفعالی قرار داده بود و به دلایل کاملاً روشنی تداوم این وضع می‌توانست نهایتاً به نتایج ناخوشایندی برای عراق و حامیان بین‌المللی آن منجر گردد.

عراق تا قبل از عملیات خیبر به صورت محدود و موردی اقداماتی را نظیر استفاده از سلاح‌های شیمیایی، بمباران مراکز اقتصادی و موشک‌باران مراکز مسکونی انجام داده بود، اما تنها از عملیات خیبر به بعد، این اقدامات به صورت فراگیر و به عنوان بخشی از استراتژی نظامی عراق مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در چهارچوب مرحله جدید استراتژی دفاعی عراق، تنها راه خروج از انفعال و جلوگیری از تداوم وضعیتی که منجر به فرسایش روزافزون نیروهای عراق در جبهه‌های جنگ شده بود، گسترش دامنه جنگ از صحنه‌های رزم به مناطق و مراکزی بود که به زعم رهبران عراق، موتور پشتیبانی‌کننده نیروهای ایرانی در جبهه‌های جنگ محسوب می‌شدند. در استراتژی مزبور، همزمان با ادامه تدابیر دفاعی در جبهه‌های جنگ، برای سد کردن پیشروی نیروهای ایرانی سه راهکار پیش‌بینی شده بود:

- استفاده وسیع از سلاح‌های شیمیایی در جبهه‌های جنگ برای جبران نقاط ضعف یگان‌های عراقی.

- بمباران مراکز اقتصادی و خصوصاً بمباران پایانه‌های صدور نفت و نفتکش‌های حامل نفت ایران برای محروم کردن ایران از درآمدهای ارزی و تهیه تسلیحات مورد نیاز و - در صورت عکس‌العمل ایران - متقاعد ساختن جامعه بین‌الملل برای ورود مستقیم به جنگ و فشار به ایران برای پذیرش شرایط عراق.

- و سرانجام بمباران مراکز مسکونی و خصوصاً شهر تهران برای تضعیف روحیه مردم ایران و ترغیب آنها برای فشار به مسئولین برای خاتمه جنگ (درویشی؛ ۱۳۸۰).

غافلگیری دشمن در عملیات خیبر و ناتوانی او در عقب راندن نیروهای ایرانی از جزایر مجنون، مجدداً توانایی دفاعی عراق را مورد تردید قرار داد و متقابلاً شگفتی ناظران را از قابلیت‌های طرح‌ریزی عملیات تهاجمی جمهوری اسلامی برانگیخت. بکارگیری سلاح‌های شیمیایی به صورت گسترده از سوی عراق از یک سو نشان ضعف دفاعی، نومیدی و درماندگی

ارتش عراق بود و از سوی دیگر، این مسئله را روشن می‌کرد که عراق با ایجاد زیرساخت‌های جدید در زمینه تولید سلاح‌های شیمیایی با کمک کشورهای اروپایی، بویژه آلمان، استراتژی جدیدی را برای مقابله با تهاجمات پی در پی و گسترده ایران برگزیده است (درودیان؛ ۱۳۷۸).

اما در این میان، باید مهم‌ترین اقدام رژیم بعث را تلاش برای محروم نمودن ایران از درآمدهای ارزی لازم حاصل از صادرات نفت خام برشمرد. ارتش عراق به موازات تلاش برای رفع تنگناهای اقتصادی خود و فشار به ایران برای پایان دادن به جنگ، در چهارچوب موافقت آمریکا برای ضربه زدن به توانایی‌های صدور نفت ایران، خریداری موشک‌های اگزوست و اجاره هواپیماهای سوپراتاندارد را از کشور فرانسه طرح‌ریزی و اجرا کرد. طارق عزیز وزیر خارجه وقت عراق در دیدار با شولتز، وزیر خارجه وقت آمریکا، در مورد اقدام عراق (حمله به خارک و زدن نفتکش‌های حامل نفت ایران) چنین استدلال کرد که این حمله سبب پایان یافتن جنگ خواهد شد، زیرا اگر ایران پول نفت را نداشته باشد، نمی‌تواند اسلحه مورد نیاز خود را از بازارهای سیاه تهیه کند (آر. تیرمن؛ کنت ۱۳۷۳).

در همین چهارچوب، جنگ شهرها به عنوان بخش مکمل استراتژی جدید عراق طراحی شد. گسترش حملات به مناطق مسکونی و خصوصاً بمباران تهران با هدف فشار روانی و اجتماعی مستقیم روی مردم و فشار غیرمستقیم بر مسئولین و تصمیم‌گیرندگان ایرانی برای فراهم‌سازی زمینه‌های پایان دادن به جنگ پیش‌بینی شده بود. اظهارات صدام در این زمینه تا اندازه‌ای اهداف عراق را آشکار می‌سازد: "ما دو راه بیشتر نداریم، یا مصالحه و یا اینکه برای حل مسئله جنگ باید شهرهای ایران را بزنیم." (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳)

در سال چهارم جنگ، نیروهای زمینی دو طرف به تعادل رسیده بودند، جنگ شهرها با مقاومت و ایستادگی مردم ایران نتایج جز ثبت گسترده

جنايات جنگى حاصلی برای بغداد نداشت، ولی در خلیج فارس وضع به گونه دیگری بود.

عراق برای توسعه حملات خود با صلاح‌دید کشورهای غربی در ۱۲ اوت ۱۹۸۴ (۲۱ مردادماه ۱۳۶۳) منطقه ممنوعه ادعایی خود را گسترش می‌دهد. بعد از اعلام این وضعیت جدید، نیروی هوایی عراق تعدادی از نفتکش‌های بیطرف را در مجاورت ترمینال نفتی جزیره خارک، مورد حمله قرار داد. در ۲۵ آوریل ۱۹۸۴ (۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۳)، عراق برای اولین بار سوپر تانکر (سفینه العرب) را که تحت پرچم سعودی در حال حرکت بود، مورد حمله قرار داد. کشور مزبور روزهای بعد حملاتش را تشدید کرد. ایران در ۱۶ مه ۱۹۸۴ (۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۳) با حمله به نفتکش (یانبو پراید) که تحت پرچم سعودی در حال حرکت بود، مبادرت به مقابله به مثل نمود. تعداد حملات ایران که غالباً علیه نفتکش‌هایی که حامل نفت کویت بودند، صورت می‌گرفت، در مقایسه با حملات عراق کمتر بود (ام جنکینس؛ ۱۹۸۵).

همزمان برای جبران قطع صادرات نفت خام عراق از طریق خلیج فارس، در یک مقطع دو ساله، کشورهای کویت، ایالات متحده، اردن و آفریقای جنوبی در یک همکاری تنگاتنگ، نفت خام هدیه شده از سوی کویت را در نفتکش‌هایی با پرچم آمریکا بارگیری کرده و به آفریقای جنوبی منتقل می‌کردند. آفریقای جنوبی در عوض سوخت مورد نیاز عراق را به بندری در اردن تحویل می‌داد. همزمان جزیره خارک به عنوان پایانه اصلی صدور نفت ایران توسط هواپیماهای پیشرفته‌ای که فرانسه به عراق تحویل داده بود مورد حملات مستمر قرار داده می‌شد، تا نهایتاً مسدود شده و یا به نحو مؤثری از قابلیت صادرات نفت ایران کاسته شود. به این ترتیب، ایران وارد جنگ نفتکش‌ها شد (رجایی؛ ۱۹۹۳).

طرف عراقی تنها در طول سال چهارم جنگ دست به حمله به ۳۳ نفتکش زد. ایران نیز با حمله به ۱۷ نفتکش به این عمل واکنش نشان داد. واکنش مرحوم هاشمی رفسنجانی به این مسئله این بود که تهدید کرد اگر

جلو صادرات نفت ایران از خلیج فارس گرفته شود، آنگاه هیچ کشوری نخواهد توانست از نفت خلیج فارس استفاده کند. دو هفته بعد، شورای امنیت به این تهدید ایران واکنش نشان داد و با صدور قطعنامه ۵۵۲ طرفین را از حمله به کشتی‌های غیرنظامی بازداشت (کامرون؛ ۱۹۹۴).

با افزایش حمله به نفتکش‌ها و اقدامات متقابل ایران، شورای امنیت سازمان ملل با فشار کشورهای غربی و عربی اقدام به صدور چند قطعنامه در خصوص تقبیح و محکومیت مورد اصابت قرار گرفتن نفتکش‌ها در خلیج فارس نمود، که بدون اشاره به اقدامات عراق، ایران را تلویحاً مورد خطاب و سرزنش قرار می‌دهند؛ لذا تدریجاً بکارگیری یگان‌های پروازی جدید و انواع موشک‌های زمین‌پایه و هواپایه ضدشناور در دستور کار ارتش عراق قرار گرفت. تمرکز حملات موشکی عراق علیه پایانه نفتی خارک، بندر امام و پایانه ماهشهر در اولویت تهاجمات موشکی نیروهای عراقی قرار داشت. تجهیزات جدیدی مانند هواپیماهای میراژ اف ۱، جنگنده سوپراتاندارد، بالگردهای سوپرفریلون، موشک‌های ضدکشتی اگزوست و کرم ابریشم تدریجاً وارد ارتش عراق شده و در شمار تجهیزات سازمانی آن قرار گرفتند و یا تعداد تجهیزات مشابه قبلی را افزایش دادند. وضعیت جدید به چالشی بزرگ و مستمر برای نیروی دریایی ارتش منجر گردید، که نیازمند تمهیدات و روش‌ها و دستورالعمل‌های جدید و هوشمندانه‌ای بود که جهت رویارویی با این تهدیدات، که از نظر حجم و گستردگی به طور دائم رو به افزایش بودند، به مورد اجرا گذاشته شوند.

در واقع، با شکل‌گیری روند تحولات در خلیج فارس، ایالات متحده که از قبل خود را تدریجاً آماده درگیری نظامی در خلیج فارس می‌کرد، در اول ژانویه ۱۹۸۳ (۱۱ دی ماه ۱۳۶۱) با فرمان رئیس‌جمهور ایالات متحده فرماندهی مرکزی^۱ این کشور در خلیج فارس تأسیس و برای اولین بار پس از

سرنگونی رژیم پهلوی در ایران، این کشور رسماً در این منطقه حضور نظامی دائم پیدا نمود. مهم‌ترین نیروهای تحت امر فرماندهی مرکزی، یگان‌های نیروی دریایی ایالات متحده^۱ بودند که برای اجرای مأموریت‌های مورد نظر در خلیج فارس به این منطقه اعزام می‌شدند (شنلر رابرت؛ ۲۰۰۷). این نیروی رزمی دریایی به دلیل وقوع چند جنگ گسترده نیروهای بین‌المللی با عراق بعداً در سال ۱۹۹۵ به ناوگان پنجم تغییر نام داد و تقریباً با یک ساختار و سازمان رسمی، حضوری دائمی در خلیج فارس پیدا نمود. با شدت گرفتن جنگ نفتکش‌ها و تقویت یگان‌های شناور این نیروی رزمی، تدریجاً زمینه دخالت مستقیم نظامی آمریکا در خلیج فارس فراهم می‌آمد.

اگر بخواهیم تصویری درست از دوره زمانی سال‌های دوم الی چهارم جنگ در دریا به دست آوریم، باید توجه کرد که نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با توجه به دو وضعیت جدیدی که تدریجاً در حال شکل‌گیری بودند، باید اقدامات خود را بر اساس طرح‌های عملیاتی مصوب به مورد اجرا می‌گذاشت. تعلل در اجرای صحیح هرکدام، تبعات جبران‌ناپذیری برای کشور در پی داشت. این اقدامات به شرح زیر بودند:

الف - مقابله با تشدید حملات هوایی و موشکی دورایستای ارتش عراق به نفتکش‌ها و مراکز اصلی صادرات نفت و اهمیتی که تداوم کسب درآمدهای ارزی حاصله از صادرات نفت برای حیات کشور و تداوم عملیات‌ها در جبهه‌های جنگ داشت. اگرچه نیروی دریایی ارتش از آغاز تهاجم عراق بر اساس مأموریت مصوب، مانع اجرای چنین اقداماتی از سوی ارتش عراق شده بود، اما حجم و گستردگی و تاکتیک‌های به کار گرفته شده با تجهیزات جدیدی که عراق برای حمله به منافع ایران در خلیج فارس دریافت نموده بود، اقدامات مقابله و تاکتیک‌های پدافندی متناسب و مؤثرتری را از سوی نیروی دریایی ارتش طلب می‌نمود.

ب - همزمان با اجرایی شدن راهبرد جدید فرماندهی عالی جنگ مبنی بر سیاست مقابله به مثل، فرماندهی نیروی دریایی ارتش باید برنامه‌ریزی گسترده‌ای را برای اجرای قاطع و مستمر طرح‌های عملیاتی مصوب به عمل می‌آورد.

ذکر این نکته نیز ضروریست که طی این دوره چند ناوچه عراقی که به خود اجازه ورود به خلیج فارس را داده بودند، توسط ناوچه‌های موشک‌انداز خودی کشف و منهدم گردیدند تا حاکمیت مطلق نیروی دریایی ارتش بر آب‌های منطقه شمال خلیج فارس مورد تأکید قرار گرفته و اجازه هیچ‌گونه تحرکی به یگان‌های شناور عراقی در این محدوده داده نشد. به تعدادی از این عملیات‌ها اشاره و در جای خود توضیحات کامل داده خواهد شد.

نبرد ناوچه جوشن با یک فروند ناوچه عراقی و انهدام آن در تاریخ

۱۳۵۹/۸/۱

نبرد ناوچه شمشیر با یک فروند ناوچه عراقی و انهدام آن در تاریخ

۱۳۶۳/۱/۲۱

نبرد ناوچه شمشیر با یک فروند ناوچه عراقی و انهدام آن در تاریخ

۱۳۶۳/۲/۱۱

نبرد ناوچه زوبین با یک فروند ناوچه عراقی و انهدام آن در تاریخ

۱۳۶۳/۸/۲

نبرد ناوچه خنجر با یک فروند هواپیمای دشمن و انهدام آن در تاریخ

۱۳۶۴/۶/۲۳

به علاوه علیرغم افزایش تهدیدات علیه کشتیرانی و خطوط مواصلاتی خودی در خلیج فارس، در جهت پشتیبانی از نیروهای زمینی، نیروی دریایی ارتش اقدامات گسترده‌ای به عمل می‌آورد. در عملیات خیبر، در مناطق هورالعظیم، هورالهویزه و جزایر مجنون نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با بکارگیری یگان‌های پروازی (هواناو و بالگرد)، به صورت گسترده اقدام به ترابری و جابه‌جایی نفرات، مهمات، تجهیزات، اجساد

شهда، مجروحین و... نمود، که به لحاظ گستردگی، تعداد سورتی پرواز و حجم و میزان جابه‌جایی تجهیزات و نفرات در مقطع زمانی مورد نظر، یکی از مهم‌ترین اقدامات نیروی دریایی ارتش به شمار می‌آید. از شروع عملیات تا تاریخ ۱۳۶۳/۳/۶ (پایان احداث پل و جاده خیبر)، پشتیبانی یگان‌های پروازی نداجا به صورت مستمر و شبانه‌روزی تداوم یافت.

✓ مرحله سوم نبرد در دریا

دوره زمانی این مرحله به شدت گرفتن عملیات هوایی و موشکی عراق علیه کشتیرانی آزاد ایران و عمدتاً صدور نفت خام کشورمان و اقدامات مقابله به مثل ایران، مشهور به جنگ نفتکش‌ها، تا آغاز درگیری‌های مستقیم نیروهای ایالات متحده و ایران در خلیج فارس مربوط می‌گردد. این دوره زمانی که شاهد اوج جنگ نفتکش‌ها بود، سال‌های پنجم و ششم جنگ را تشکیل می‌دهد (از ۳۱ شهریور ۱۳۶۳ الی ۳۱ شهریور ۱۳۶۵ برابر با ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۴ الی ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۶). تحولات این دوره را می‌توان اجمالاً به شرح زیر خلاصه نمود:

طی این دوره زمانی حملات عراق علیه صادرات نفت و کشتیرانی ایران شدت و گسترش بیشتری گرفت. نیروهای عراقی با تجهیزات و امکانات فراوانی که برای اجرای این راهبرد از غرب دریافت می‌نمودند، همراه با توسعه همکاری اطلاعاتی با نیروهای آمریکایی در خلیج فارس در خصوص کشف موقعیت شناورهای تجاری و رزمی ایران، هواپیماها و بالگردهای عراقی حامل موشک‌های اگزوست از موقعیت برتری نسبت به یگان‌های خودی برای مورد اصابت قرار دادن نفتکش‌های حامل نفت ایران قرار گرفتند. به علاوه عراق علاوه بر بمباران مداوم جزیره خارک، اقدامات تخریبی خود را برای از بین بردن تولید و پالایش نفت ایران نیز شدت می‌بخشد. جزیره سیری نیز مورد حمله هوایی قرار گرفت. همزمان عراق حملات به پالایشگاه‌های نفت در داخل کشور را نیز افزایش می‌بخشید.

هدف از این عملیات محروم نمودن ایران از صادرات نفت و از بین بردن توان تولید و پالایش نفت خام بود و باید اذعان داشت که بخش مهمی از این حملات مؤثر و کارساز بود. نیروهای ایرانی نیز از طریق هوا و دریا تعدادی از نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری را مورد اصابت قرار می‌دادند، که تأثیر چندانی بر توقف عملیات توسط عراق نداشت. در این سال، جنگ مین نیز به عنوان بخشی از اقدامات متقابل ایران در خلیج فارس شدت و گسترش پیدا نمود، که در سال‌های بعد (سال هفتم) ناو آمریکایی ساموئل رابرتز و چند کشتی تجاری را مورد اصابت قرار داده و موجب افزایش تنش و درگیری مستقیم بین نیروهای آمریکایی و ایرانی در خلیج فارس شد.

سیاست مقابله به مثل در خلیج فارس از سال ۱۳۶۳ آغاز شد. چنانکه در سال‌های ۶۱ و ۶۲ با وجود حملات عراق به خارک و نفتکش‌ها (در کل ۳۸ مورد) ایران هیچ واکنشی از خود نشان نداد، تا اینکه از نیمه دوم سال ۱۳۶۲، با انتشار گزارش تحویل هواپیمای «سوپر اتاندارد» به عراق، نگرانی ایران افزایش یافت. در آن زمان، نخست وزیر وقت مهندس موسوی گفته بود: «اگر خلیج فارس برای ایران ناامن شود، برای همه کشورها ناامن خواهد شد.» از اینرو، ایران با هدف بازدارندگی، موضوع مسدود کردن تنگه هرمز را مطرح کرد.» امام راحل نیز خطاب به کشورهای منطقه و کشورهایی که از نفت استفاده می‌کنند، هشدار داد دولت ایران با قدرت تنگه هرمز را مسدود می‌کند، اما نظر به اینکه ماهیت سیاست‌های آشوب‌طلبانه حزب بعث - به دلیل نگرانی از شکست در جنگ - منشأ بحران‌آفرینی در خلیج فارس ارزیابی می‌شد، لذا از قرار گرفتن در مسیر سیاست‌های عراق اجتناب شد و به همین دلیل، ایران در تحلیلی که از اهداف و ماهیت سیاست‌های عراق داشت، به جای مسدود کردن تنگه هرمز، سیاست جدیدی را اتخاذ کرد و در اردیبهشت ۶۳ نخستین مقابله به مثل ایران، حمله به نفتکش‌های دیگر بود. در این مرحله، از اقدام‌های دریایی و هوایی ارتش استفاده می‌شد

و طبق آمارهای موجود، در مجموع در سال ۶۳، عراق به ۵۳ نفتکش ایرانی حمله کرد، در حالی که واکنش ایران حمله به ۱۸ نفتکش عراقی بود. در تابستان سال ۱۳۶۴، عراق موج جدیدی از حملات گسترده را به خارک از سر گرفت؛ چنانکه شصت بار حمله هوایی در این دوره شش ماهه به ثبت رسید. با این حملات، نگرانی‌های ایران تشدید شد؛ زیرا علاوه بر خساراتی که متحمل شده بود، سیاست مقابله به مثل تأثیر چندانی نداشت. در این مرحله، عراق ۳۳ نفتکش و ایران ۱۴ نفتکش را مورد هدف قرار دادند. مرحوم هاشمی رفسنجانی برای بار دیگر سیاست‌های ایران را برای دشمنان اعلام کرد: «روزی که ما نتوانیم از خلیج فارس نفت صادر کنیم، خلیج فارس برای هیچ‌کس نباید آماده صدور نفت باشد. اگر یک کشتی از ما زده شود، کشتی‌های دیگری هم زده می‌شوند، حالا از هرکس می‌خواهد باشد.» (خاطرات هاشمی رفسنجانی؛ ۱۳۶۵)

در عملیات فاو، همچون عملیات بدر و خیبر نیروی دریایی مشارکت گسترده‌ای با اختصاص بخش وسیعی از تجهیزات و نیروی انسانی هوادریا به عملیات پشتیبانی از این عملیات به عمل آمد. تجربیات بدست‌آمده از مشارکت گسترده، طولانی مدت و موفق یگان‌های پروازی و هواناوهای هوادریای نداجا در عملیات‌های بدر و خیبر راه‌گشای عملیات پشتیبانی از عملیات والفجر ۸ به شمار می‌آمد. اما دلیل دوم که مهم‌تر بود، به مسدود شدن تنها راه و مسیر دریایی عراق به خلیج فارس برمی‌گشت. آزادسازی ۳۰ کیلومتر از خاک میهن اسلامی و حدود ۷۷۰ کیلومترمربع از خاک عراق، قطع ارتباط عراق با آب‌های آزاد در خلیج فارس، آزاد شدن شهر فاو، تصرف اسکله‌های فاو، استقرار نیروهای ایرانی در ۲۰ کیلومتری بندر ام‌القصر از نتایج مهم این عملیات بود، که بندر امام را نیز از دید و تهدید مستقیم موشک‌های عراقی مستقر در رأس‌البیشه در منتهی‌الیه شبه جزیره فاو دور نمود.

✓ مرحله چهارم و پایانی نبرد در دریا

مهم‌ترین تحولات این دوره که سال هفتم و هشتم جنگ را دربر می‌گیرد، علاوه بر شدت گرفتن جنگ نفتکش‌ها به رویارویی مستقیم نیروهای ایالات متحده و ایران در خلیج فارس بازمی‌گردد. تحولات این دوره در دریا و همچنین عقب‌نشینی نیروهای ایرانی از مناطق متصرفی عراق در مناطق عملیاتی جنوب و غرب، نهایتاً موجب پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و خاتمه جنگ می‌گردد.

نیروهای آمریکایی در سال ۱۳۶۶ و اوایل سال ۱۳۶۷ به منظور حمایت همه‌جانبه از عراق، حفظ منافع خود و کشورهای وابسته به خود، به بهانه اقدامات تلافی‌جویانه، حملات نظامی را به شرح ذیل علیه جمهوری اسلامی ایران به مرحله اجرا گذارد:

حمله به ناو لجستیک ایران اجر مورخه ۱۳/۶/۱۳۶۶

حمله به سکوهای نفتی سلمان و نصر مورخه ۲۹/۱/۱۳۶۷

حمله به ناوچه جوشن و ناوشکن‌های سهند و سبلان مورخه ۲۹/۱/۱۳۶۷

حمله به هواپیمای مسافربری ایرباس مورخه ۱۳/۴/۱۳۶۷

در این رابطه، تعدادی از ناوهای ایرانی (ایران اجر، سهند، جوشن و سبلان) در مقابل حملات غافلگیرانه ناوگان آمریکا آسیب دیده، یا غرق شدند.

در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷، تعداد شناورهای نظامی ناوگان پنجم آمریکا در خلیج فارس حدود ۲۰ فروند (از انواع مختلف: ناو هواپیمابر، زیردریایی، ناوشکن، ناو نیروبر، ناو پشتیبانی عملیات آبی‌خاکی ...) و همچنین، تعداد یگان‌های شناور سایر کشورهای عضو پیمان ناتو، حدود ۱۰ فروند بوده است.

از تحولات مهم در این مرحله می‌توان به مورد اصابت قرار گرفتن ناو آمریکایی استارک اشاره نمود، که به اشتباه یا از روی عمد در ساعت ۲۰۰۰ مورخه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۶ برابر با ۱۷ ماه مه ۱۹۸۷ مورد حمله یک فروند هواپیمای میراژ عراقی مجهز به موشک‌های اگزوست قرار گرفت. دو موشک

از طرف هواپیما به سمت ناو پرتاب می‌شود، که به بدنه ناو برخورد کرده و با انفجار ایجاد شده باعث مرگ ۳۷ ملوان و زخمی شدن ۲۱ نفر دیگر می‌شود. کشتی آتش گرفته و به دلیل آبگرفتگی به سمت چپ خم می‌شود، اما با اعزام چند یدک‌کش از بحرین، ناو استارک تحت کنترل درآمده، از غرق شدن آن جلوگیری و به بحرین یدک می‌شود.

از دیگر رویدادهای مهم این دوره می‌توان به اصابت ناو ساموئل بی رابرتز با یک مین اشاره نمود. پنتاگون نیز که چندی پیش ناو استارک را در حمله اشتباهی یک هواپیمای میراژ عراقی از دست داده بود، آمادگی برای مداخله جدی‌تر در صحنه خلیج فارس را داشت؛ لذا علیرغم مخالفت تعدادی از مقامات آمریکایی، ناوهای نیروی دریایی ایالات متحده در خلیج فارس اسکورت کشتی‌های تجاری کویت را بر عهده گرفتند. علیرغم این تمهیدات، نهایتاً یک فروند ناو آمریکایی به نام "ساموئل بی رابرتز" با یک مین دریایی رها شده در خلیج فارس برخورد کرده و نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا به تلافی این اقدام در عملیاتی با نام آخوندک، در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ دو سکوی نفتی ایران را در سیری و حوزه ساسان مورد حمله قرار داد. در این حملات، ناوشکن سهند و ناوچه جوشن غرق شده و ناوشکن سبلان نیز به شدت آسیب دید.

در واقع، رویارویی ایران و آمریکا در خلیج فارس کم‌کم داشت به امری معمولی و روزمره تبدیل می‌شد. محدودیت هرچه بیشتر در صادرات نفت و بازپس‌گیری مناطقی از خاک عراق، که به صورت زنجیره‌ای آغاز شده بود و با بیرون راندن نیروهای ایرانی از شبه جزیره فاو و پیشروی مجدد نیروهای زمینی عراقی در غرب و بویژه مناطق جنوب، که تا نزدیکی‌های اهواز تداوم یافت، سرانجام جنگ را با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی ایران خاتمه می‌دهد. اگرچه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ۲۷ تیرماه، ۱۳۶۷ یعنی حدود یک سال پس از تصویب آن توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز، ماشین جنگی عراق را متوقف نکرد و حملات آن همچنان تداوم یافت و

نهایتاً صدام حسین با تجهیز مجاهدین خلق برای حمله به خاک ایران نشان داد که همچنان با نیت خصمانه جنگ را دنبال می‌کند. اگرچه هیچ‌کدام از این تلاش‌ها به نتیجه دلخواه عراق نرسید، اما ارتش عراق همچنان به عملیات خود تا ۲۹ مرداد، یعنی تاریخ رسمی آتش‌بس بین دو کشور ادامه داد. با وجود این، جنگ در دریا در زمان پذیرش آتش‌بس از سوی ایران تقریباً خاتمه یافته تلقی گردید و رویداد مهمی در این دوران به وقوع نپیوست.

• خلاصه‌ای از عملیات‌های نداجا در جنگ تحمیلی

مأموریت نیروی دریایی، دفاع و پاسداری از حاکمیت ملی، حقوق و منافع جمهوری اسلامی ایران در آب‌های سرزمینی، جزایر و تأسیسات دریایی کشور در برابر هرگونه تجاوز خارجی و انهدام نیروهای متجاوز و نیز کنترل و تأمین خطوط مواصلات دریایی خودی، پاسداری و دفاع از حقوق و منافع کشور در آب‌های آزاد فلات قاره، مناطق انحصاری اقتصادی کشور در برابر هرگونه تجاوز نظامی خارجی و بازرسی کشتی‌ها و انهدام تأسیسات دریایی دشمن و نیروهای متجاوز بنا به دستور است.

بر اساس مأموریت یادشده، اقدامات زیر در طول هشت سال دفاع مقدس صورت گرفت:

- انهدام پایانه‌های نفتی البکر و الامیه در عملیات‌های اشکان، شهید صفری

و مروارید

- انهدام نیروی دریایی عراق و قطع دست دشمن از خلیج فارس در عملیات

مروارید

- محاصره دریایی دشمن و عدم اجازه تردد به هیچ شناوری به مقصد عراق و

یا از مبدأ عراق

- پدافند از جزایر و سکوهای نفتی خودی و خطوط مواصلاتی با اجراء

عملیات مداوم گشت و شناسایی و اجراء طرح‌های پدافندی

- تأمین امنیت شناورها به مقصد و از مبدأ کشور با اجراء عملیات اسکورت

کاروان

- عملیات مقابله به مثل و یا جنگ نفتکش‌ها

- شرکت و همکاری در عملیات‌های مشترک

- درگیری مستقیم با آمریکا

- عملیات اشکان در تاریخ ۵۹/۸/۱۰ و عملیات شهید صفری در تاریخ

۵۹/۸/۱۶ و تنها یک ماه و نیم پس از جنگ تحمیلی با پشتیبانی نیروی هوایی در شمال خلیج فارس به منظور انهدام پایانه‌های نفتی رژیم بعث عراق صورت گرفت و نتیجه آن از بین رفتن تمامی تجهیزات و تأسیسات موجود در این ترمینال‌ها و عملاً عدم امکان بهره‌گیری عراق از آن در جهت صادرات نفت گردید.

در عملیات اشکان، تنها از توپخانه ناوچه‌ها در قالب بمباردمان ساحلی بهره‌گیری شد، که عملاً تأثیر چندانی در انهدام ترمینال‌ها نداشت و لذا عملیات بعدی (شهید صفری) طراحی و یک هفته بعد از عملیات اشکان به اجرا گذارده شد.

در عملیات شهید صفری، که تکاوران دریایی هم شرکت داشتند، اماکن مهم ترمینال‌ها با مواد منفجره نابود گردید و از آن به بعد، دشمن قادر به صادرات نفت از طریق دریا نگردید. این اقدام نداجا در شرایطی صورت گرفت که دنیا بر این باور نبود که نیروی دریایی قادر به چنین حرکتی باشد.

به همین دلیل بود که صدام تصمیم به بازسازی ترمینال‌ها گرفت، تا حداقل بتواند با تجهیز آنجا به سلاح‌های دوربرد قادر به ناامن نمودن خورموسی (مبدأ وصولی به بندر امام) گردد.

- عملیات مروارید در راستای انهدام اقدامات صورت‌گرفته دشمن در

ترمینال‌ها و برقراری امنیت در منطقه شمال خلیج فارس در ۷ آذر ۵۹ با همکاری جانانه نیروی هوایی صورت گرفت و صدام که تحمل شکست مجدد را نداشت، این بار با تمامی توان وارد عمل گردید و با دستور به ناوگان دریایی و نیروی هوایی، جنگی تمام عیار را پایه‌ریزی نمود، که البته به یاری خداوند متعال و جانبازی دل‌آوردان دریایی و هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، هرآنچه که

صدام پای کار آورده بود، در محل نابود و برگ زرین دیگری به افتخارات این مرز و بوم افزوده گردید.

البته فرمانده دلاور و تعدادی از کارکنان از جان گذشته، در این عملیات به دیار معبود شتافته و با اهداء خون سرخ خود ارزش‌های انقلاب اسلامی را پاسداری نمودند.

با اجراء این عملیات، محاصره کامل دریایی عراق پایه‌ریزی گردید و تا پایان جنگ نه تنها هیچ شناوری جرئت خروج از بنادر عراق را نداشت، بلکه هیچ شناوری هم قادر به تردد به معبر وصولی عراق نبود.

- اسکورت کشتی‌های تجاری به بنادر بوشهر و امام خمینی (ره) به منظور باز نگه داشتن خطوط مواصلات دریایی و تأمین نیازمندی‌های مردم و بیشترین بهره‌برداری از بنادر کشور، بویژه بنداری مانند بندر امام (ره) که دارای تسهیلات بندری مناسب برای تخلیه و خط راه‌آهن بود، از عمده هدف‌های نیروی دریایی در زمان جنگ به شمار می‌رفت، که اجرا گردید.

دشمن در روزهای آغازین جنگ با بکارگیری موشک‌های استیکس ناوچه‌های اوزا، کشتی‌های تجاری و نفتکش ج.ا.ا را مورد هدف قرار می‌داد، اما عملیات غرورآفرین مروارید در ۷ آذر ۵۹ موجب از بین رفتن بخش اعظم نیروی دریایی عراق و کسب سیادت دریایی ج.ا.ا شد

پس از آن، اقدام شاخصی از سوی شناورهای جنگی عراق در طول هشت سال دفاع مقدس علیه کشتی‌های تجاری و نفتکش در خلیج فارس دیده نشد، بجز استفاده از انواع هواپیماهای مدرن که از کشورهای مختلف شرقی و غربی، حتی به گونه اجاره‌ای دریافت نموده بود (هواپیمای سوپراتاندارد فرانسوی)، و پرتاب موشک‌های ساحل به دریای کرم ابریشم (مستقر در رأس البیشه) و نیز استفاده از بالگردهای سوپرفرلون که در این راستا، با اجراء فریب‌های تاکتیکی توسط نیروهای خودی و آتش توپخانه نیروی زمینی و استفاده از هدف‌های کاذب مستقر در نقاط انتخاب شده، هزینه کلانی به دشمن تحمیل و عملاً بسیاری از موشک‌های پرتاب شده جذب هدف‌های کاذب گردیدند.

مأموریت اسکورت کاروان از روزهای آغازین جنگ تحمیلی شروع و تا پایان جنگ ادامه داشت، به نوعی که هماهنگی کلیه یگان‌های شناور، پروازی و تفنگدار نداجا و نیروهای زمینی و هوایی را در بر گرفت.

اهمیت اقتصادی مقابله با تدابیر دشمن در قطع خطوط مواصلاتی در ابعاد مختلف، بویژه اداره جنگ، تأمین نیازمندی‌های عمومی و حفظ امنیت ملی کشور مهم و بارز بود، به طوری که دشمن تمام سعی و تلاش خود را در راستای مقابله با آن صرف می‌کرد.

در دوران جنگ تحمیلی، در مجموع ۱۰۰۰۰ فروند کشتی تجارتی و نفتکش توسط ناوگان نداجا اسکورت و همراهی گردیدند.

- جنگ نفتکش‌ها که از سال ۶۳ الی پایان جنگ ادامه داشت، یک رویداد تعیین‌کننده در تاریخ نیروی دریایی ایران بود، که بازتابی از استراتژی دریایی ایران، یعنی همان استراتژی ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس، تلقی گردید. عنصر اصلی استراتژی عراق، حمله به مناطق استراتژیک ایران و فلج کردن اقتصاد این کشور بود. به همین منظور، به تأسیسات نفتی حیاتی ایران در جزیره خارک حمله کرد که ۸۵٪ از صادرات نفتی ایران از طریق نفتکش‌ها از این بندر انجام می‌شد.

در جنگ نفتکش‌ها، در سه سال اول جنگ فقط به ۴۸ کشتی بازرگانی حمله شده بود، در حالی که در سال ۱۳۶۳، این تعداد به ۷۱ کشتی رسید. در سال ۱۳۶۵، در مجموع ۱۱۱ هدف مورد حمله قرار گرفت (توسط هر دو کشور) و همچنین، تلفات انسانی ناشی از این حمله‌ها در سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۶۵ به ۱۷۸ نفر رسید. در سال ۱۳۶۶، این آمار به ۱۷۹ هدف افزایش یافت، که از این تعداد، ۸۸ هدف را عراق و ۹۱ هدف را ایران مورد حمله قرار داد. حملات ایران طبق طرح‌ها و دستورات رزمی ابلاغی توسط شناورها و بالگردهای نداجا و هواپیماهای نه‌جا صورت می‌گرفت.

✓ عملیات مشترک

عملیات دفاع ۳۴ روزه از خرمشهر

در روزهای آغازین تجاوز زمینی و هوایی رژیم بعثی، تنها مدافعین شهر خرمشهر متشکل از گروه‌هایی از تکاوران پایگاه دریایی خرمشهر، رزمندگان بسیجی و مردمی بودند که در مقابل حمله سازمان‌یافته صدامیان، با جانبازی و رشادت فراوان و با انجام عملیات‌های پارتیزانی و ضدحمله‌های کماندویی در پل نو، نخلستان‌های غرب و گمرک خرمشهر از ورود متجاوزین به شهر جلوگیری می‌نمودند. همزمان با تجاوز دشمن، گردان یکم تکاوران و همافران دریایی اعزامی از بوشهر نیز در بامداد مورخه ۱۳۵۹/۷/۶ جهت کمک به تکاوران خرمشهر در پایگاه دریایی خرمشهر مستقر گردیدند. این گردان با کمک سایر نیروهای مستقر در خرمشهر پس از شناسائی محورهای پیشروی دشمن، با اجرای چندین عملیات ایذائی، پدافندی، تأخیری و کمین توانست نقش مؤثری را در کند کردن پیشروی ارتش عراق ایفا نمایند. در اثر تشدید حملات و حجم آتش سنگین توپخانه عراقی، خرمشهر محاصره شد، ولیکن تکاوران دریایی به اتفاق دانشجویان دانشکده افسری نذاجا، گردان ۱۵۱ دژ لشکر ۹۲، و سایر یگان‌های موجود از نذاجا شامل توپخانه و هوانیروز و نیز پشتیبانی هوایی و پدافند هوایی نهاجا و نیروهای مردمی و بسیجی و نیروهای محلی سپاه پاسداران با تجهیزات سبک و نامناسب خود توانستند تا آخرین نفس با حماسه‌آفرینی به مدت ۳۴ روز در مقابل دشمن مقاومت نمایند. زمانی که شهر و پل کارون به دست عراقی‌ها افتاد، تکاوران موفق شدند تعداد ۲۰۰ نفر از رزمندگان جان برکف بسیجی و مردمی را با قایق از اسارت دشمن رهایی دهند. عملیات‌های غرورآفرین و شهادت‌طلبانه رزمندگان ایرانی، دشمن را در تحقق طرح اشغال سه روزه خرمشهر ناکام گذاشتند (مصاحبه با ناخدا صمدی، فرمانده گردان تفنگداران اعزامی).

عملیات ثامن الائمه (شکست حصر آبادان)

دشمن بعثی وقتی خرمشهر را اشغال نمود، با قصد تصرف آبادان، از رود کارون و منطقه حفار شرقی عبور کرده و با قطع جاده آبادان - ماهشهر، تا ایستگاه ۷ پیشروی کرد و وارد نخلستان سواحل رودخانه بهمنشیر گردید. در این زمان، شهر در محاصره نیروهای عراقی قرار گرفت و کلیه خطوط مواصلاتی زمینی به جزیره آبادان قطع و تنها راه دسترسی به شهر از طریق دریا، رودخانه و خورها ممکن بود.

در این شرایط، نداجا با اعزام انواع بالگرد (SH, RH, AB)، هواناو (SRN6, BH7) و لنچ به بندر امام خمینی و ماهشهر، عملیات پشتیبانی از رزمندگان اسلام، کمک‌رسانی و تخلیه ساکنین منطقه آبادان را آغاز نمود. یگان‌های پروازی از مسیر هوایی بندر ماهشهر - چوئیده، هواناوها و لنچ‌ها از مسیر بندر امام خمینی (ره) - کانال خورموسی - شمال خلیج فارس - رودخانه بهمنشیر - چوئیده توانستند عملیات پشتیبانی، کمک‌رسانی و تخلیه ساکنین را به طور مستمر و شبانه‌روزی زیر آتش سنگین توپخانه هوایی، زمینی و حمله هواپیماهای دشمن با موفقیت اجرا نمایند. انجام این عملیات‌ها قبل از عملیات ثامن الائمه موجب گردید:

- حجم عظیمی از نیروهای رزمنده تازه‌نفس (بویژه لشکر ۷۷ ثامن الائمه خراسان)، مهمات، جنگ‌افزار، دارو، مواد غذایی و سایر محموله‌های نظامی به بندر چوئیده و همچنین شهدا، مجروحین و ساکنین شهرستان آبادان به بندر امام خمینی (ره) و ماهشهر ترابری گردند.

- لشکر ۷۷ ثامن الائمه خراسان به عنوان فرمانده ارنودرد در منطقه مستقر شد و توانست با احداث جاده وحدت، پشتیبانی از رزمندگان را تسریع و تداوم بخشد.

- توان رزمی رزمندگان اسلام تقویت گردیده و توانستند با اجرای چندین عملیات آفندی (توکل، فرمانده کل قوا و تک جاده ماهشهر - آبادان) پیشروی دشمن را متوقف نموده و آبادان را از سقوط حتمی نجات دهند.

عملیات خیبر

عملیات خیبر اولین عملیات آبی - خاکی نیروهای مسلح ایران بود که از مورخه ۱۳۶۲/۱۲/۳ الی ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۲ با رمز یا رسول‌الله(ص) در منطقه هورالهویزه، هورالعظیم و جزایر مجنون، با هدف تصرف جزایر مجنون شمالی و جنوبی و تهدید بصره انجام گرفت. نداجا جهت پشتیبانی از رزمندگان سپاه اسلام (ترابری نفرات، مهمات، سلاح، تجهیزات، شهدا، مجروحین و...) در این عملیات، از یگان‌های پروازی (هواناو و بالگرد) خود به صورت گسترده از شروع عملیات تا مورخه ۱۳۶۳/۳/۶ (پایان احداث پل و جاده خیبر) به طور مستمر و شبانه‌روزی استفاده نمود.

این عملیات به واسطه وضعیت خاص جغرافیایی منطقه عملیات یکی از عملیات‌های بسیار حساس و پیچیده برای بالگردها و بویژه هواناوها محسوب می‌شد. بالگردها و هواناوها با پرواز شبانه در منطقه باتلاقی و نیزارهای انبوه و مرتفع، زیر آتش سنگین توپخانه، بمباران شیمیایی و حملات مستقیم هواپیماهای دشمن، توانستند با موفقیت اجرای مأموریت نموده و متعاقب آن کارکنان هواناوها در کمک به جهادگران ایثارگر بسیجی در امر احداث پل خیبر، لوله‌کشی به جزایر مجنون و ساخت جاده خیبر، شرکت فعال داشتند. یکی از ویژگی‌های این عملیات، حمل هواناوها از بندر امام خمینی(ره) به منطقه عملیات، توسط تریلی و کفی از طریق جاده زمینی بود.

در طول این عملیات بالگردها با ۲۰۹ ساعت و هواناوها با ۳۵۷ سورتی در ۱۰۰۰ ساعت پرواز، توانستند بیش از ۲۰۰۰ تن مهمات و سلاح، ۲۵۱ دستگاه خودرو، ۲۷۰۰۰ نفر نیروی رزمنده و ۲۳۰۰ نفر شهید و مجروح را ترابری نمایند.

عملیات بدر

عملیات بدر از مورخه ۱۳۶۳/۱۲/۲۰ الی ۱۳۶۳/۱۲/۲۶ در منطقه هورالهویزه و با رمز یا فاطمة الزهرا(س) با هدف تداوم عملیات خیبر، قطع محور حیاتی العماره - بصره و تهدید بصره انجام گرفت، که به دلیل کارایی

بسیار بالای هواناوها در مناطق باتلاقی و نیزاری، نداجا همانند عملیات خیر این یگان‌ها را به منظور پشتیبانی از رزمندگان اسلام از شروع عملیات تا مورخه ۱۳۶۴/۲/۲ به منطقه عملیات اعزام نمود. عراق بر اساس احتمالات پیش‌بینی شده و به منظور جلوگیری از حمله مجدد ایران به این منطقه، موانع ایدائی بیشماری، از جمله شبکه‌های پیچیده سیم خاردار، نصب بشکه‌های خطرناک فوگاز، مین‌گذاری در دهانه نهرها، مواضع و استحکامات تانک، یگان‌های زرهی، موانع ضدحرکت هواناو و... ایجاد نموده بود. شرایط منطقه عملیات، وجود موانع زیاد و انجام عملیات در شب، موجب می‌گردید که به دفعات هواناوها مجبور به توقف در پشت خاکریزهای دشمن، اقدام به تخلیه و بارگیری نمایند. در این عملیات، کارکنان ایثارگر هواناوها با انجام ۱۶۰ سورتی و ۴۰۰ ساعت پرواز شبانه، توانستند نیروهای خودی را پشتیبانی و ۲۱۶۵ نفر رزمنده، ۲۴۰ نفر اسیر جنگی، ۲۱۷ قبضه سلاح سنگین، ۱۳۰ تن مهمات و ۲۰ دستگاه ماشین آلات سنگین مهندسی (لودر، بیل مکانیکی و...) را ترابری نمایند.

عملیات والفجر ۸ (تصرف فاو)

نظر به اینکه شبه جزیره فاو (تنها راه ارتباطی عراق به شمال خلیج فارس و دریا) از موقعیت سیاسی - اقتصادی بالایی برخوردار می‌باشد، تصرف این منطقه از اهمیت خاصی برخوردار بود و بدین سبب، عملیات والفجر ۸ با هدف تصرف فاو و تهدید بصره از جنوب طرح‌ریزی و با رمز "یا فاطمة الزهرا(س)" از مورخه ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ الی ۱۳۶۵/۲/۹ انجام گردید.

نیروی دریایی ارتش با اعزام شناور، بالگرد و هواناو به منطقه عملیات (اروند رود - خور عبدالله - فاو)، پشتیبانی از نیروهای رزمنده را همزمان و بلافاصله پس از شروع عملیات اصلی و با نیروهای خط‌شکن عملیات آغاز نمودند.

عبور از رودخانه اروند که محل اصلی مأموریت هواناوها بود، با توجه به وجود جریان شدید آب، انواع موانع طبیعی و مصنوعی (شاخک‌های فلزی،

موانع ضد هواناو، خورشیدی و... و انواع مین، یکی از خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین عملیات آب‌خاکی در نوع خود به شمار می‌رفت، که با موفقیت انجام شد و پشتیبانی کامل از رزمندگان انجام پذیرفت.

✓ درگیری مستقیم با آمریکا

عملیات آخوندک (Operation Praying Mantis)، نامی که آمریکایی‌ها روی عملیات خود گذاشته بودند، همان حمله نیروی دریایی آمریکا به دو سکوی نفتی ایران در اواخر جنگ ایران و عراق بود، که از نظر آنها به تلافی برخورد ناوشکن آمریکایی ساموئل بی. رابرتز (USS Samuel B. Roberts) به یک مین دریایی انجام گرفت.

در ۲۹ فروردین ۶۷، نیروهای آمریکایی با سه ناوگروه سطحی و ناو هوایمابر انترپرایز (USS Enterprise) جنگی را آغاز کردند؛ در حالی که هیچ‌گونه نشانه و یا اختطاری از قبل اعلام نکرده بودند. عملیات با هماهنگی دو گروه سطحی آغاز شد: یک گروه به همراه دو ناوشکن و یک واحد تدارکاتی آبی خاکی به سکوی نفتی ساسان حمله کردند، گروه دیگر که شامل یک ناوشکن موشک‌انداز و دو فریگیت بودند، به سکوی نفتی سیری حمله کردند. تفنگداران نیروی دریایی از شاخه واکنش سریع نیز به سکوی نفتی ساسان حمله کرده و به جمع‌آوری مدارک و کارگزاری مواد منفجره جهت از کار انداختن آن پرداختند.

قایق‌های تندروی سپاه از جزیره ابوموسی به سکوی نفتی مبارک در نزدیکی جزیره حمله نموده و چند هدف شامل شناور تدارکاتی و یک شناور با پرچم پاناما مستقر در سکو را مورد هدف قرار داده و بعد از این حمله هوایمابه‌های A-6E با راهنمایی ناوشکن‌های آمریکایی به سمت قایق‌های تندرو هدایت شده و با رها کردن بمب‌های راکتی کلاستر (Rockeye Cluster) باعث غرق شدن یکی و آسیب دیدن دیگر شناورها شدند، که پس از خسارت دیدن قایق‌ها به جزیره ابوموسی پناه بردند.

ناوچه جوشن که مأموریت داشت در پایان اسکورت نفتکش در حوالی جزیره کیش به سمت سکوهایی نفتی ساسان عزیمت و وضعیت را بررسی نماید، با ناوگروه آمریکایی روبه‌رو شد و در پی تهدید دشمن، اقدام به پرتاب موشک هارپون به سوی وین رایت (USS Wainwright) نمود. ناوگان استکباری با پرتاب چهار موشک استاندارد از سوی سیمپسون (USS Simpson) پاسخ داده و در همین حین، وین رایت هم با پرتاب دو موشک استاندارد این حمله را ادامه می‌دهد. با این حملات، سازه اصلی ناوچه آسیب دید، ولی باعث غرق آن نمی‌گردد. بیگلی (USS Bagley) هم یک فروند از هارپون‌های خود را به سمت آن شلیک نمود که البته به هدف نخورد؛ لذا سه کشتی با نزدیک شدن به جوشن اقدام به غرق کردن آن با استفاده از آتشبار توپخانه می‌نمایند.

از طرفی، ناوشکن سهند که از بندرعباس عازم مأموریت غرب تنگه هرمز گردیده بود، در حوالی جزیره هنگام توسط هواپیماهای اینترودر (Intruder A-6es) که مشغول گشتزنی مراقبتی برای جوزف استراس (Uss joseph struss) بودند ردیابی شد.

ناوشکن که حمله هواپیماها را مشاهده نمود، با توپخانه ضدهوایی درگیر شد. هواپیماهای مهاجم استکباری با دو موشک هارپون و چهار بمب هدایت‌شونده لیزری اسکیر (Laser-guided skipper bombs) و ناوشکن جوزف استراس هم یک موشک هارپون به سمت ناوشکن پرتاب نمودند.

تمام سلاح‌های شلیک شده به ناوشکن برخورد و شعله‌های آتش از روی عرشه سهند به آسمان سرکشید و به تدریج به انبار مهمات کشتی رسید، که باعث انفجار و غرق آن شد.

ناوشکن سبلان قبل از درگیری با ناوگان استکبار جهانی به مدت ۹ روز در دریا بود. به عبارت دیگر، ناوشکن سبلان از تاریخ ۲۰ فروردین سال ۶۷ در مأموریت بود و در تمام این ۹ روز دست‌کم یک فروند ناوشکن یا رزم‌ناو

آمریکایی سایه به سایه ناوشکن حرکت می‌نمود، بی‌آنکه اقدام خصمانه‌ای از خود نشان دهند.

با دریافت ابلاغیه تمديد مأموریت، سوخت و آب و آذوقه دریافت و ناوشکن عازم دریا گردید. هنوز از جزیره لارک نگذشته بود، که با اولین گروه هواپیماهای متجاوز دشمن در بالای جزیره لارک روبه‌رو شده و در نتیجه، اقدام به تیراندازی کرد.

از آن زمان، درگیری رودررو با هواپیماهای آمریکایی آغاز شد. هواپیماهای دشمن که منطقه را محاصره کرده بودند و برتری کامل داشتند در ارتفاع بالاتر از بُرد توپخانه و موشک ضدهوایی دوش‌پرتاب یگان پرواز می‌کردند و از همانجا موشک و راکت شلیک می‌نمودند.

با پرتاب بمب لیزری، ناوشکن از قسمت زیرین شکاف عمیقی برداشت و بیش از یک‌سوم پرسنل آن مجروح و با یدک‌کش به ساحل منتقل گردیدند.

ناوشکن سبلان گرچه آسیب سنگینی را متحمل شده بود، لیکن با غرور و مردانگی مردان خود به بندر هدایت و در بستر حوض خشک آرמיד و آماده بازسازی شد و دو سال بعد با دستان مبارک رهبر فرزانه انقلاب و فرماندهی معظم کل قوا بار دیگر عملیاتی گردید و پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران را در اقصی نقاط عالم به اهتزاز درآورد.

بخش سوم: بخشی از طرح‌های عملیاتی جاری در دوران جنگ تحمیلی

تهدیدهای سیاسی نظامی عراق با حمایت سردمداران کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس خصوصاً رئیس دولت امارات متحده عربی در مورد بازپس‌گیری جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک و همچنین، حمایت کشورهای فرامنطقه‌ای، موجب گردید که نیروی دریایی با بهره‌گیری از یگان‌های شناور منطقه یکم دریایی و تقویت آنان با یگان‌های شناور و ناوچه‌های موشک‌انداز و بالگردهای هوادریا و یک گروهان از تکاوران دریایی منطقه دوم دریایی، منطقه را تحت پوشش حفاظت و مراقبت قرار دهد.

با تشکیل قرارگاه نیروی رزمی ۴۲۱ در منطقه دوم دریایی بوشهر گشت‌های مراقبتی برای حفظ، کنترل دریایی و هدایت عملیات‌ها در راستای مأموریت‌های محوله از سوی این قرارگاه برنامه‌ریزی و به اجرا گذاشته شد.

در همین راستا، به منظور حفظ و حراست از منافع و منابع ملی و انهدام نیروی دشمن، فرماندهی نیروی رزمی، با بکارگیری یگان‌های شناور رزمی به صورت تک فروندی و یا بنا به نیاز به صورت گروهی و همراه با پشتیبانی سطحی و هوایی اقدام به تدوین دستورات رزمی در قالب‌های زیر نمود:

- گشت و مراقبت و انهدام نیروی دشمن در سراسر خلیج فارس، به اختصار "بهرروز"

- گشت و مراقبت و انهدام نیروی دشمن، به اختصار "پیکان"

- گشت و مراقبت و تأمین امنیت یگان‌های ترددکننده، به اختصار "اژدر"

- گشت و مراقبت ناوشکن‌های خودی و انهدام نیروهای دشمن، به

اختصار "مرجان"

- گشت و مراقبت و انهدام هواپیمای دشمن در حوالی خارک، به

اختصار "لک لک"

- گشت و مراقبت یگان‌های شناور در غرب جزیره خارک به منظور حفاظت از جزیره، به اختصار "شهاب"

پیرو دستورات رزمی فوق، یگان‌های سطحی و هوایی نداجا به مأموریت اعزام و ضمن حضور در مناطق مختلف عملیاتی طبق مفاد دستورات یادشده که به طور کلی در راستای کشف و شناسائی و انهدام دشمن، حفاظت از شناورهای تجاری خودی، برقراری امنیت تردد شناورهای دوست و بی‌طرف، پدافند از جزایر و سکوها، پشتیبانی از جزایر و سکوها و نیز پشتیبانی از جزایر آبادان و خرمشهر از طریق دریا بود، اقدام می‌نمودند.

بخشی از مأموریت‌ها و مسئولیت‌های دستورات رزمی یادشده به منظور آگاهی کلی از محتوای آنها به شرح زیر ارائه می‌گردد:

• دستور رزمی بهروز

✓ مأموریت

- یگان‌های شرکت کننده در این دستور رزمی مأموریت دارند با به کار بردن امکانات خود در مناطق تعیین شده گشت زده و در صورت مشاهده یگان‌های هوایی و سطحی دشمن (جنگی)، ضمن گزارش آنها را منهدم نماید.

- کلیه اطلاعات کسب شده از پست‌های دیدبانی را به کار برده و تحرک یگان‌های دشمن را به فرمانده نیروی رزمی گزارش و آنها را درگیر نمایند.

- کلیه کشتی‌های تجاری به سمت عراق را توقیف و در صورت مقاومت منهدم و اگر کشتی‌ها از خطوط کشتیرانی عراق باشند، آنها را منهدم نمایند.

✓ وظائف و مسئولیت‌ها

- با به کار گرفتن اطلاعات دریافتی از فرماندهی نیروی رزمی ۴۲۱ و اطلاعات حاصله از گشت بالگرد، با استفاده از سلاح‌های موجود نسبت به

انهدام یگان‌های سطحی دشمن اقدام و در صورت مشاهده هوایم‌ای مهاجم آنها را درگیر نمایند.

- هنگام گشت بالگرد و تا زمانی که وجود دشمن تأیید نشده است، در کنار یکی از سکوها پهلو گرفته و به صورت آماده بوده و آمادگی تحرک فوری داشته باشد.

- اطلاعات دریافتی از سکوها را تجزیه و تحلیل نموده و نتیجه را به فرمانده نیروی رزمی گزارش نماید.

- در صورت کسب اطلاع از وجود ناوچه‌های اوزا، مراتب را به بالگرد SH3D ارسال، تا با استفاده از رادار این بالگرد که تحت پوشش رادار ناوچه خودی و یا رادار کنترل آتش آن خواهد بود، نقطه هدف مشخص و توسط موشک درگیر شود.

- در صورتی که نیاز به پشتیبانی هوایی احساس شود، مراتب با اعلام کد مربوطه و موقعیت ناو طبق روش ذکر شده گزارش شود.

- ناوچه دفاع ضدهوایی نزدیک سکوهایی بالگرد را در مواقع انتظار انجام می‌دهد.

• دستور رزمی پیکان

✓ مأموریت

نیروی رزمی ۴۲۱ مأموریت دارد با استفاده از یگان‌های تحت امر و تحت کنترل عملیاتی ضمن حفاظت از سکوهایی نفتی خودی، خطوط مواصلاتی دشمن را قطع و یگان‌های دشمن را در صورت کشف درگیر و منهدم نماید.

✓ وظایف و مسئولیت‌ها

- با استقرار در یکی از حوزه‌های نفتی خودی (حوزه نفتی مورد نظر توسط نیروی رزمی تعیین و ابلاغ می‌گردد) حفاظت نزدیک حوزه نفتی مورد

نظر را تأمین و یگان‌های شناور و هواپیماهای دشمن را در صورتی که در برد سلاح‌های ناوچه قرار گیرند درگیر و منهدم می‌نماید.

- با استفاده از اطلاعات دریافتی از رادارهای مستقر در بهمنشیر و سکوی اردشیر و سکوی نوروز، ضمن تأمین پوشش راداری منطقه، تحرک دشمن را تحت نظر می‌گیرد.

- با انجام گشت روزانه بالگرد از گسترش یگان‌های شناور دشمن که در اختفای راداری هستند، مطلع و تحرک و تغییرات در روی سکوهای البکر و الامیه را دقیقاً زیر نظر می‌گیرد.

- قبل از رسیدن به محل استقرار با استفاده از دستگاه رادار و ESM منطقه را زیر کاوش دقیق الکترونیکی قرار داده و پارامترهای مشکوک را ضمن تجزیه و تحلیل به نیروی رزمی گزارش نماید.

- با بهره‌برداری از اطلاعات دریافتی از بالگرد گشت در هنگام اعزام به منطقه تعیین‌شده، موقعیت هدف‌های گزارش شده را پلات نموده و در صورت امن بودن در منطقه مستقر گردد.

- در تمام مدت مأموریت بر روی مدارهای تعیین شده با نیروی رزمی و سکوی نوروز و ایستگاه بهمنشیر تماس داشته و مبادله اطلاعات بنماید.

- پس از استقرار در منطقه مورد نظر در هنگام کاوش راداری، دقت بیشتری در سمت سکوهای البکر و الامیه و بویه ارون‌رود مبذول گردد.

- در هنگامی که رادار ناوچه خاموش می‌باشد (به علت پارازیت از رادار سکو و یا هر دلیل دیگر) هرچند دقیقه یک بار رادار روشن و حداکثر به مدت ۱۵ ثانیه فعال شود. اکوهای دریافتی با اطلاعات گرفته شده از رادارهای سکوهای نوروز و اردشیر مقایسه شود.

- در صورت اعزام بیش از یک فروند ناوچه جهت اجرای این دستور رزمی، فرماندهی در دریا به عهده ناوچه ارشدتر می‌باشد.

- به علت ایجاد پارازیت توسط رادار سکو برای رادار ناوچه و بالعکس هماهنگی جهت خاموش نمودن هریک از دو رادار می‌بایست از طریق و به دستور نیروی رزمی انجام گردد.

- وضعیت جوی حداقل هر ۴ ساعت یک بار گزارش شود.

- در صورت خرابی بیش از حد دریا ضمن گزارش وضعیت، پیشنهادات خود را اعلام نماید.

- کلیه هدف‌های موجود در منطقه را ضمن ردگیری دقیق به نیروی رزمی گزارش نماید.

- ردگیری هدف‌های سطحی با موشک هارپون فقط با اجازه نیروی رزمی انجام گردد (در صورتی که به عللی تماس از هیچ طریق ممکن نباشد و در صورتی که موجودیت ناوچه مورد تهدید باشد، به تشخیص فرمانده ناوچه عمل شود. مطالعه مجدد قوانین ردگیری پیوست چ دستور رزمی ذوالفقار ۳ توصیه می‌شود).

- از وجود بالگرد گشت جهت شناسائی هدف‌های مشکوک ضمن هماهنگی با نیروی رزمی استفاده شود.

- از قفل نمودن سیستم کنترل آتش بر روی هواپیماهای خودی شدیداً پرهیز شود.

- اطلاعات دریافتی از طریق E.S.M نیز مانند سایر اطلاعات سریعاً به نیروی رزمی گزارش شود (از مجموع اطلاعات دریافتی از ناوچه و سایت ایستگاه امیدیه و ایستگاه غدیر خم موقعیت هدف‌های موجود دقیقاً تعیین می‌گردد).

- خروج از کمینگاه بنا به دستور نیروی رزمی می‌باشد.

- در صورت نیاز به پشتیبانی هوایی مراتب به نیروی رزمی اطلاع داده شود.

- در صورت کشف هدف سطحی و نیاز به هواپیمای اف ۴ مجهز به موشک ماوریک، مراتب به نیروی رزمی گزارش شود.

- بالگرد گشت در صورت امکان، ردگیری شده و آمادگی تجسس و نجات خدمه بالگرد را داشته باشد.

• دستور رزمی اژدر

✓ مأموریت

یگان‌های رزمی این دستور رزمی مأموریت دارند با تأمین پوشش سطحی و هوایی منطقه مورد تهدید، امنیت تردد کشتی‌های تجارتی را بین بوشهر و بندر امام برقرار نمایند.

✓ وظایف و مسئولیت‌ها

- یک کاروان متشکل از چند کشتی تجارتی یا نفتکش از بوشهر (و یک کاروان از بندر امام) طوری حرکت خواهند نمود که اولین کشتی اعزامی از کاروان اعزامی از بوشهر به مقصد بندر امام و اولین کشتی اعزامی از کاروان اعزامی از بندر امام به بوشهر در ساعت «س» روز «ر» به منطقه مورد تهدید وارد شوند.

- قبل از ورود کاروان‌ها به منطقه مورد تهدید و تا خروج کشتی‌ها از این منطقه با گشت متناوب دو فروند بالگرد SH3D و استقرار ناوچه کلاس کمان در منطقه سکوی نوروز و پوشش هوایی مناسب سعی خواهد شد امنیت عبور کشتی‌ها تأمین گردد.

- عبور کشتی‌ها از منطقه مورد تهدید در مدت روز خواهد بود.

- در روز «۱-ر» در منطقه سکوهایی نوروز مستقر شوید.

- در تمام مدت، آمادگی درگیر کردن یگان‌های سطحی و هوایی دشمن را داشته باشید.

- فرمانده / فرماندهان یگان‌های اعزامی به دریا که قبل از عزیمت با مراجعه به پست فرماندهی نیروی رزمی ۴۲۱ هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهند، درمورد تردد کشتی‌های تجارتی نیز توجیه شوند.

- از اطلاعات و گزارشات راداری و بصری سکوها، بخصوص سکوی نوروز استفاده لازم به عمل آید.

بخش سوم: بخشی از طرح‌های عملیاتی جاری در... / ۷۱

- در صورت قطع تماس ۴۲۱ با یگان‌های تحت امر، آمادگی کنترل هلیکوپترهای گشت را داشته باشید.

- روی کانال ۱۳ VHF فقط به گوش باشید و پیام‌های اضطراری کشتی‌های تجارتي (کاروان) را دریافت و در صورت ضرورت، به نیروی رزمی ۴۲۱ مخابره نمائید.

- پوشش سطحی و هوایی منطقه را تأمین و در صورت کشف یگان دشمن آن را منهدم نمائید.

- در شرایط جوئی نامناسب (قدرت دریا از ۴ به بالا) به لنگرگاه خارک (با کسب دستور) حرکت و در پناه جزیره خارک قرار گیرید (با توجه کامل و با به گوش بودن مداوم روی مدارهای مخابراتی در جریان کامل عملیات قرار گرفته و با در اختیار داشتن تصویر کاملی از صحنه عملیات جهت اعزام به منطقه عملیات آمادگی داشته باشید).

• دستور رزمی مرجان

✓ مأموریت

ناوشکن اعزامی از گروه رزمی ۱-۶-۴۲۱ مأموریت دارد ضمن انجام عملیات گشتزنی در منطقه تعیین شده، از منابع فلات قاره پدافند و با اجرای عملیات نسبت به کشف و انهدام نیروهای دشمن و قطع خطوط مواصلاتی آن در منطقه اقدام نماید.

✓ وظایف و مسئولیت‌ها

- پس از استقرار در منطقه گشت (بین سکوهای اردشیر و سیروس) اطمینان حاصل نماید که کلیه تردد یگان‌های شناور در برد راداری و نیز دستگاه ESM زیر نظر گرفته شده و ردیابی شوند.

- در صورتی که هدفی در داخل منطقه ممنوعه در حرکت باشد با ردنگاری دقیق، ضمن گزارش مراتب به پست فرماندهی نیروی رزمی ۴۲۱ با کانال VHF گزارش شود.

- در صورت عدم تماس مخابراتی با کشتی و یا شناور ترددکننده در منطقه ممنوعه و یا عدم توجه آن به دستورات داده شده، به مجرد رسیدن به برد سلاح یا کمترین فاصله عبور (C.P.A) پس از کسب تکلیف از نیروی رزمی ۴۲۱ یک رگبار در جلو آن در آب شلیک نمائید.

- با تماس با کشتی مذکور به آن دستور داده شود تا به سوی لنگرگاه بوشهر از طریق ۱۲ مایلی جنوب جزیره خارک حرکت نماید.

- در صورت عدم اجرای دستور پس از کسب تکلیف از نیروی رزمی ۴۲۱ کشتی را منهدم نمائید.

- در صورت اجرای دستورات توسط کشتی، آن را زیر پوشش راداری قرار داده تا یگانی که در اجرای دستور رزمی شماره ۱۱ "شهاب" در منطقه مربوطه گشت می‌زند، این کشتی را شناسائی و آن را در عمق اسکورت نماید (در صورت نیاز، از پست فرماندهی ۴۲۱ دستور داده خواهد شد که کشتی را در عمق اسکورت تا یگان مجری دستور رزمی "شهاب" عملاً آن را در صفحه رادار داشته و مراتب را اعلام نماید).

- بر روی مدار سکوها به گوش و از اطلاعات راداری و دیدبانی بنا به ضرورت استفاده نمائید.

- در صورت نیاز و مساعد بودن وضعیت جوّی هلی‌کوپتر را جهت شناسائی هدف راهنمایی و تا رسیدن به نقطه هدف کنترل نمائید.

- آمادگی کامل جهت رویارویی با یگان‌های دشمن که محتمل است در پوشش راداری یگان‌های تجارتي قرار داشته باشند، حفظ گردد.

- آمادگی کامل جهت اعزام تیم تصرف کشتی‌های تجارتي بر روی یگان‌های تجارتي را داشته باشید.

• طرح لک لک

✓ مأموریت

فرمانده گروه‌های رزمی در دریا مأموریت دارد با گشت در مناطق تعیین شده، از منابع حیاتی و حساس در جزیره خارک و بوشهر در برابر حملات هوایی و سطحی دشمن پدافند نموده و حفاظت و کنترل خطوط مواصلات دریایی خودی را برقرار و حفظ نماید.

✓ وظائف و مسئولیت‌ها

- یگان‌ها با توجه به حملات دشمن ضمن دفاع از خود به حملات دشمن جواب دهند.

- ضمن گشت در مناطق و محورهای تعیین شده در کالک‌های پیوستی هرگونه فعالیت نیروهای هوایی و سطحی دشمن گزارش شود.

- فرمانده گروه رزمی تماس دائم خود را روی مدار تعیین‌شده با یگان‌های تحت امر حفظ نماید.

- فرمانده گروه رزمی تماس دائم خود را با فرمانده نیروی رزمی حفظ نماید.

- انضباط و حفاظت مخابراتی در تمام مدت رعایت گردد.

- کلیه یگان‌های گروه رزمی گزارش ۱۰۱ (ب) خود را به فرمانده گروه رزمی در ساعات ۱۴:۰۰ و ۱۶:۰۰ گزارش و فرمانده گروه رزمی گزارشات ۱۰۱ (ب) کلیه یگان‌ها را در اولین فرصت مناسب گزارش نماید.

- فرمانده گروه رزمی هر چهار ساعت یک بار نقطه یگان‌ها را با توجه به مناطق تعیین شده در طرح ذوالفقار به فرمانده نیروی رزمی گزارش دهد.

- کلیه هدف‌های سطحی طبق ذوالفقار گزارش شود.

- کلیه هدف‌های سطحی شناسائی و در صورت تهدید درگیر شوید.

- کلیه هدف‌های هوایی گزارش شود.

- فرمانده گروه رزمی ۱-۴۲۱ پیشنهادات خود را در مورد تأمین سوخت

و جیره یگان‌ها به فرمانده نیروی رزمی اعلام نماید.

• دستور رزمی شهاب

✓ مأموریت:

یگان‌های شناور اجراکننده این دستور رزمی مأموریت دارند کلیه و یا قسمتی از وظائف مشروحه زیر را با توجه به امکانات و محدودیت‌های خود انجام دهند:

- کنترل تردد شناورها در اطراف خارک.
- اعلام خطر حمله هوایی دشمن به جزیره خارک.
- کشف هدف‌های شناور و پروازی دشمن و گزارش آنها.
- شناسائی و تعیین پارامترهای راداری و احتمالاً موقعیت یگان‌های دشمن با استفاده از دستگاه‌های کشف اطلاعات الکترونیکی.
- حفاظت جزیره خارک از راه دریا در حد مقدرات.
- آماده بودن جهت عملیات تجسس و نجات.
- هدایت هلیکوپتر خودی بنا به دستور.
- اعلام حضور نیروی دریایی در منطقه و تقویت روحیه پرسنل مقیم خارک.

✓ وظایف و مسئولیت‌ها

- منطقه گشت در جنوب و غرب جزیره خارک بوده و مسیریابی طوری تعیین گردد که حتی‌الامکان نزدیک جزیره باشد (با رعایت ایمنی لازم)، تا تشخیص اکوی یگان از ساحل و سکوهای نفتی برای دشمن مشکل گردد.
- در صورت نزدیک شدن به جزیره، یگان‌های گشتی در تیررس یگان‌های پدافندی جزیره قرار خواهند گرفت. بنابراین، رعایت تاریکی مطلق در شب ضروری است.
- آمادگی لحظه‌ای جهت کشف و مقابله با هدف‌های سطحی و هوایی را داشته باشید.
- در صورت کشف هرگونه هدف هوایی، ضمن اتخاذ تدابیر اولیه مراتب را سریعاً به پست فرماندهی منطقه دوم و خارک اطلاع دهید.

- به محض دریافت اطلاع از وجود هلیکوپتر دشمن در منطقه اقدامات زیر را انجام دهید:

(۱) انجام مانور مناسب جهت قراردادن حداقل سطح مقطع ناو به سوی هدف (ترجیحاً سینه ناو).

(۲) تیراندازی به سمت تهدید با تیربارهایی با نواخت بالا.

(۳) تیراندازی تعدادی گلوله رسام به سمت دشمن.

- تردد هرگونه شناور مکشوفه را گزارش نمایید.

- در صورت کشف یگان شناور دشمن آن را درگیر و منهدم نمایید.

- یگان‌های هوایی دشمن را در صورت وارد شدن در برد سلاح منهدم نمایید.

- به سوی یگان‌های شناوری که در منطقه ممنوعه تردد می‌نمایند تیراندازی و برابر دستورات تاکتیکی صادره مربوطه عمل نمایید.

- آمادگی انجام عملیات تجسس و نجات را داشته باشید.

- در صورت نیاز به لنگر انداختن، پس از هماهنگی با نیروی رزمی

حتی‌الامکان در پوشش هدف‌های بزرگ‌تر لنگر انداخته شود.

- در صورت اطلاع از وجود هلیکوپتر در فاصله مناسب برای پرتاب

موشک به آن یگان سعی شود حتی‌الامکان پرسنل در دک‌های بالایی ناو مستقر گردند.

- در طول گشت و پرواز هلیکوپتر خودی، در روی مدار تعیین شده

(دستور رزمی پیکان) به گوش بوده و تبادل اطلاعات نمایید.

- از دستگاه‌های کشف اطلاعات الکترونیکی ناو جهت شناسائی و

تعیین پارامترهای راداری و احتمالاً موقعیت یگان‌های دشمن و ناشناس

استفاده و مشخصات مزبور را ضمن بهره‌برداری‌های اولیه به نیروی

رزمی ۴۲۱ اعلام نمایید (ناوشکن اعزامی از منطقه یکم دریایی بندرعباس و

یا ناوچه موشک‌انداز).

- از پارامترهای مربوط به بالگرد سوپرفرلون بهره‌برداری و در صورت

کشف هرگونه تشعشعات راداری که با این پارامترها مطابقت دارد، ضمن

انجام تدابیر لازم مراتب را با ارجحیت آنی به نیروی رزمی اعلام دارید.

بخش چهارم: تحلیل تاکتیکی عملیات‌های نداجا

• سلسله عملیات حمله به ترمینال‌های نفتی البکر و الامیه

با تشدید تحرکات خصمانه یگان‌های ارتش بعثی عراق در مرزهای زمینی و اقدامات ناوچه‌های آن کشور در اروندرود در راستای ایجاد مزاحمت برای کشتی‌های تجارتی عازم بنادر خرمشهر و آبادان که منجر به درگیری یگان‌های شناور نداجا با آنها در اروندرود گردید، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران آمادگی کامل برای مقابله با اقدامات دشمن را کسب نمود و بر اساس طرح کلی آفندی و پدافندی ذوالفقار که به کلیه مناطق دریایی ابلاغ شده بود، گشت‌های دریایی در بخش‌های مختلف خلیج فارس و تنگه هرمز به مورد اجرا گذاشته شد.

از موارد آفندی در نظر گرفته شده در طرح ذوالفقار، حمله به پایانه‌های نفتی عراق به اسامی البکر و الامیه بود. در این طرح، مشخص شده بود که در صورت اعلام کد رمز «شمشیر» از سوی پست فرماندهی نداجا، اقدامات لازم برای اجرای عملیات انهدام تأسیسات پایانه‌های مذکور انجام شود.

مشکل دسترسی به دریا توسط عراق

کشور عراق در بین هشت کشور ساحلی خلیج فارس دارای کمترین ساحل است. طول سواحل این کشور در خلیج فارس حدود ۴۰ الی ۵۰ کیلومتر در جنوبی‌ترین بخش منطقه رأس البیشه است (برابر شکل زیر).



این ساحل در محل تلاقی دهانه اروندرود و دهانه خورعبدالله می‌باشد؛ لذا وجود رسوبات زیاد این دو آبراه در این منطقه و شیب کم ساحل موجب می‌گردد که ساخت بندر در این منطقه غیرممکن باشد. بر همین اساس، تنها راه‌های دسترسی عراق به دریای آزاد از طریق اروندرود و خورعبدالله می‌باشد. این دو آبراه از نظر عمق آب و چگونگی تردد کشتی‌ها با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشند و لذا کشتی‌های بزرگ امکان تردد در این آبراه‌ها را ندارند. از سوی دیگر، کشور عراق یکی از تولیدکنندگان بزرگ نفت بوده و بودجه آن کشور از طریق صادرات نفت تأمین می‌گردید. اما شرایط جغرافیایی آن کشور اجازه پهلویی کشتی‌های نفتکش بزرگ و غول‌پیکر را برای بارگیری و حمل نفت عراق نمی‌داد. به همین دلیل، اسکله‌های نفتی البکر و الامیه در فاصله حدود ۱۷ مایلی از ساحل رأس البیشه و در منطقه‌ای از خلیج فارس که تردد و بارگیری نفت توسط کشتی‌های نفتکش عظیم را امکان‌پذیر می‌ساخت، ساخته شده و خطوط لوله‌های نفتی از بندر فاو به این دو پایانه متصل شده بود. نفت خام به مخازن این دو پایانه پمپاژ و از آنجا به کشتی‌های نفتکش بارگیری می‌شد.

در ابتدا، اسکله نفتی الامیه در جنوب شبه جزیره فاو ساخته شد و سپس با افزایش تولید و صادرات نفت آن کشور، اسکله البکر در سال ۱۹۷۲ در جنوب

اسکله الامیه بنا نهاده شد. هریک از این اسکله‌ها حدود یک کیلومتر طول دارند و با بکارگیری مقادیر زیادی از فولاد و بتون ساخته شده‌اند.

اسکله الامیه دارای چهار پهلوگاه برای پهلوگیری سوپر نفتکش‌هاست. دو پهلوگاه برای نفتکش‌های حداکثر تا ۳۵۰ هزار تن و دو پهلوگاه دیگر قادر به پهلودهی نفتکش‌های با ظرفیت ۴۰۰ هزار تن می‌باشد. ظرفیت بارگیری نفت در این پایانه حداکثر یک میلیون و دویست هزار بشکه در روز است.

اسکله البکر در فاصله ۵ مایلی جنوب اسکله الامیه و بزرگ‌تر از آن ساخته شد؛ به گونه‌ای که قادر به پهلودهی ۴ فروند نفتکش عظیم با ظرفیت ۴۰۰ هزار تن است. حداکثر ظرفیت بارگیری نفت توسط این پایانه به میزان یک میلیون و ششصد هزار بشکه در روز است. از ۳/۵ میلیون بشکه نفت صادراتی روزانه آن زمان عراق، مقدار ۲ میلیون و هشتصد هزار بشکه از طریق این دو پایانه نفتی و مابقی از طریق خط لوله‌های نفتی آن کشور از طریق خاک ترکیه و سوریه به دریای مدیترانه منتقل می‌گردید، یعنی ۸۰٪ صادرات نفت عراق از طریق این دو پایانه نفتی و از طریق خلیج فارس انجام می‌شد، که این خود نشانگر میزان اهمیت پایانه‌های نفتی البکر و الامیه برای آن کشور است.

کشور عراق یکی از کشورهای تک محصولی و متکی به درآمد نفت بود؛ در نتیجه، پایانه‌های نفتی مذکور که بیشترین سهم را در درآمدهای نفتی عراق داشتند، نقش بسزائی در تأمین مالی رژیم بعثی عراق برای ادامه حرکت ماشین جنگی آن کشور داشتند.

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در مورد اهمیت این پایانه‌ها برای رژیم بعثی عراق وقوف کامل داشت و این اسکله‌ها یکی از اهداف مهم نیروی دریایی بودند که در صورت لزوم آنها را مورد حمله قرار دهد؛ لیکن با توجه به اینکه پایانه‌های مذکور جنبه اقتصادی داشتند و ارتش ج.ا.ا قصد نداشت که در حمله به اهداف غیرنظامی پیش قدم باشد، لذا پست فرماندهی نداجا در روز اول مهرماه ۱۳۵۹ به مناطق عملیاتی این نیرو ابلاغ کرد که فعلاً از حمله به مراکز اقتصادی عراق که در طرح عملیاتی ذوالفقار با کد «شمشیر» معرفی شده‌اند، خودداری کرده و منتظر دستور باشند (دریادار سیاری، ۱۳۸۹).

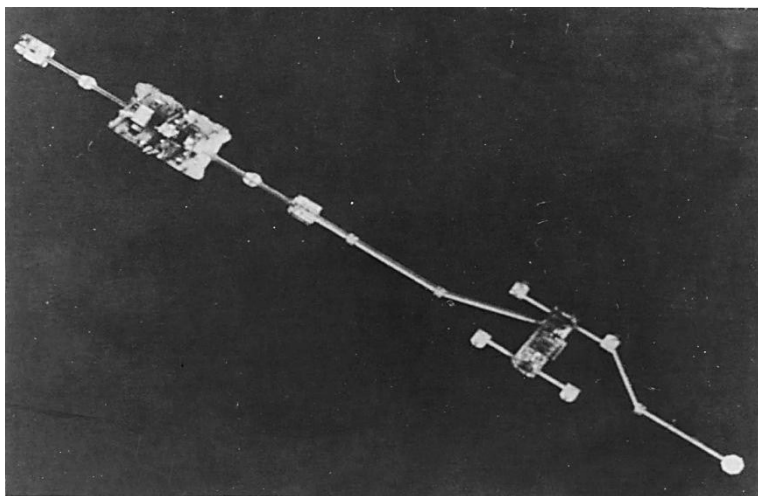
با حملات مکرر هوایی و توپخانه دشمن به پالایشگاه آبادان و تلاش برای حمله به تأسیسات نفتی جزیره خارک و بندر ماهشهر، لازم بود که عملیات مقابله به مثل از سوی ارتش ایران انجام شود. با ابلاغ پست فرماندهی نداجا به قرارگاه مقدم دریایی در بوشهر (نیروی رزمی ۴۲۱) در آبان ماه سال ۱۳۵۹، مقدمات لازم برای حمله به پایانه‌های نفتی البکر و الامیه انجام گردید.

✓ عملیات اشکان

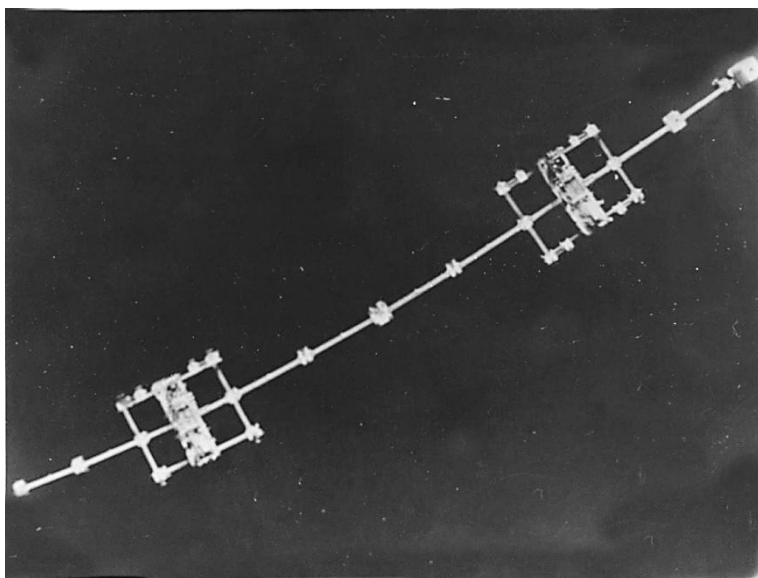
گشت هوایی توسط بالگردهای نداجا به طور روزانه در منطقه شمال غربی خلیج فارس به منظور کسب اطلاعات از وضعیت یگان‌های دشمن و تردد شناورهای مختلف در آن منطقه انجام می‌شد و هرگونه تغییر و تحول در منطقه و تردد یگان‌های شناور و یا حضور احتمالی یگان‌های سطحی دشمن در دریا را زیر نظر داشتند. بر اساس گزارشات گشت‌های انجام شده که به قرارگاه مقدم دریایی ارسال شده بود، دشمن تجهیزات دفاعی چندانی بر روی اسکله‌ها مستقر نکرده بود، ولی انتظار می‌رفت که تعدادی جنگ‌افزار پدافند هوایی بر روی اسکله‌های مورد نظر نصب شده و همچنین، تعدادی از نفرات دشمن برای دفاع از اسکله‌ها و انجام وظیفه دیدبانی بر روی این اسکله‌ها حضور داشته باشند.

با توجه به بزرگ بودن اسکله‌های مذکور و ساخته شدن آنها از فولاد و بتون، گلوله‌باران آنها از دور فقط موجب وارد آمدن خساراتی به آنها می‌شد؛ لیکن آنها را به کلی از کار نمی‌انداخت و امکان ترمیم تأسیسات آن توسط دشمن وجود داشت. بمباران هوایی و حمله موشکی یگان‌های سطحی نیز همین نتیجه را در پی داشت و به علاوه مقرون به صرفه نبود؛ لذا با توجه به هدف قرارگاه مقدم دریایی نیروی رزمی ۴۲۱ که همانا از کار انداختن تأسیسات موجود بر روی اسکله‌ها برای بلند مدت بود، می‌بایستی نفرات عملیات ویژه دریایی به روی اسکله‌ها پیاده شده و با نصب مواد منفجره در نقاط حساس، تأسیسات بارگیری نفت مستقر بر روی ترمینال‌ها را به کلی منهدم می‌نمودند.

بخش چهارم: تحلیل تاکتیکی عملیات‌های نداجا / ۸۱



عکس هوایی پایانه نفتی الامیه



عکس هوایی گرفته شده از پایانه نفتی البکر

نیروی رزمی ۴۲۱ ابتدا دستور رزمی شماره ۷ با نام اختصاری «اشکان» را تهیه کرد. اهداف اجرای این دستور رزمی عبارت بودند از:

- وارد کردن صدمه به این اسکله‌ها که از جمله مهم‌ترین تأسیسات اقتصادی عراق هستند.

- برآورد توان نظامی دشمن در دفاع از اسکله‌ها و حتی‌الامکان اطلاع از تجهیزات نظامی احتمالی مستقر بر روی آنها.

- ایجاد رعب و وحشت در دل افراد دشمن که بر روی اسکله‌ها حضور دارند و اجبار آنها به ترک اسکله‌ها.

- با توجه به صدور اطلاعیه‌های دریایی از سوی نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا اجرای این عملیات به نفتکش‌هایی که قصد تردد به آن منطقه را دارند، هشدار می‌خواهد بود که امنیتی برای آنها در منطقه پایانه‌های نفتی مذکور وجود ندارد و در نتیجه، از تردد به آن منطقه خودداری خواهند کرد.

در قسمت وضعیت، در این دستور رزمی موارد زیر قید شده بود:

با توجه به صدمات بسیار شدیدی که به منابع اقتصادی، بویژه منابع نفتی عراق وارد آمده است و از آنجا که نفت در سرنوشت کلی جنگ مؤثر است، امکان دارد که عراق تصمیم به استفاده از ترمینال‌های نفتی خود در خلیج فارس داشته باشد.

با بررسی‌هایی که انجام گرفته است، اجرای کد «شمشیر» به وسیله موشک هارپون و یا هواپیما مؤثر نیست و ممکن است که صدمات وارده به میزانی نباشد که این ترمینال‌ها را از استفاده‌های بعدی عراق ساقط نماید.

وضعیت نیروهای دشمن:

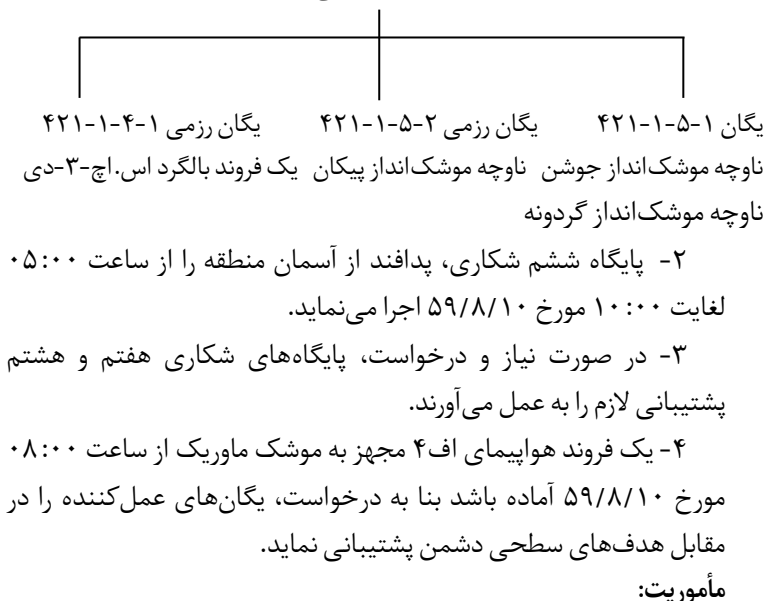
برابر پیوست اطلاعاتی طرح ذوالفقار.

وضعیت نیروهای خودی:

۱- یگان‌های دریایی شرکت‌کننده در این عملیات، مستخرج از طرح

ذوالفقار و برابر سازمان رزمی زیر می‌باشد:

فرمانده نیروی رزمی ۴۲۱



۱- یگان‌ها مطابق سازمان رزمی و با توجه به شرح وظایف مأموریت دارند که در ساعت ۰۶:۱۵ مورخ ۵۹/۸/۱۰ دو ترمینال عراقی را با توپخانه درگیر و با وارد آوردن صدمات به آن دو ترمینال، آنها را بلااستفاده نمایند و بویژه بخش‌های ساختمانی سکوها را تخریب و حداکثر خسارت را به آنها وارد آورند.

۲- بالگرد اس.اچ-۳-دی در هنگام تیراندازی یگان‌های سطحی، با مشاهده، حضور یا عدم حضور نفرات عراقی را بر روی سکوها مشخص نماید. این دستور رزمی، اجرای عملیات را در ۳ مرحله از اجرای جلسه توجیهی تا نحوه بازگشت یگان‌ها به پایگاه مادر پس از خاتمه عملیات مشخص نمود. همچنین، وظایف و مسئولیت‌های کلیه یگان‌ها، دستورات هماهنگی، پیوست‌های مخابراتی و نقشه عملیاتی نیز در این دستور رزمی مشخص و ابلاغ گردید.

فرماندهان یگان‌های عمل‌کننده در تاریخ ۵۹/۸/۸ در نیروی رزمی ۴۲۱ در مورد آخرین وضعیت منطقه عملیات و نیروهای خودی و دشمن توجیه شدند.

به منظور جلوگیری از جلب توجه دشمن و همچنین مخفی ماندن عملیات از ستون پنجم دشمن، قرار شد که یگان‌ها به صورت مجزا و در ساعت‌های متفاوت به دریا عزیمت کنند.

ناوچه‌های مذکور در تاریخ ۵۹/۸/۹ آماده عزیمت به دریا شدند. ناوچه موشک‌انداز جوشن که فرمانده آن فرماندهی صحنه عملیات را بر عهده داشت، در ساعت ۱۶:۴۵، ناوچه موشک‌انداز پیکان در ساعت ۱۷:۰۰ و ناوچه موشک‌انداز گردونه در ساعت ۱۷:۲۵ اسکله نظامی بوشهر را به سوی کمینگاه در دریا ترک کردند. بالگرد نیز در ساعت ۱۶:۰۰ همین روز از ایستگاه یکم هوادریا در بوشهر به پرواز درآمد و پس از رسیدن به سکوی نفتی اردشیر، بر عرشه فرود این سکو به زمین نشست. محل استقرار و اختفاء ناوچه‌های جوشن و گردونه در کنار سکوی نفتی نوروز و برای ناوچه پیکان و بالگرد، سکوی نفتی اردشیر تعیین شده بود.

تاکتیک به کار گرفته شده در این عملیات به این ترتیب بود که ناوچه‌ها کلیه سامانه‌های راداری و الکترونیکی خود را خاموش کرده و با سرعت عادی به سوی محل استقرار خود عزیمت کنند، تا به این ترتیب، دشمن متوجه عزیمت سه فروند ناوچه جنگی ایرانی به سوی آن منطقه نگردد.

ناوچه جوشن در زمان استقرار در کنار سکوی نفتی نوروز به طور موقت رادار خود را روشن و به بررسی منطقه پرداخت و پس از اطمینان از عدم حضور دشمن در منطقه و احتمالاً عدم اطلاع آنها از این عملیات، هر سه فروند ناوچه در ساعت ۳ بامداد مورخ ۵۹/۸/۱۰ در سکوت کامل رادیویی و با کمترین بهره‌برداری از رادار، به طرف پایانه‌های البکر و الامیه حرکت کردند. متأسفانه وضعیت جوّی نامناسب و دریا مواج بود، که همین موضوع سبب دشوار شدن اجرای عملیات توسط ناوچه‌ها با توجه به تناژ کم آنها

می‌شد. در ساعت ۰۶:۰۰، یک فروند هواپیمای دشمن در آسمان منطقه به قصد حمله به ناوچه‌ها بر روی آنها شیرجه زد. لیکن ناوچه پیکان بلافاصله با توپ ۷۶ میلیمتری خود به سوی هواپیمای دشمن شلیک کرد و آن را هدف قرار داد که در دریا سقوط نمود. سپس ناوچه‌ها به آرامی راه خود را به سوی هدف ادامه دادند. با توجه به اینکه اجرای عملیات در شرایط نامناسب جوی موجود موجب کاهش دقت تیراندازی توپ‌ها می‌شد، لذا آغاز عملیات مدتی به تعویق افتاد تا شاید وضعیت دریا بهتر شود.

در ساعت ۰۷:۰۰، با آرام‌تر شدن دریا، دستور اجرای آتش به سوی اسکله‌های دشمن صادر شد. ناوچه‌ها به صورت هماهنگ، اسکله البکر و سپس اسکله الامیه را زیر آتش شدید توپ ۷۶ میلیمتری خود قرار دادند و بالگرد اس.اچ-۳-دی نیز که از سکوی اردشیر به منطقه عملیات آمده بود، در منطقه‌ای امن در آسمان حوالی منطقه عملیات پرواز می‌کرد و ضمن تصحیح تیر توپ ناوچه‌ها، وضعیت سکوهای نفتی و نفرات حاضر بر روی آنها را تحت نظر داشت. عملیات گلوله‌باران پایانه‌های نفتی تا مدتی ادامه داشت، تا اینکه در ساعت ۰۷:۵۰ ختم عملیات اعلام شد.





عکس‌هایی از اسکله البکر پس از اجرای عملیات اشکان

اجرای موفقیت‌آمیز این عملیات علاوه بر وارد آوردن صدماتی به تأسیسات پایانه‌ها و تخریب برخی از بخش‌های آن، موجب ایجاد رعب و وحشت فراوان در دل نفرات دشمن و در نتیجه ترک اسکله‌ها شد. بررسی‌های انجام شده در جریان گشت‌های هوایی روزهای بعد که توسط بالگردهای هوادریا انجام شد، تحقق این هدف را تأیید کرد. ضمناً علاوه بر رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، یک فروند هواپیمای جنگنده دشمن نیز در این عملیات منهدم گردید و خلبانش به هلاکت رسید.

کلیه یگان‌های خودی پس از خاتمه عملیات، به سرعت منطقه عملیات را ترک کردند و به سوی پایگاه بوشهر عزیمت نمودند، تا از عملیات تلافی‌جویانه احتمالی دشمن در امان بمانند.

در این عملیات، استفاده از تاکتیک سکوت رادیویی و راداری و استقرار در کنار سکوهای نفتی خودی و استفاده از تاریکی شب برای عزیمت به سوی هدف، موجب شد تا دشمن غافلگیر شود و فرصت کسب آمادگی برای مقابله با یگان‌های دریایی جمهوری اسلامی ایران را نداشته باشد.

همچنین، عملیات‌های اطلاعاتی و شناسایی که توسط گشت‌های هوایی و سطحی در روزهای قبل از عملیات انجام شد، اطلاعات خوبی از وضعیت دشمن بر روی پایانه‌های هدف در اختیار گذاشت، که به این ترتیب، امکان انجام پیش‌بینی‌های لازم برای تأمین یگان‌های خودی را میسر کرد.

✓ عملیات شهید صفری

با توجه به بررسی‌های انجام شده در نیروی رزمی ۴۲۱، امکان تخریب کامل تأسیسات پایانه‌های البکر و الامیه به وسیله بمباران هوایی و یا گلوله‌باران یگان‌های شناور وجود نداشت، زیرا با توجه به بزرگی پایانه‌های مذکور و میلیون‌ها تن بتون و فولاد به کار رفته در ساختمان آنها، فقط صدماتی به تأسیسات آنها وارد می‌شد که دشمن امکان رفع صدمات وارده و بازسازی آنها را پس از مدتی داشته و مجدداً آنها را راه‌اندازی کرده و احتمالاً به کار می‌گرفت؛ لذا نیروی رزمی ۴۲۱ با همکاری گروه عملیات ویژه تکاوران دریایی تحت امر خود، اقدام به تهیه طرحی برای انهدام کلی تأسیسات بارگیری نفت پایانه‌های مذکور نمود. دستور رزمی شماره ۸ که برای این عملیات تهیه شد به نام اختصاری «شهید صفری»^۱ نامگذاری شد.

سازمان رزمی در نظر گرفته شده برای این عملیات عبارت بود از:

فرمانده نیروی رزمی ۴۲۱

کشتی لاوان- ۲	تکاوران دریایی (SBS)	۲ فروند بالگرد SH3D
ناوچه‌های موشک‌انداز	شامل ۲ تیم	ناوچه ج.ا. پیکان
		ناوچه ج.ا. گردونه

۱- شهید صفری اولین تکاور دریایی بود که در مرز شلمچه و پس از مقاومت طولانی در برابر نیروهای دشمن و به هلاکت رساندن تعدادی از آنها به شهادت رسید.

- ۱- فرمانده نیروی رزمی ۴۲۱ فرماندهی عملیات را بر عهده دارد.
- ۲- کشتی ماهیگیری لاوان-۲^۱ عهده‌دار حمل و انتقال تیم‌های عملیات ویژه تکاوران دریایی به پایانه‌های دشمن می‌باشد.
- ۳- دو تیم عملیات ویژه تکاوران دریایی مجموعاً به استعداد ۲۷ نفر به منظور پیاده شدن بر روی پایانه‌های نفتی دشمن برای نصب مقدار ۲۵۰۰ پوند مواد منفجره در محل‌های حساس تأسیسات پایانه‌های مذکور به منظور انهدام آنها.
- ۴- دو فروند ناوچه‌های موشک‌انداز پیکان و گردونه مسئولیت پشتیبانی و پوشش کشتی لاوان-۲ و نیروهای پیاده شونده به روی پایانه‌های دشمن را در مقابل حملات احتمالی یگان‌های سطحی و پدافند هوایی ارتفاع پست را بر عهده دارند.
- ۵- دو فروند بالگرد هوادریا (برای هر پایانه یک فروند) وظیفه تخلیه سریع نفرات فیوزگذار مواد منفجره را عهده‌دار می‌باشند.
- ۶- پایگاه ششم شکاری بوشهر با استفاده از هواپیماهای جنگنده، پوشش هوایی منطقه را در زمان اجرای عملیات بر عهده خواهد داشت.
- چگونگی اجرای عملیات از آماده‌سازی تجهیزات و مواد منفجره تا بازگشت تمامی یگان‌ها به بوشهر در سه مرحله در نظر گرفته شد و وظایف و مسئولیت‌ها، دستورات هماهنگی و پیوست‌های مخابراتی و نقشه‌های عملیاتی نیز در این دستور رزمی مشخص و ابلاغ گردید.
- با توجه به اجرای عملیات اشکان و تأیید موفقیت آن طی گزارشات گشت‌های هوایی که به نیروی رزمی ۴۲۱ واصل شد، زمان اجرای عملیات

۱- نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران این کشتی را به منظور انجام امور اطلاعاتی در شمال خلیج فارس از شرکت شیلات در اختیار گرفته بود و فرمانده و قریب به اتفاق کارکنان آن را نفرات نیروی دریایی ارتش تشکیل می‌دادند. هدف از بکارگیری این کشتی در عملیات شهید صفری به حداقل رساندن امکان اطلاع دشمن از پیاده شدن نیروهای خودی بر روی اسکله‌های البکر و الامیه بود.

شهید صفری تاریخ ۵۹/۸/۱۳ تعیین گردید، زیرا با توجه به اینکه فقط ۳ روز از اجرای عملیات اشکان سپری می‌شد، لذا پیش‌بینی می‌شد که دشمن انتظار اجرای عملیات دیگری در این منطقه و آن هم در فاصله زمانی اینچنین کوتاه را ندارد و در نتیجه، امکان غافلگیری دشمن افزایش خواهد یافت.

سه مرحله پیش‌بینی شده برای اجرای این عملیات شامل موارد زیر بود:
مرحله اول:

۱) آماده کردن کلیه وسایل و تجهیزات تیم‌های عملیات ویژه و مواد منفجره مورد نیاز بر اساس برآورد فرمانده تکاواران دریایی شرکت کننده در عملیات.

۲) آماده شدن کلیه یگان‌های شرکت کننده در عملیات، سوختگیری و بارگیری کلیه نفرات، تجهیزات و مهمات به روی کشتی لاوان-۲.
۳) حرکت کشتی لاوان-۲ و ناوچه‌های موشک‌انداز از بوشهر و عزیمت کشتی لاوان-۲ به سوی ترمینال‌های نفتی دشمن و عزیمت ناوچه‌های موشک‌انداز به سوی سکوها نفتی اردشیر و نوروز.
مرحله دوم:

۱) پیاده شدن تیم تکاواران دریایی به روی اسکله البکر بر اساس برنامه زمان‌بندی شده.

۲) پاکسازی ترمینال البکر از حضور احتمالی نیروهای دشمن و در صورت لزوم، استفاده از تمام نیروهای تکاور حاضر در محل و سپس تخلیه وسایل و تجهیزات و مهمات مربوط به این اسکله.

۳) عزیمت کشتی لاوان-۲ به سوی اسکله الامیه و پاکسازی آن توسط تکاواران دریایی و تخلیه تجهیزات و مهمات باقیمانده از کشتی لاوان-۲ به روی اسکله الامیه.

۴) استقرار و استتار کشتی لاوان-۲ در محل.

۵) موضع‌گیری دیدبان‌ها و استقرار نفر مخابراتی و سپس آغاز کار گذاشتن مواد منفجره در نقاط حساس و تأسیسات بارگیری نفت هر دو اسکله هدف.

۶) حرکت ناوچه‌های موشک‌انداز به طرف بویه ارون‌درد و استقرار در آن حوالی به علت نزدیک بودن به منطقه اصلی عملیات، تا در صورت بروز خطر برای نیروهای عمل‌کننده، وارد عمل شوند.

۷) خاتمه نصب مواد منفجره بر روی ترمینال هدف و سوار شدن تیم‌های عملیات ویژه (بجز دو نفر بر روی هر اسکله برای روشن کردن فیوزها) به کشتی لاوان-۲ و بازگشت به سوی چاه‌های نفتی اردشیر. مرحله سوم:

۱) استقرار کشتی لاوان-۲ در محل چاه‌های نفتی اردشیر.
۲) عزیمت دو فروند بالگرد به سوی ترمینال‌های نفتی البکر و الامیه و فرود بر روی باند بالگرد ترمینال‌های مذکور.

۳) فعال کردن فیوزها توسط تکاوران دریایی باقیمانده بر روی اسکله‌ها و سپس سوار شدن آنها به بالگردها و پرواز به فاصله پنج مایلی از سکوها، که پس از انجام انفجارها به سوی بوشهر عزیمت کنند.

۴) حرکت کشتی لاوان-۲ و ناوچه‌های موشک‌انداز به سوی بوشهر.
کشتی لاوان-۲ پس از آماده شدن به همراه ۲۷ نفر تکاوران دریایی و مواد منفجره و سلاح و تجهیزات مربوطه در بعدازظهر مورخ ۵۹/۸/۱۳ از بندر بوشهر به سوی سکوی نفتی نوروز عزیمت کرد. دو فروند ناوچه موشک‌انداز مسئولیت پشتیبانی و مراقبت از این کشتی را بر عهده داشتند، تا در صورت بروز هرگونه تهدید از سوی دشمن علیه آن، وارد عمل شده و امنیت آن را تأمین کنند.

ناوچه موشک‌انداز پیکان پس از استقرار در کنار سکوی نفتی، توسط رادار به بررسی منطقه پرداخت و پس از اطمینان از عدم حضور یگان‌های

دشمن در دریا، کشتی لاوان-۲ برای ادامه مأموریت به سوی ترمینال البکر به حرکت درآمد.

وضعیت جوّی نامناسب و دریا مواج بود. در نتیجه، زمانی که این کشتی به اسکله البکر رسید، فرمانده کشتی تلاش بسیاری کرد که کشتی را به یکی از پایه‌های اسکله برساند و برای پیاده کردن نیروها و تجهیزات، به پایه پهلوی گیرد؛ لیکن قدرت کم موتور کشتی توانایی مقابله با امواج و تلاطم دریا را نداشت و فرمانده کشتی مدتی طولانی به تلاش خود ادامه داد و با آغاز مد دریا، که موجب برخورد دکل کشتی به زیر اسکله و صدمه دیدن رادار کشتی شد، با نیروی رزمی تماس گرفته و وضعیت را گزارش نمود. فرماندهی نیروی رزمی ۴۲۱ با توجه به اینکه کشتی مذکور قادر به چسبیدن به پایه اسکله و پیاده کردن تکاوران نبود، دستور لغو عملیات و بازگشت یگان‌ها به بوشهر را صادر نمود؛ لیکن با اعلام آمادگی ناوچه پیکان مبنی بر جایگزینی و بر عهده گرفتن مأموریت کشتی لاوان و اجرای عملیات قرارگاه موافقت خود را با ادامه مأموریت توسط ناوچه مذکور اعلام و به کشتی لاوان دستور داده شد به سوی سکوی نوروز عزیمت کند.

پس از انتقال تکاوران دریایی و تجهیزات و مهمات از کشتی لاوان-۲ به ناوچه پیکان، ناوچه مذکور با خاموش کردن رادار و دیگر سامانه‌ها که انتشار امواج الکترومغناطیسی دارند، به سوی اسکله البکر عزیمت کرد. ناوچه مذکور در ساعت ۲۳:۰۰ به اسکله البکر رسید و با مانور خاص و استفاده از چهار موتور ناوچه، آن را به پایه اسکله نزدیک کرد و تکاوران با استفاده از نردبان چسبیده به پایه اسکله، تجهیزات و مهمات را به روی اسکله منتقل کردند. سپس ناوچه برای اقدام مشابه به سوی اسکله الامیه رفت و پس از رسیدن به آن اسکله نیز، همانند اسکله البکر عمل نمود و نیروها و تجهیزات و مهمات مربوط به این اسکله را نیز تخلیه نمود. در همین زمان، متصدی

ESM^۱ به فرمانده ناوچه اعلام کرد که فرکانس راداری سه فروند ناوچه را از سمت خور عبدالله دریافت نموده است. با دستور فرمانده ناوچه، بررسی‌های لازم بر روی مشخصات فرکانس‌های راداری انجام و مشخص گردید که ناوچه‌های مذکور از ناوچه‌های نظامی دشمن هستند. بلافاصله در ناوچه پیکان محل جنگ اعلام شد و کلیه نفرات در محل‌های مربوطه قرار گرفتند و سلاح‌ها و سامانه‌های ناوچه آماده به کار شدند. ناوچه پیکان که در پشت اسکله الامیه قرار داشت، به سرعت از پشت آن خارج و به سوی ناوچه‌های عراقی حمله‌ور شد. سامانه کنترل آتش به روی اولین ناوچه دشمن قفل شد و با شلیک پیاپی توپ ۷۶ میلیمتری، آن را که یک ناوچه اژدرافکن پی-۶ بود، هدف قرار داد و منهدم کرد.

ناوچه‌های عراقی که از حضور ناوچه پیکان در این منطقه بی‌اطلاع بودند، غافلگیر شدند و در زمان درگیری ناوچه پیکان با یکی از آنها، دو فروند دیگر که از نوع ناوچه‌های اوزا بودند به دلیل آنکه دچار رعب و وحشت شده بودند، اقدام به فرار به سوی خور عبدالله نمودند. ناوچه پیکان پس از فراغت از درگیری با ناوچه اول عراقی، به دنبال دو فروند دیگر رهسپار گردید. به دلیل افزایش فاصله ناوچه‌های عراقی از ناوچه پیکان و خارج شدن آنها از تیررس توپ ناوچه ایرانی، فرمانده تصمیم به استفاده از موشک علیه ناوچه‌های عراقی گرفت و با استفاده از آن، یک فروند دیگر از ناوچه‌های دشمن را مورد حمله قرار داد که پس از اصابت موشک، اکوی راداری آن از صفحه رادار ناوچه پیکان محو شد. ناوچه سوم از فرصت استفاده کرد و به داخل خور عبدالله فرار کرد.

ناوچه پیکان به بوشهر مراجعت کرد و پس از تکمیل سوخت، مهمات و آذوقه، مجدداً به منطقه عملیات بازگشت و به سوی اسکله‌ها رفت. تکاوران

دریایی در مدت استقرار خود بر روی اسکله‌های البکر و الامیه، مواد منفجره را در نقاط مختلف و حساس تأسیسات ترمینال‌ها نصب و آماده نمودند.

برابر طرح عملیاتی، می‌بایستی حداقل نفرات برای فعال نمودن فیوزها بر روی هر ترمینال باقی بمانند؛ لذا بر روی هر اسکله عراقی فقط دو نفر از تکاوران دریایی باقی ماندند و بقیه نفرات به ناوچه پیکان منتقل و از منطقه دور شدند.

صبح روز شانزدهم آبان‌ماه ۱۳۵۹ تکاوران دریایی باقیمانده بر روی ترمینال‌ها پس از فعال‌سازی فیوزهای مواد منفجره، به بالگردهای اعزامی نداجا از بوشهر سوار شدند و به سرعت از اسکله‌ها فاصله گرفتند. مواد منفجره نصب شده بر روی ترمینال‌ها، یکی پس از دیگری منفجر شد و تمام آسمان منطقه را دود ناشی از آتش‌سوزی پدید آمده بر روی آنها فرا گرفته بود. میلیاردها دلار به تأسیسات آنها و خود اسکله‌ها خسارت وارد آمد و دیگر امکان صادرات نفت برای عراق از طریق این اسکله از میان رفت و صادرات نفت آن کشور که پشتوانه اقتصادی ماشین جنگی آن کشور بود، تا سال‌ها به یک چهارم کاهش یافت و آن هم توسط خطوط لوله نفتی از طریق سایر کشورهای همسایه عراق انجام می‌شد.





عکس‌هایی از پایانه‌های نفتی البکر و الامیه در حال سوختن
در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۶ بر اثر اجرای عملیات شهید صفری



این عکس ترمینال نفتی الامیه را ۱۰ روز پس از اجرای عملیات شهید صفری در حال سوختن نشان می‌دهد.

✓ عملیات مروارید

با توجه به اینکه یگان‌های رزمی دریایی دشمن از مواجهه مستقیم با یگان‌های دریایی ارتش ج.ا.ا. پرهیز می‌کردند و فقط اقدام به تهدید یگان‌های شناور غیرنظامی می‌نمودند، که در مسیرهای دریایی شمال غربی خلیج فارس تردد می‌کردند، لذا ضروری بود که این تهدید از میان برود. به این ترتیب، لازم بود در درجه نخست، یگان‌های دشمن را به گونه‌ای به عرصه درگیری کشاند. در نیروی رزمی ۴۲۱ برای این موضوع مدتی فکر شد تا اینکه به این نتیجه رسیدند که می‌بایستی با ترفندی یگان‌های عراقی را از

پناهگاه‌هایشان بیرون کشید و آنها را منهدم نمود. با تبادل افکار و بحث و بررسی راه‌های مختلف در نیروی رزمی، در نهایت به این نتیجه رسیدند که در صورتی که بار دیگر به ترمینال‌های عراقی حمله شود و آنها را به تصرف درآورند، محرکی برای بیرون کشیدن نیروهای دشمن خواهد بود و با ورود آنها به عرصه دریا، یگان‌های خودی که در کمین دشمن هستند به نابود کردن آنها خواهند پرداخت.

طرح عملیات مروارید تهیه شد و نیروهای شرکت کننده در این عملیات به این شرح در طرح مذکور پیش‌بینی شدند:

۱) تیم عملیات ویژه شامل فرمانده تیم، افسر اطلاعات، افسر مخابرات و چهار نفر تکاور دریایی عملیات ویژه.

۲) سه فروند بالگرد هوادریا به منظور انتقال تیم عملیات ویژه و تجهیزات آنها به روی اسکله البکر.

۳) یک فروند یدک‌کش به منظور انتقال مهمات، تجهیزات، آذوقه و سایر ملزومات مورد نیاز تیم عملیات ویژه به اسکله البکر پس از تصرف آن.

۴) دو فروند ناوچه‌های موشک‌انداز ناوتیپ هفتم جهت پشتیبانی و تأمین امنیت نیروهای پیاده شونده به روی اسکله و همچنین رله پیام‌ها از تیم عملیات ویژه به نیروی رزمی و بالعکس.

۵) دو فروند هواپیمای اف-۴-ئی جهت پوشش هوایی منطقه و دو فروند اف-۴ مجهز به موشک هوا به سطح ماوریک به منظور انهدام یگان‌های سطحی دشمن.

منطقه عملیات مروارید حدود ۲۰ هزار کیلومترمربع وسعت داشت و فرماندهی این عملیات بر عهده فرمانده قرارگاه مقدم دریایی (نیروی رزمی ۴۲۱) قرار داشت.

با وجود آنکه هر روز پروازهای گشتی و شناسایی توسط بالگردهای نداجا در منطقه شمال غربی خلیج فارس انجام می‌شد، از چند روز قبل از تاریخ تعیین شده برای اجرای این عملیات به افسران گشت ابلاغ گردید تا در اطراف

ترمینال‌های نفتی، دشمن را با دقت بیشتری مورد بررسی قرار دهند و هرگونه تغییری و یا نشانه‌ای از فعالیت دشمن در آن منطقه را گزارش نمایند.

روز چهارم آذرماه ۱۳۵۹ به عنوان زمان آغاز عملیات تعیین شده بود؛ لیکن به دلیل وضع نامناسب جوی، امکان انجام عملیات در این روز فراهم نبود و لذا اجرای آن به تأخیر افتاد. افسر گشت اعزامی در صبح روز بعد (پنجم آذرماه ۱۳۵۹) به نیروی رزمی ۴۲۱ گزارش داد که یک فروند لندینگ کرافت کوچک در کنار ترمینال البکر مشاهده کرده است و احتمالاً دشمن نفراتی را اعزام و بر روی ترمینال مذکور مستقر نموده است. با توجه به اصل تأمین نیروهای عمل‌کننده، فرماندهی نیروی رزمی ۴۲۱ دستور داد تا ناوچه موشک‌انداز گرز که در شمال غربی خلیج فارس حضور داشت؛ به سوی ترمینال البکر عزیمت و با توپ به سوی ترمینال مذکور شلیک کند، تا چنانچه عکس‌العملی از سوی اسکله مشاهده گردید، مراتب را گزارش نماید. ناوچه مزبور پس از دریافت دستور، به سوی ترمینال البکر عزیمت و ترمینال البکر را با توپ مورد حمله قرار داد. پس از اجرای این عملیات به نیروی رزمی ۴۲۱ گزارش داد که هیچ‌گونه عکس‌العملی از سوی ترمینال مذکور مشاهده نشد. مجدداً بالگرد دیگری به منطقه اعزام و اسکله البکر را مورد بررسی قرار می‌دهد. گزارش این بالگرد نیز حاکی از عدم مشاهده شواهدی از حضور دشمن بر روی ترمینال البکر بود.

صبح روز ششم آذرماه بنا به دستور فرمانده نیروی رزمی ۴۲۱، بالگرد گشت مأموریت یافت که به سوی منطقه مزبور عزیمت و با تیربار به نقاط مختلف اسکله شلیک کند، تا شاید نیروهای دشمن مستقر بر روی اسکله عکس‌العمل نشان داده و از این طریق، استعداد نیروهای مستقر بر روی ترمینال و نوع تجهیزات آنان شناسایی و برآورد گردد. این عملیات نیز انجام شد، ولی نیروهای بعضی عکس‌العملی از خود نشان ندادند.

با دستور فرمانده نیروی رزمی ۴۲۱، ظهر روز ششم آذرماه ۱۳۵۹ عملیات مروارید به مورد اجرا درآمد. یدک‌کش دلیر که ملزومات مورد نیاز تیم

عملیات ویژه را قبلاً با رگیری کرده و در لنگرگاه جزیره خارک مستقر شده بود، به نیروی رزمی ۴۲۱ گزارش داد که به دلیل بروز نقص فنی در سامانه رادار، امکان دریانوردی و ادامه مأموریت را ندارد.

فرمانده و کارکنان ناوچه موشک‌انداز پیکان که همواره در به عهده گرفتن مأموریت‌ها پیش‌قدم بودند، در حالی که به منظور پشتیبانی تیم عملیات ویژه در کنار سکوی نوروز مستقر بود، داوطلبانه جایگزین یدک‌کش دلیر شد و به سرعت به سوی جزیره خارک عزیمت و پس از جابه‌جایی ملزومات تیم عملیات ویژه از یدک‌کش به ناوچه پیکان، به سرعت به محل استقرار خود (سکوی نوروز) بازگشت.

سه فروند بالگرد در بعدازظهر مورخ ۱۳۵۹/۹/۶ از بوشهر به پرواز درآمدند: دو فروند بالگرد AB212 که حامل نفرات تیم عملیات ویژه و سلاح‌ها و تجهیزات مخابراتی آنها بود و یک فروند بالگرد SH3D که مسئولیت انجام عملیات تجسس و نجات را در صورت لزوم بر عهده داشت. در این روز نیز وضعیت جوّی چندان مناسب نبود و باران می‌بارید. بالگردها پس از رسیدن به حوالی اسکله البکر در منطقه‌ای به صورت ایستایی به پرواز ادامه دادند و بالگردهای حامل تیم عملیات ویژه یک به یک به اسکله البکر نزدیک شدند و پس از تخلیه نفرات و تجهیزات، از این اسکله دور شده و یکی از آنها به سمت سکوی نفتی اردشیر و دو فروند دیگر به سوی بوشهر رفتند.

نفرات تیم عملیات ویژه پس از فرود بر روی سکو، بلافاصله گسترش یافتند و دقایقی بعد متوجه فردی شدند که در حال گشت بر روی سکو است. با احتیاط به او نزدیک شده و پس از غافلگیری، او را به اسارت درآوردند. در بازجویی مقدماتی که از او به عمل آمد، مشخص شد که یک سروان غواص عراقی و فرمانده نیروهای دشمن مستقر بر روی سکو است. او تعداد نفرات دشمن بر روی اسکله را ۲۰ نفر اعلام کرد.

بالگردهای هوادریا هنوز از اسکله البکر زیاد دور نشده بودند. پس از اعلام نیروهای خودی روی اسکله، یکی از بالگردها به البکر مراجعت و تحت شرایط بسیار دشواری که فقط از عهده یک خلبان ماهر و با تجربه برمی‌آید، بالگرد را تا جایی که ممکن بود به اسکله نزدیک کرد و اسیر عراقی را برای انتقال به نیروی رزمی دریافت نمود.

پس از عزیمت بالگرد، نیروهای بعثی که متوجه حضور ایرانیان بر روی البکر شده بودند، موضع گرفته و درگیری شدیدی بین نیروهای دو طرف درگرفت، که مدتی به طول انجامید. با توجه به وجود لوله‌های نفتی بر روی ترمینال، هر دو طرف در پشت لوله‌ها و سایر تجهیزات مستقر بر روی اسکله البکر سنگر گرفته و به سوی یکدیگر تیراندازی می‌کردند. نیروهای عراقی قبلاً حضور نیروهای ایرانی بر روی این اسکله را به مقر فرماندهی خود گزارش داده و درخواست پشتیبانی هوایی کرده بودند؛ در نتیجه، در اثنای درگیری تیم عملیات ویژه با نیروهای عراقی، دو فروند هواپیمای جنگنده دشمن در آسمان ظاهر شده و در ارتفاع کم چندین بار مانور و تظاهر به حمله کردند. اما حضور این هواپیماها نیز خللی در روحیه و عزم نفرات تیم عملیات ویژه وارد نکرد و آنها با تمام توان به مبارزه با دشمن ادامه دادند، تا اینکه یک نفر از آنها را به هلاکت رساندند و ۹ تن به اسارت نیروهای خودی درآمدند. بقیه نفرات دشمن به شمال ترمینال البکر گریخته و از آنجا توسط شناور کوچکی به ترمینال الامیه رفتند. اسرا به منتهی‌الیه جنوبی ترمینال البکر منتقل شدند.

نیروی رزمی ۴۲۱ در ساعت ۱۹:۳۵ پیامی به ناوچه پیکان ارسال و ابلاغ کرد که ناوچه از سمت جنوب به اسکله البکر نزدیک شود و در عین حال آمادگی درگیری با یگان‌های شناور دشمن را که احتمالاً در منطقه حضور خواهند یافت داشته باشد. ضمناً یک گروه مسلح بر روی ناوچه آماده باشد تا پس از رسیدن ناوچه به اسکله البکر، اسرا را تحویل بگیرند.

ناوچه ج.ا. پیکان حدود ساعت ۳۰:۲۰ به جنوب اسکله البکر رسید و پس از تأمین آذوقه و مهمات تیم عملیات ویژه، اسرا را دریافت کرد. فرمانده ناوچه با فرمانده تیم عملیات ویژه به تبادل اطلاعات پرداختند. یک افسر خلبان نهاجا نیز به عنوان افسر ناظر مقدم هوایی در ناوچه پیکان حضور داشت تا در ارتباط با هواپیماهای پشتیبانی هوایی خودی، هماهنگی‌های لازم را به عمل آورد. انتخاب اسکله البکر برای اجرای این عملیات به دلیل تفاوت نوع ساختمان ترمینال‌های البکر و الامیه بود (تمامی کف ترمینال الامیه توسط تراورس یا چوب‌های ضخیم پوشانده شده بود، در حالیکه ترمینال البکر کاملاً از ورق‌های فلزی پوشیده بود و لذا در عملیات شهید صفری آنچنان که اسکله الامیه دچار آتش‌سوزی و خسارت شده بود، اسکله البکر نشده بود)؛ لذا قرار بود مجدداً مواد منفجره توسط تیم عملیات ویژه در نقاط مورد نظر بر روی این اسکله نصب و در خاتمه مأموریت و پس از ترک ترمینال مذکور منفجر شوند. این حداقل دستاوردی بود که انتظار می‌رفت از این عملیات حاصل شود.

مدت کوتاهی پس از پهلوی گرفتن ناوچه پیکان به اسکله البکر، دو فروند ناوچه دشمن در کانال خور عبدالله مورد شناسایی قرار گرفتند، که در حال خروج از آن آبراه بودند.

فرمانده ناوچه پیکان گزارش وضعیت منطقه را به نیروی رزمی ۴۲۱ اعلام و سپس بر روی ناوچه، محل جنگ اعلام نمود. کلیه سلاح‌ها و سامانه‌ها روشن و نفرات در محل‌های مربوطه مستقر شدند. ناوچه در ساعت ۳۰:۲۱ ششم آذرماه از ترمینال البکر جدا و عازم رویارویی با یگان‌های دشمن گردید. در فاصله زمانی کوتاهی ناوچه‌های دشمن در تیررس توپ ۷۶ میلیمتری ناوچه ایرانی قرار گرفتند و با دستور فرمانده ناوچه، توپ شروع به شلیک کرد. ناوچه‌های دشمن که شاهد انفجارهای پیاپی گلوله‌های توپ در نزدیکی خود بودند، با مانور سریع از منطقه گریختند. ناوچه پیکان در حال تیراندازی با توپخانه‌اش در پی ناوچه‌های دشمن می‌رفت. جنگ و گریز

ناوچه پیکان با یگان‌های دشمن نزدیک به یک ساعت ادامه یافت و نهایتاً یکی از ناوچه‌های عراقی مورد اصابت گلوله‌های توپ ناوچه پیکان قرار گرفت، که موجب شد کنترل خود را از دست داده و به روی گل برود. ناوچه پیکان به پشت ترمینال البکر مراجعت و در آنجا مستقر گردید.

نیروی رزمی ۴۲۱ به ناوچه موشک‌انداز ج.ا. جوشن مأموریت داد که ضمن همراه داشتن ۱۴ نفر از تکاوران دریایی زبده، به سوی اسکله الامیه عزیمت نموده و آن اسکله را نیز به تصرف درآورند. سپس ناوچه جوشن به طرف اسکله البکر عزیمت کرد و جایگزین ناوچه پیکان در پشتیبانی از تکاوران دریایی گردد.

تکاوران دریایی پس از دریافت تجهیزات خود به روی ناوچه جوشن رفته و ناوچه مذکور در ساعت ۰۲:۵۰ سحرگاه هفتم آذر از اسکله در بندر بوشهر جدا شده و با سرعت به طرف منطقه عملیات حرکت کرد.

در طول شب، تعدادی از یگان‌های شناور عراقی از ام‌القصر به حرکت درآمده و به منطقه وارد شدند. ناوچه پیکان در اثنای شب به جنگ و گریز با یگان‌های شناور عراقی ادامه داد و تمامی موشک‌هایی که از سوی ناوچه‌های موشک‌انداز دشمن به سوی ناوچه پیکان شلیک می‌شد، به اسکله البکر اصابت می‌نمود.

ناوچه پیکان در آمادگی کامل رزمی به سر می‌برد. در ساعاتی پس از نیمه شب متوجه یک یگان سطحی دشمن شد که در حال خروج از خور عبدالله بود و بلافاصله مراتب را به قرارگاه نیروی رزمی ۴۲۱ گزارش داد. فرمانده ناوچه پیکان به دلیل کمبود مهمات بر اثر درگیری‌های مداوم شب گذشته و حفظ مهمات باقیمانده برای درگیری‌های گسترده در پیش رو که احتمال می‌رفت با آغاز روشنایی هوا آغاز شود، از درگیر کردن یگان دشمن خودداری کرد و آن را تا رسیدن به اسکله الامیه تحت نظر قرار داد.

یگان دشمن در ساعت ۰۵:۵۵ سحرگاه روز هفتم آذر از اسکله الامیه جدا شد و به سوی اسکله البکر حرکت کرد. بلافاصله پس از اعلام مراتب به

نیروی رزمی ۴۲۱، دستور درگیری با آن از سوی فرمانده نیروی رزمی به فرمانده ناوچه پیکان صادر شد. با دریافت این دستور، ناوچه پیکان از البکر جدا و به سوی آن عزیمت کرد. ناوچه پیکان متوجه شد که ناوچه موشک‌انداز دشمن در حال اسکورت یک فروند ناو نیروبر سفید رنگ است. ناوچه پیکان با توپ سینه خود با شناورهای دشمن درگیر شد و ناو نیروبر دشمن را منهدم کرد. در جریان درگیری، یک فروند موشک از سوی ناوچه دشمن به سوی ناوچه پیکان شلیک شد، که با شلیک توپ ۴۰ میلیمتری پاشنه هدف قرار گرفت و در آسمان منفجر شد که بر اثر آن یکی از نفرات ناوچه پیکان به شهادت رسید و به پاشنه ناوچه نیز آسیبی جزئی وارد شد. سپس ناوچه دشمن با سرعت منطقه را ترک کرد و از صحنه درگیری گریخت. ناوچه موشک‌انداز جوشن صبح روز هفتم آذرماه به بویه ارون‌درد رسید. این ناوچه مأموریت داشت که در این نقطه مستقر و بنا به دستور قرارگاه نیروی رزمی ۴۲۱ وارد عمل شود. ابتدا اقدام به پیاده نمودن تکاوران دریایی بر روی ترمینال الامیه، جهت پاکسازی و تصرف اسکله نمود، تا سپس با انتقال افسر ناظر مقدم هوایی از ناوچه پیکان به ناوچه جوشن، این ناوچه جایگزین ناوچه پیکان گردد و ضمن پشتیبانی از تیم‌های عملیات ویژه مستقر بر روی ترمینال‌های البکر و الامیه، ادامه درگیری‌ها با یگان‌های دشمن را عهده‌دار شود؛ لیکن فرمانده ناوچه پیکان از نیروی رزمی ۴۲۱ خواست تا به دلیل حضور مداوم یگان‌های هوایی و سطحی دشمن و خطرناک بودن منطقه، فعلاً از اعزام ناوچه جوشن به سوی ترمینال‌های نفتی دشمن خودداری کنند، زیرا ممکن است ناوچه جوشن قبل از رسیدن به اسکله‌های البکر و الامیه مورد هدف دشمن قرار گیرد. در حالیکه ناوچه پیکان در پناه اسکله البکر قرار دارد و با استفاده از آن، از گزند دشمن در امان است.

در ساعت ۰۶:۵۵ صبح روز هفتم آذر، دو فروند هواپیمای دشمن در آسمان منطقه ظاهر شده و شروع به مانور کردند، که یکی از آنها توسط موشک دوش پرتاب سه‌پند ۳ مورد اصابت قرار گرفت و دیگری از منطقه دور شد.

بخش چهارم: تحلیل تاکتیکی عملیات‌های نداجا / ۱۰۳

در ساعت ۰۷:۳۵ فرمانده ناوچه پیکان به نیروی رزمی ۴۲۱ گزارش داد که ۴ ناوچه دشمن در حال حرکت به سوی اسکله البکر هستند و بر اساس علائم الکترونیکی ساطع شده از آنها، سه فروند از این شناورها را ناوچه موشک‌انداز اوزا تشخیص داده و گزارش نمود.

در ساعت ۰۷:۵۵ سایت رادار بوشهر اعلام کرد که چند فروند هواپیما از سمت ام‌القصر در حال پرواز در ارتفاع کم به سوی صحنه عملیات می‌باشند. دقایقی پس از این اعلام، ناوچه پیکان با یک هواپیمای دشمن درگیر و آن را از منطقه فراری داد.

با توجه به طرح‌ریزی انجام شده، جنگنده‌های هوایی اف ۴ مجهز به موشک هوا به سطح ماوریک نیز پیش‌بینی شده بود، که در عملیات شرکت نمایند و با استقرار یک نفر افسر خلبان بر روی ناوچه پیکان، هماهنگی‌های مورد نیاز بین ناوچه مزبور و خلبانان جنگنده‌های خودی انجام می‌شد. فرمانده ناوچه پیکان با شناخت منطقه، در محلی مستقر شده بود که علاوه بر آنکه منطقه را تحت نظر داشت، خود نیز در کنار اسکله از اصابت موشک‌های دشمن در امان بود و علاوه بر درگیری مستقیم با یگان‌های سطحی و هوایی دشمن، با ورود هواپیماهای اف ۴ به منطقه، آنها را جهت انهدام یگان‌های سطحی دشمن به سوی موقعیت آنها هدایت می‌کرد.

دشمن تلاش داشت تا به هر نحو ممکن، ناوچه پیکان را منهدم و نیروهای ایرانی را از اسکله البکر دور کنند. بر اساس شنود انجام شده از سامانه‌های مخابراتی دشمن، سرفرماندهی نیروهای دشمن که با معرف «بصام» خوانده می‌شد، به ناو سرفرماندهی دشمن در دریا که با معرف «واصق» نامیده می‌شد، پیامی ارسال کرد، مبنی بر اینکه «به کلیه یگان‌ها دستور دهید با تمام قدرت موشک‌های خود را بر روی ناوچه ایرانی شلیک نمایند، حتی اگر اسکله البکر ویران گردد».

ناوچه پیکان در ساعت ۰۸:۳۷ با یکی دیگر از هواپیماهای دشمن درگیر شد و بلافاصله در همین گیرودار و در ساعت ۰۸:۴۰ یکی از ناوچه‌های

دشمن یک فروند موشک استیکس به سوی ناوچه پیکان پرتاب کرد، که به بخش وسطی اسکله اصابت کرد.

درگیری‌ها بین یگان‌های خودی و دشمن تا ظهر روز هفتم آذر ۱۳۵۹ ادامه داشت. با توجه به روشن بودن موتورهای اصلی و فرعی ناوچه پیکان از زمان خروج از بوشهر و همچنین درگیری‌های متعدد این ناوچه با یگان‌های سطحی و هوایی دشمن، موضوع کمبود سوخت، مهمات و آذوقه در ناوچه مطرح بود؛ لذا نیروی رزمی ۴۲۱ در ساعت ۱۲:۰۴ به ناوچه‌های پیکان و جوشن ابلاغ کرد که با در نظر گرفتن وضعیت منطقه و رعایت موارد ایمنی، منطقه درگیری را ترک نمایند. ضمناً به ناوچه پیکان ابلاغ شد که قبل از ترک منطقه، نفرات تیم عملیات ویژه را که بر روی اسکله البکر مستقر بودند دریافت و سپس به سوی بوشهر عزیمت نماید.

ناوچه پیکان پس از اعلام دستور قرارگاه مقدم دریایی (نیروی رزمی ۴۲۱) به فرمانده تیم عملیات ویژه و سوار شدن آنها به ناوچه، در ساعت ۱۲:۲۹ از پایانه نفتی البکر جدا شد و پس از آنکه حدود ۵ مایل از ترمینال البکر فاصله گرفته بود، توسط یک فروند ناوچه اوزا که در طول درگیری‌های شب گذشته و روز جاری در پشت ترمینال الامیه پنهان شده بود، هدف قرار گرفت. ناوچه عراقی با شلیک پیاپی سه فروند موشک استیکس، ناوچه پیکان را مورد حمله قرار داد. ناوچه پیکان که متوجه حمله ناوچه دشمن شد، به محض نزدیک شدن موشک اول، با یک مانور سریع از اصابت موشک به ناوچه جلوگیری کرد و موشک در دریا سقوط کرد، اما موشک‌های دوم و سوم که به دنبال موشک اول در پرواز بودند، به ناوچه پیکان اصابت کرده و موجب غرق شدن ناوچه و شهید و مجروح شدن تعداد زیادی از سرنشین‌های ناوچه گردید.

بلافاصله عملیات تجسس و نجات توسط تعداد زیادی از بالگردهای نذاجا، با وجود مزاحمت‌های هواپیماهای دشمن که در منطقه حضور داشتند، انجام شد و تعدادی از بازماندگان ناوچه و تیم عملیات ویژه نجات

بخش چهارم: تحلیل تاکتیکی عملیات‌های نداجا / ۱۰۵

یافتند. همچنین، تعداد ۱۹ نفر از کارکنان شناورهای مختلف دشمن که در این عملیات منهدم شده و در دریا سرگردان بودند، توسط بالگردهای نداجا از دریا نجات یافتند و به عنوان اسرای جنگی به بوشهر منتقل شدند.

در نهایت، در این عملیات تعداد ۱۳ فروند انواع شناورهای نیروی دریایی دشمن (شامل پنج فروند ناوچه موشک‌انداز اوزا) منهدم شده و دو فروند صدمه کلی دیدند. همچنین، ۱۱ فروند از جنگنده‌های هوایی دشمن ساقط شدند.

عملیات دریایی مروارید که با پشتیبانی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران انجام شد، یک عملیات هماهنگ و منحصربفرد بود که نتیجه تمرینات و هماهنگی‌های انجام شده قبلی در طول تمرینات و مانورها بود. این عملیات که نخستین عملیات آفندی بزرگ علیه دشمن بود، موجب وارد آمدن صدمات سنگینی به دشمن گردید و طعم شکست بزرگی را به دشمن چشاند.

نقاط قوت این عملیات عبارت بود از:

- انهدام بیش از نیمی از یگان‌های سطحی دریایی و تعداد زیادی هواپیمای جنگنده دشمن و به هلاکت رسیدن تعداد کثیری از نفرات ارتش بعثی که جایگزین نمودن آنها مستلزم سال‌ها زمان و صرف هزینه بسیار برای آموزش نفرات بود.

- حذف توان دریایی دشمن از صحنه دریا، که تا پایان جنگ تحمیلی، یگان‌های باقیمانده نیروی دریایی دشمن جرئت ظهور در شرق اسکله‌های نفتی البکر و الامیه را نداشتند.

- کسب سیادت کامل دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس تا پایان دفاع مقدس.

- پیروزی در این عملیات سبب افزایش روحیه نیروهای خودی و کاهش نیروهای دشمن گردید.

نقاط ضعف که در این عملیات می‌توان به آنها اشاره نمود عبارتند از:

- عدم بررسی و تجسس کامل و دقیق منطقه عملیات و حصول اطمینان از عدم حضور دشمن.

- عدم برقراری پشتیبانی هوایی از ناوچه پیکان، علیرغم علم به محدودیت لجستیکی و فقدان مهمات مورد نیاز در ناوچه، حداقل تا خروج ناوچه از محدوده درگیری.

- نادیده و ناچیز انگاشتن توان باقیمانده دشمن با توجه به پیروزی به دست آمده.

- سرگرم شدن به امور تشریفاتی استقبال از ناوچه و تحت الشعاع قرار داده شدن امنیت ناوچه در منطقه عملیاتی.

- ایجاد فرصتی استثنایی برای دشمن برای حمله آسان و راحت به اسطوره مقاومت و ایمان و ایثار، در شرایطی که ناوچه از همه امکانات دفاعی خود در ۴۸ ساعت گذشته استفاده کرده و در آن شرایط فاقد هرگونه توان دفاعی بود.

• اسکورت کاروان (جنگ اقتصادی)

در بُعد نظامی، قطع خطوط کشتیرانی دشمن و عملیات تأمین حفاظت و پدافند از تجارت آزاد و تأمین خطوط مواصلات دریایی خودی در مقابل اقدامات آفندی طرف مقابل از مهم‌ترین اولویتهای هرگونه راهبرد نظامی در یک جنگ دریایی می‌باشد.

رژیم بعث عراق نیز با اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی حملات دریایی و هوایی خود را علیه خطوط کشتیرانی در خلیج فارس از اولین روزهای ابتدای جنگ تحمیلی با توجه به نیت زیر آغاز نمود:

(۱) کسب سیادت دریایی منطقه‌ای از طریق به دست گرفتن کنترل صحنه نبرد در شمال خلیج فارس.

(۲) اعمال فشار جهت تأمین منابع اقتصادی با قطع صادرات نفت از جزیره خارک.

(۳) اعمال فشار اقتصادی و اجتماعی با قطع واردات کالاهای ضروری به کشور از طریق بنادر شمالی خلیج فارس.

بخش چهارم: تحلیل تاکتیکی عملیات‌های نداجا / ۱۰۷

(۴) ایجاد تهدید و خطر برای امنیت کشتی‌های اعزامی به بنادر ایرانی در خلیج فارس.

(۵) زمینه‌سازی مداخله و مقابله کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران.

با توجه به تهدیدات دریایی عراق، قرارگاه عملیاتی نیروی دریایی، اجرای یک عملیات گسترده و مستمر دریایی با بهره‌گیری از پشتیبانی رزمی سایر نیروهای مسلح و سایر ارگان‌ها و نهادهای دریایی غیرنظامی را در قالب عملیات اسکورت کشتی‌های تجاری و نفتکش در سراسر خلیج فارس و با اولویت منطقه شمالی این دریا، در دستور کار قرار داد.

برابر گزارشات واصله در دهه اول مهر ۱۳۵۹، تردد شناورهای تجاری به دلیل مناقشات نظامی و سیاسی در خلیج فارس به یک سوم گذشته تقلیل یافته بود. اولین کاروان منسجم متشکل از ۶ فروند کشتی تجاری در ششم مهرماه ۱۳۵۹ بندر امام را تحت اسکورت و پدافند نزدیک یگان‌های شناور نداجا از ناوتیپ‌های هفتم و هشتم به سمت بنادر مقصد ترک می‌نماید. گفتنی است به منظور اعمال مقررات زمان جنگ، خصوصاً در زمینه اسکورت کشتی‌های تجاری، از تردد دو فروند کشتی پانامایی که قصد خروج از بندر امام را بدون رعایت ضوابط داشتند، توسط یگان‌های نداجا ممانعت به عمل آمد. علاوه بر برنامه‌ریزی اسکورت کشتی‌های تجاری به بندر امام و پایانه‌های نفتی خارک، تأمین پدافند ضد هوایی شناورهای شرکت نفت فلات قاره که جهت پشتیبانی سکوها نفتی در اطراف جزیره خارک و حوزه‌های نفتی در بخش‌های میانی شمال خلیج فارس نظیر حوزه‌های نفتی نوروز، ابودر(اردشیر) سروش(سیروس)، فروزان(فریدون) و همچنین چاه‌های نفتی در منطقه بحرگanser و متعاقب آن در حوزه‌های نفتی بخش‌های میانی در خلیج فارس نظیر نصر و سلمان رفت‌آمد می‌نمودند، تحت پوشش پدافندی قرار گرفتند.

حملات هوایی عراق به بنادر و کشتی‌ها در شمال خلیج فارس نشانگر عدم توانایی و قابلیت آنها در انجام عملیات مؤثر در طول تاریکی شب برآورد گردید. از

اینرو با استفاده از فرصت‌ها و هماهنگی لازم در اسکورت نزدیک و پدافند سطحی و هوایی در عمق، در ابتدا عملیات اسکورت در طول تاریکی شب اجرا گردید؛ لذا کشتی‌های تجاری مستقر در بندر امام خمینی (ره) پس از تخلیه کالا و اعلام آمادگی با تقویت و گسترش حضور یگان‌های شناور و ناوتیپ‌های هفتم و هشتم در مسیر ترانزیت کشتی‌ها به صورت چند فروندی از بندر امام به خلیج فارس هدایت و اسکورت می‌شدند.

یگان‌های شناور نیروی دریایی ارتش ضمن تأمین پدافند هوایی و سطحی جزیره خارک همزمان به تأمین پوشش و اسکورت نفتکش‌های در حال عزیمت به جزیره خارک و همچنین اسکورت آنان پس از بارگیری تا خروج از منطقه خطر حملات هوایی عراق در منطقه رأس المطاف اقدام می‌نمودند.

در بندر باید محموله کشتی‌های بزرگ به سرعت و بدون معطلی به ظرفیت‌های کوچک مناسب برای حمل توسط وسایل نقلیه خشکی تبدیل شوند. به این ترتیب، نقش مهم و اصلی بندر که مجموعه‌ای از واحدهای عملیاتی و اداری است آشکار می‌شود. محموله‌هایی که به مقاصد بنادر کشور بارگیری می‌شوند باید با بهره‌گیری از امکانات مناسب و کافی با حداکثر سرعت در بنادر تخلیه شده و به مراکز مصرف ارسال گردند. به این ترتیب، اعتبار کشور در گرو عملکرد مناسب و به موقع در حمل و نقل کالا و رساندن آن به دست مصرف کنندگان است که در این جریان، بندر همواره یک گلوگاه مطرح خواهد بود. بنابراین، در بنادر کشور عوامل زیر نقش اساسی را بازی می‌کنند:

تجهیزات زیربنایی اصلی، تجهیزات زیربنای عملیات، تجهیزات روبنایی، کارکنان مجرب، موقعیت جغرافیایی بندر، دسترسی به سایر اشکال حمل و نقل، ظرفیت بندر (تعداد اسکله‌ها) سهولت دسترسی، عمق آبراه‌های بندر و وسعت بندر (سازمان بنادر و دریانوردی، ۱۳۸۸).



مسیر رفت و برگشت کاروان‌های تحت حفاظت نیروی دریایی ارتش از بندر عباس به بوشهر، جزیره خارک و بندر امام (ره)

نیروی رزمی ۴۲۱ در راستای تأمین امنیت بیشتر تردد کشتی‌های تجاری بین بندر بوشهر و بندر امام اقدام به صدور دستور رزمی شماره ۱۹ با نام اختصاری اژدر در تاریخ هفتم خرداد ماه ۱۳۶۰ نمود. این دستورالعمل رزمی بر اساس طرح عملیاتی ذوالفقار صادر گردید. هدف از اجرای این دستور رزمی تأمین امنیت کشتی‌های تجاری و نفتکش در مقابله با تهدیدات موشکی، هوایی و دریایی رژیم بعث عراق بود، که شناورهای فوق‌الذکر در قالب کاروان‌های دریایی جهت ورود و خروج به بندر امام به طور همزمان تحت پوشش پدافندی ضد هوایی، ضد موشکی و ضد سطحی قرار گیرند. در اجرای این عملیات مقرر می‌گردد:

الف- ناوچه‌های موشک‌انداز در بخش میانی شمال خلیج فارس مستقر گردند.

ب- بالگردهای گشت دریایی، منطقه شمال غربی خلیج فارس، کانال خور موسی و محدوده سکوه‌های نفتی البکر و الامیه را به طور روزانه مورد تجسس قرار دهند.

ج- ناوهای گشت مستقر در شمال خلیج فارس با در اختیار داشتن تصویر کاملی از صحنه عملیات، آمادگی لازم جهت اعزام به منطقه را داشتند.

د- دو فروند یدک‌کش جهت عملیات پشتیبانی و امداد در منطقه حضور یابند.

ه- پوشش هوایی منطقه در مدت زمان اجرای عملیات اسکورت کشتی‌های تجاری در کانال خورموسی، توسط نیروی هوایی تأمین گردد.

گفتنی است هماهنگی‌های لازم به منظور سازماندهی کشتی‌های شرکت‌کننده در کاروان‌ها، اعم از ورودی به بندر امام و یا خروجی، از طریق ارگان‌های دریایی، عملیات پایگاه‌های دریایی و سازمان بنادر و کشتیرانی (دریانوردی) می‌بایستی انجام پذیرد.

از طرفی، با توجه به روند تهدیدات، خصوصاً تهدیدات موشکی از سمت منطقه رأس‌البیشه در جنوب بندر فاو، دستور رزمی شماره ۱۹ به دستور رزمی شماره ۲۰ که به اختصار تمساح نامگذاری شد، تغییر یافت. در دستورالعمل رزمی جدید از لشکر ۷۷ خراسان که در منطقه عمومی ماهشهر مستقر بود، درخواست می‌گردید که بنا به درخواست نیروی رزمی ۴۲۱، منطقه رأس‌البیشه را زیر آتش توپخانه دوربرد خود قرار دهد، تا با ناامن کردن منطقه فاو، دشمن قادر به انجام فعالیت علیه نیروهای خودی و همچنین کشتی‌های تجاری و نفتکش در حال تردد نباشد. ضمناً در پشتیبانی از عملیات کاروان یک فروند هواناو نیز در مدت اجرای تردد کاروان آماده اجرای مأموریت بود.

در دستور رزمی شماره ۲۰، در جهت اجرای عملیات اسکورت کاروان‌های دریایی، علاوه بر یگان‌های نیروی دریایی متشکل از ناوچه‌های موشک‌انداز، ناوهای پاسیور (کوروت)، بالگردهای گشت دریایی و هواناوها، یگان‌هایی از سایر نیروها مانند جنگنده‌های نیروی هوایی در تأمین پوشش هوایی و یا سایت‌های کسب اطلاعات الکترونیکی و همچنین از توپخانه نیروی زمینی در پشتیبانی رزمی نداجا در طرح قرار گرفتند.

این دستور رزمی در روند اجرای عملیات اسکورت کاروان‌های دریایی به منظور هماهنگی‌های بیشتر و شرکت یگان‌ها در صحنه‌های دفاعی و پشتیبانی با انجام تغییراتی مواجه می‌گردد.

در شهریورماه ۱۳۶۰، دستور رزمی شماره ۲۳ با نام اختصاری اژدر ۲ صادر گردید. در این دستور رزمی، علاوه بر شرح وظائف عملیاتی یگان‌های شرکت کننده در عملیات اسکورت کاروان، یگان‌هایی از منطقه سوم دریایی جهت پدافند ضد هوایی مستقر در منطقه توسط شناورهای تندرو نظیر ناوچه‌های ۶۵ پابی و بهره‌گیری از بالگردهای کبرا هوانیروز و استقرار نفرات و تجهیزات پدافندی بر روی کشتی‌های تجاری نیز مد نظر قرار گرفته، ضمناً بکارگیری شنودهای رادیویی و الکترونیکی در این دستور رزمی نیز مورد توجه قرار گرفته بود.

دستور رزمی شماره ۲۳ در دی‌ماه ۱۳۶۱ بازنگری و مجدداً به یگان‌های ذینفع ابلاغ می‌شود. با فعال شدن ایستگاه‌های دریایی در جنوب جزیره آبادان و شمال خلیج فارس و ضرورت هماهنگی بیشتر دستور رزمی مزبور در آبان‌ماه ۱۳۶۲ مجدداً بررسی و جهت اجرا ابلاغ گردید.

✓ نقاط قوت عملیات اسکورت در طول جنگ^۱

همزمان با غیرقابل استفاده شدن اسکله‌ها و لنگرگاه‌های بنادر حاشیه اروندرود و عدم وجود بنادر مناسب در خلیج فارس و دریای عمان، عمده تلاش تأمین مایحتاج و ارزاق عمومی و ضروری کشور در بندر امام خمینی (ره) متمرکز شد. بندر امام خمینی (ره) به واسطه فاصله کم با خاک عراق در برد سامانه‌های آفندی سلاح‌ها و جنگ افزارهای پیشرفته این کشور در زمان جنگ قرار داشت. کشتی‌های ورودی و خروجی به خور موسی در تیررس موشک‌های ساحل به دریا و یا هواپیماهای نظامی دشمن قرار داشتند و آسیب دیدن کشتی‌های تجاری در این آبراه، علاوه بر ایجاد

محدودیت تردد به این کانال، دارای ارزش حیاتی برای اقتصاد جنگی کشور بوده و قطع خطوط مواصلاتی خودی می‌توانست در ابعاد مختلف، بویژه در اداره امور جنگ و امنیت ملی کشور تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته و موجب ایجاد بحران کمبود مایحتاج کشور گردد.

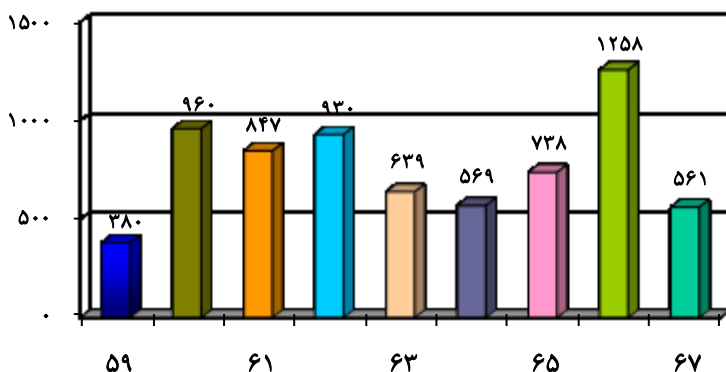
این موضوع برای دشمن از چنان اهمیتی برخوردار بود که در طول جنگ سعی و تلاش گسترده و مستمری را در شمال خلیج فارس برای متوقف نمودن فعالیت بنادر و پایانه‌های نفتی این منطقه متمرکز نموده بود. در طول هشت سال جنگ تحمیلی، با شلیک بیش از ۱۱۰۰ فروند موشک از ساحل، یا توسط یگان‌های پروازی (اعم از جنگنده و بالگرد)، یگان‌های شناور و رهاسازی صدها مین دریایی در دریا، سعی در انهدام کشتی‌های تجاری و یا مختل نمودن انجام عملیات اسکورت کاروان نمود. با وجود این، نیروی دریایی ارتش با اتخاذ تدابیر لازم و اجرای تاکتیک‌های خاص و پشتیبانی هوایی جنگنده‌های نیروی هوایی و بالگردهای هوانیروز موفق گردید عملیات اسکورت را با کمترین تلفات اجرا نماید.

منطقه اسکورت کاروان از لنگرگاه بندرعباس شروع و تا دهانه ورودی کانال خور موسی ادامه داشت و وسعتی بیش از ۳۵ هزار مایل مربع (۶۱ هزار کیلومترمربع) را در بر می‌گرفت.

نیروهای خودی نیز با آگاهی از نیت دشمن، مأموریت اسکورت کاروان (کشتی‌های تجاری و نفتکش) را از روزهای آغازین جنگ تحمیلی شروع و با سازماندهی و همکاری لازم با موفقیت تا پایان جنگ ادامه دادند. در این مأموریت گسترده، کلیه یگان‌های شناور، غواصی، هواناو، پروازی، تکاوران نداجا، جنگنده‌های نیروی هوایی، بالگردهای هوانیروز و توپخانه دوربرد ساحلی نیروی زمینی شرکت داشتند. در دوران جنگ تحمیلی، در مجموع بیش از ده هزار فروند کشتی اسکورت گردیدند و قریب سیصد میلیون تن انواع کالا به وسیله این شناورها از طریق معابر وصولی به داخل کشور و بنادر داخلی انتقال یافتند. از این تعداد شناور فقط ۲۵۹ فروند بر اثر حملات

بخش چهارم: تحلیل تاکتیکی عملیات‌های نداجا / ۱۱۳

دشمن آسیب دیدند که بیش از ۲۰۰ فروند از آنها یدک شده و با بار سالم به بندر امام خمینی (ره) انتقال داده شدند. این ارقام با توجه به نزدیکی دشمن به معابر وصولی اصلی جمهوری اسلامی ایران در شمال خلیج فارس و همچنین در مقایسه با آسیب‌پذیری کشتی‌های تجاری، آمار ناچیزی می‌باشد. در اجرای اسکورت کاروان‌ها که به عنوان یک مأموریت کلان و مستمر از آغاز تا پایان جنگ بود، بیش از ۱۵۰ عملیات دریایی انجام گرفت. شایان ذکر است در عملیات پدافندی اسکورت، از قبضه‌های ۲۳م و تیربار کالیبر ۵۰ با کاربری تکاوران دریایی که به طور مستمر بر روی کشتی‌های تجاری و نفتکش مستقر می‌گردیدند، استفاده می‌شد.



نمودار کشتی‌های اسکورت شده در طول سال‌های جنگ تحمیلی
به تفکیک سال^۱

✓ نقاط قوت خودی در طول عملیات اسکورت کاروان

- استفاده از تجهیزات نوین جنگال.
- استفاده از هدف‌های کاذب با قابلیت انعکاس خوب، جهت انحراف موشک‌های دشمن.
- کسب اطمینان از وضعیت فنی شناورهای عازم به منطقه عملیات.
- استفاده از تاکتیک‌های مختلف جهت فریب دشمن و تغییر در مسیرهای تردد.
- اجرای آتشباری توپخانه برد بلند توسط نزاچا بر روی رأس البیشه محل استقرار سایت‌های موشک‌های ضدکشتی کرم ابریشم و پایگاه هوایی شعبیه برای اختلال در امر پرواز جنگنده‌ها و بالگردهای تهاجمی در طول اجرای کاروان.
- استقرار قایق‌های حامل تکاوران مجهز به موشک‌های دوش پرتاب در مسیر پروازی موشک‌های ضدکشتی برای کشف و انهدام آنها قبل از اصابت به کشتی‌های کاروان عبوری از خور موسی.

✓ توان دشمن علیه عملیات اسکورت

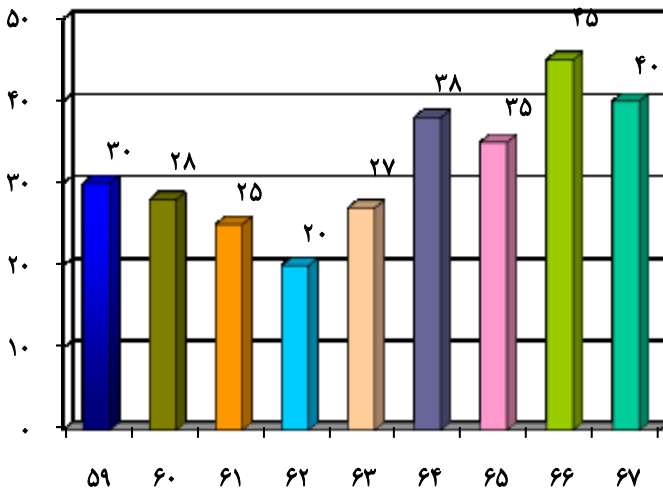
دشمن در روزهای آغازین جنگ، توسط موشک‌های استیکس ناوچه‌های موشک انداز اوزا، کشتی‌های تجاری و نفتکش را مورد هدف قرار می‌داد؛ لیکن پس از عملیات غرورآفرین مروارید که موجب کاهش توان رزمی یگان‌های شناور نیروی دریایی عراق شد، دشمن با بهره‌گیری از راهکارهای مختلف دیگر، از جمله پرتاب موشک‌های ساحل به دریا (کرم ابریشم) مستقر در منطقه رأس البیشه، موشک‌های هواپایه از هواپیما، بالگرد و رهاسازی مین‌های شناور جهت آسیب‌رسانی به کشتی‌های متردد به بنادر ج.ا. ایران و عقیم ساختن عملیات‌های اسکورت کاروان استفاده می‌نمود.

✓ ضربات و تلفات وارده به دشمن

در زمان انتقال و اسکورت کاروان‌های تجاری و نفتکش از تنگه هرمز به شمال خلیج فارس (بندر امام) و بالعکس، حملات هوایی موشکی گسترده و مستمری از سوی نیروهای عراقی شکل می‌گرفت، که با هوشیاری کارکنان پدافند مستقر در یگان‌های شناور اسکورت‌کننده و کشتی‌های اسکورت شونده، ده‌ها فروند هواپیمای جنگنده، بالگرد و موشک‌های دشمن ساقط گردیدند. همچنین، استفاده هوشمندانه از سیستم‌های جنگال و انواع تاکتیک‌های فریب (استقرار هدف‌های کاذب در نقاط و مسیرهای منتخب)، موجب انحراف صدها فروند از موشک‌های دشمن شد.

✓ اسکورت یگان‌های نفتکش خودی و تجاری با کالای ویژه به بنادر کشور^۱

با افزایش برد هواپیماهای عراقی، نفتکش‌های خروجی حامل نفت صادراتی به طرف دریای عمان و نفتکش‌های خالی به طرف پایانه‌های نفتی مستقر در خلیج فارس، علاوه بر کشتی‌های تجاری و نفتکش عازم بندر امام، به صورت ویژه اسکورت می‌شدند. همچنین، کشتی‌های تجاری، دارای کالاهای خاص و ویژه (که محموله آنها برای اقتصاد کشور، پشتیبانی جبهه‌ها و... حائز اهمیت بود)، از شمال اقیانوس هند و دریای عمان، توسط یگان‌های شناور رزمی، پروازی و تکاوران نیروی دریایی ارتش اسکورت می‌شدند. در اجرای این عملیات‌ها، بیش از ۵۰ عملیات اسکورت تک فروندی و یا گروهی با توجه به نوع مأموریت اجرا گردید، که در مجموع، تعداد زیادی کشتی، نفتکش و تجاری با کالای ویژه اسکورت گردیدند.



نمودار تعداد عملیات‌های اسکورت یگان‌های نفتکش خودی از خلیج فارس به دریای عمان و یگان‌های تجاری با کالای ویژه به بنادر کشور

• جنگ نفتکش‌ها

جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس یک رویداد تعیین کننده در تاریخ نیروی دریایی ایران است، که بازتابی از راهبرد دریایی ایران، یعنی همان راهبرد ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس در صورت عدم تأمین امنیت برای کشتیرانی جمهوری اسلامی می‌باشد. مناقشه بین ایران و عراق در مراحل اولیه در خشکی جریان داشت و فقط چند واحد کوچک دریایی نقش پشتیبانی اندکی در منطقه اطراف خرمشهر را ایفا می‌کردند. در سال ۱۹۸۴، عراق متوجه شد ابتکار عمل در جنگ زمینی را از دست داده و تصمیم گرفت توجه خود را بر قدرت هوایی متمرکز نماید. عنصر اصلی راهبرد عراق حمله به مناطق استراتژیک ایران و فلج کردن اقتصاد این کشور بود. به همین منظور، به تأسیسات نفتی حیاتی ایران در جزیره خارک حمله کرد، که ۸۵ درصد از صادرات نفتی ایران از طریق نفتکش‌ها از این بندر انجام می‌شد. بندر خارک مهم‌ترین هدف جنگنده‌های

میراژ اف ۱ عراقی مسلح به موشک‌های ضد کشتی اگزوست بود (HIRO DILIP, 1991). در پاسخ به این حملات، ایران با حمله به نفتکش‌های متعلق به کشورهای حامی عراق در خلیج فارس، درصدد پاسخگویی برآمد، با این امید که دولت‌هایی چون عربستان و کویت از حمایت عراق دست بردارند (JPHN JPRDAN, 1992).

در اوایل سال‌های دهه ۱۹۸۰ هر دو کشور ایران و عراق در حد محدود حملاتی را علیه کشتی‌های تجاری اجرا نمودند، اما در سال ۱۹۸۴، عراق این حملات را به طور چشمگیری افزایش داد، تا از صدور نفت ایران جلوگیری نموده و آن‌را از منابع مالی برای ادامه جنگ محروم نماید. تا پایان جنگ، صدها فروند کشتی تجاری از بیش از ۳۰ ملیت مختلف مورد هدف قرار گرفتند (دانشکده جنگ نیروی هوایی ایالات متحده، ۱۹۸۹).

تمام منابع و مدارک مورد بررسی، که چند مورد آنها به نظر رسید، همگی بر این هدف و راهبرد عراق مبنی بر تلاش برای وادار کردن ایران به خاتمه جنگ از طریق قطع منابع مالی ایران حاصل از صادرات نفت و گاز اذعان داشته و متفق‌القول می‌باشند.

در مقابل، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر اساس تصمیمات متخذه فرماندهی عالی جنگ، راهبرد مقابله به مثل را بر اساس امنیت برای همه یا برای هیچ‌کس در خلیج فارس آغاز نمود. در این رابطه، یک گزارش تحقیقاتی نیروی دریایی ایالات متحده می‌نویسد:

نیروی دریایی ایران از همان ابتدای جنگ بخش وسیعی از نیروی دریایی عراق را منهدم کرد و یا در بنادر مسدود شده آن محبوس نمود. در مقابل، عراق جنگ نفتکش‌ها را از سال ۱۹۸۱ علیه کشتی‌هایی که نفت ایران را به خارج صادر می‌کردند آغاز کرد. تا سال ۱۹۸۴، عراق این عملیات را بدون اقدامات متقابل ایران تداوم بخشید. در ماه مارس ۱۹۸۴، عراق عملیات خود را شدت بخشید و دامنه اقدامات خود را به شرق و جنوب جزیره خارک افزایش داد. دو

ماه بعد ایران نیز عملیات مقابله به مثل خود را علیه کشتیرانی در خلیج فارس آغاز نمود (ORUKE RONALD، 1988).

در سال ۱۹۸۱، عراق در مرحله اول به کشتی‌های غیرنظامی ایرانی که وظیفه واردات کالاهای نظامی پشتیبانی جنگ را به عهده داشتند، حمله هوایی کرد. در مرحله بعد، این حملات کلیه کشتی‌های تجاری ایران را نیز شامل شد. عراق حملاتش را با کمک جنگنده‌های سوپر اتاندارد، میراژ اف ۱ و هلیکوپتر سوپر فریلون که مجهز به موشک‌های اگزوست بودند، و میگ ۲۳ انجام می‌داد. این سلسله حملات تا سال ۱۹۸۳ ادامه پیدا کرد، اما ایران در این میان اقدام خاصی برای مقابله با این حملات انجام نداد. نفتکش اطلس اولین نفتکش خارجی بود که در این جنگ آسیب دید. این نفتکش که متعلق به ترکیه بود، در ۳۰ می ۱۹۸۲ در حال صادرات نفت ایران بود که در خلیج فارس توسط هواپیماهای عراق بمباران شد. در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۸۲، نفتکش یونانی اسکیمانت در حالی که در حال صادرات نفت ایران بود، مورد حمله موشک اگزوست عراق قرار گرفت و آسیب جدی دید. آسیب‌دیدگی به حدی بود که کشتی از ادامه سرویس‌دهی بازماند و کشتی غیرقابل استفاده گردید. از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ مجموعاً ۴۸ کشتی تجاری مورد حمله قرار گرفتند (ORUKE RONALD، 1988). در واقع، باید اوج جنگ نفتکش‌ها را در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ به شمار آورد. اما علیرغم افزایش عملیات مقابله به مثل از سوی ایران، مشکلات صدور نفت خام با دشواری‌های بیشتری روبه‌رو می‌شود. دولت ایران با حمله عراق به نفتکش‌ها از سه طریق تحت فشار فزاینده قرار می‌گرفت:

الف- کاهش درآمد نفتی از طریق محدود کردن صدور نفت.

ب- افزایش هزینه‌های تولید و صدور نفت از طریق انهدام منابع نفتی،

انهدام پایانه‌های نفتی و افزایش حق بیمه نفتکش‌ها.

ج- تخلف کشورهای صادرکننده نفت، بویژه عربستان و کویت در افزایش

صدور نفت و کاهش قیمت آن.

این روند تا آنجا پیش رفت که قیمت نفت که در سال ۱۳۵۹ بشکه‌ای ۴۱ دلار بود، در سال‌های پایانی جنگ به ۱۵ دلار رسید. البته قیمت ۱۵ دلار حداقل قیمت نفت نبود، بلکه در سال ۱۳۶۵، که یکی از سال‌های بحرانی جنگ بود، قیمت نفت تا ۸ دلار هم کاهش یافت.

غلامحسین تاش از کارشناسان نفت در این رابطه می‌گوید:
در سال ۱۹۸۶، همزمان با تمام این مشکلات، در اوپک اتفاق عجیبی افتاد. وزیر نفت عربستان در اجلاس اوپک اعلام کرد کشورهای اوپک دائماً تولیدشان را برای حفظ قیمت کاهش داده‌اند، اما این کار اشتباه است و ما سهم بازار خود را از دست داده‌ایم؛ بنابراین، ما باید تولید خود را افزایش دهیم، تا سهم بازارمان حفظ شود و مهم نیست اگر قیمت نفت کاهش پیدا کند. عربستان این کار را عملاً شروع کرد. نفتی که قبل از آن ۲۷ دلار بود، به ۶ دلار سقوط کرد (تاش غلامحسین، ۱۳۹۳).

با وجود کاهش شدید درآمدهای نفتی ایران در سال ۱۳۶۴، تأثیرهای اصلی «جنگ قیمت‌ها» در سال ۱۳۶۵ رخ نمود، زیرا از آغاز جنگ تا این سال، هزینه‌های جنگ حدود یک‌سوم درآمدهای نفتی بود، اما در این سال، با کاهش درآمدهای نفتی و افزایش هزینه‌های جنگ، به تدریج این دو با هم برابر شدند. در تیرماه ۱۳۶۵، روزنامه رسالت به نقل از نشریه نفتی «بازار نفت» گزارش داد: به دلیل عرضه انبوه نفت مازاد بر نیاز بازار، قیمت نفت خام «برنت» دریای شمال در بازار لندن به بشکه‌ای ۸/۵۰ و ۸/۶۵ دلار برای تحویل در ماه‌های اوت و سپتامبر (۱۹۸۶) رسیده است.

بر اساس این گزارش، قیمت نفت خام «دوبی» نیز در بازار لندن به بشکه‌ای ۶/۷۵ دلار برای تحویل در ماه اوت کاهش یافت.

در بازار غیررسمی و تک‌محموله، که ایران مقدار بسیاری از نفت خود را به این شکل می‌فروخت، قیمت نفت به بشکه‌ای ۵ دلار هم رسید، تا آنجا که با توجه به تخفیف‌های بسیاری که ایران ناگزیر بود به مشتریان خود بدهد و این واقعیت که هزینه بیمه هر محموله نفتی به حدود یک‌چهارم کل ارزش محموله می‌رسید،

علی اکبر محتشمی پور، وزیر کشور وقت ایران، اعلام کرد: تولید نفت دیگر صرفه اقتصادی ندارد.

با وجود کاهش شدید قیمت‌ها، کشورهای نفت خیز حامی عراق، به بهانه ضرورت حفظ سهم «اوپک» در بازار، همچنان به افزایش تولید نفت خود ادامه دادند، تا آنجا که تولید روزانه ۱۵/۹ میلیون بشکه‌ای اوپک، در سال ۱۳۶۴، به روزانه ۱۹.۵ میلیون بشکه در سال ۱۳۶۵ رسید و حال آن که سهمیه تعیین شده برای این سال ۱۴.۸ میلیون بشکه در روز بود.

حمله ۲۱ مردادماه هواپیماهای عراقی به پایانه نفتی «سیری» و دو سوپرتانکر در حال بارگیری و دو نفتکش ویژه حمل نفت از «خارک» به «سیری» صدور نفت ایران را به شدت کاهش داد. بر اساس گزارش «میدل ایست اکونومیست»، پس از حمله عراق به سیری، صادرات نفت ایران به حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت؛ این رقم قبل از حمله به سیری ۱/۲ میلیون بشکه در روز بود.

کاهش شدید قیمت و میزان صادرات نفت سبب شد فروش نفت ایران در سال ۱۳۶۵ به حدود ۵/۹ میلیارد دلار کاهش یابد.

در خصوص چرایی اتخاذ سیاست مقابله به مثل، آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه همشهری گفت:

"یک بحث جدی و پایه‌ای هم در این موضوع است. آنها به فکر افتادند که راه شکست ما قطع منابع مالی است. ما هم از کس دیگری کمک نمی‌گرفتیم. پس دیگر نمی‌توانستیم بجنگیم و تنها منبعی که می‌توانستند قطع کنند، نفت ما بود. امکانات فراوانی به عراق دادند تا صدور نفت ما را قطع کنند. ما داشتیم خط لوله‌ای به سمت بندرعباس می‌کشیدیم که از آنجا نفت را صادر کنیم. اما هنوز در راه بود و دو سه سال وقت لازم داشت تا به سرانجام برسد. ما برای انجام این کار زمان در اختیار نداشتیم و غربی‌ها بر دامنه مسلح کردن عراق افزوده بودند. به عراق موشک‌های اگزوست

دادند. همچنین، بمب‌های لیزری دادند، فرانسوی‌ها هواپیمای سوپراتاندارد دادند. هدف و سیاست آنها این بود که منبع درآمد ما را بخشکانند.

سیاست متقابل ما هم این شد که باید همه از خلیج فارس نفت صادر کنند. اگر ما نمی‌توانیم، دیگران هم نباید بتوانند. این سیاست جنگی تازه ما شده بود. البته عراق با یک لوله که از عربستان می‌گذشت، از طریق دریای احمر نفت را صادر می‌کرد، ولی آن لوله حداکثر به یک میلیون بشکه نفت در روز برای صادرات جواب می‌داد.

سیاست مقابله به مثل را انتخاب کردیم، هر جا که آنها یک کشتی می‌زدند، یک کشتی آنها زده می‌شد. اگر بندر ما را می‌زدند، متقابلاً بندر زده می‌شد. آمریکا دید که با وجود این همه امکانات و کمک همسایگان به عراق، ایران همچنان دست برتر را دارد. آمریکا خودش به صحنه آمد و اسکورت نفتکش‌ها را خود آمریکایی‌ها به عهده گرفتند. پرچم آمریکایی روی نفتکش بزرگ کویت بود، که همان کشتی به تیر غیب گرفتار شد. در حالی که در جلو و عقب این کشتی ناوهای آمریکایی حرکت می‌کردند." (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۲)

از آوریل ۱۹۸۵ (فروردین ۱۳۶۴)، حملات عراق با شدت و قدرت بسیار بیشتر همراه شد و تأسیسات جزیره خارک هدف اصلی حملات هوایی جنگنده‌های عراقی شد. در پی حملات ماه‌های اولیه، خسارت‌های بسیار سنگینی به پایانه‌های نفتی جزیره خارک وارد شد، به طوری که هاشمی رفسنجانی از اشراف اطلاعاتی هواپیماهای عراق به وضعیت دفاع هوایی این منطقه به شدت گلایه کرد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۷).

بعد از سال ۱۹۸۴، عراق با افزایش فشار تلاش کرد ایران را اغوا کند، که در جهت فشار به عراق و متحدان منطقه‌ای خود تنگه هرمز را مسدود سازد. هدف عراق از اجرای این نقشه، قطع کامل صادرات نفت از خلیج فارس و مداخله مستقیم نظامی کشورهای غربی واردکننده نفت از این منطقه بر ضد ایران بوده است. در نهایت، تهران اعلام داشت: اگر ما از صادرات نفت محروم شویم، تمامی خلیج فارس محروم خواهند شد.

تهدید به بستن تنگه هرمز، ایران را در مقابل جامعه بین‌المللی و کشورهای منطقه قرار داد. به دنبال این هشدار، ناوگان‌های آمریکا و ناتو بر گشتزنی خود در آب‌های منطقه افزودند. یک ماه بعد شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت، تجاوز ایران به آزادی کشتیرانی را تهدید علیه ثبات و امنیت منطقه و خطر جدی نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و خواستار تشکیل جلسه فوری شورا شدند. شورای امنیت نیز در اول ژوئن ۱۹۸۴، با تصویب طرح قطعنامه پیشنهادی شش کشور شورای همکاری در قالب قطعنامه ۵۵۲ حمله به کشتی‌های تجاری را محکوم کرد و به طور تلویحی ایران را مسئول این حملات و ادامه جنگ دانست.

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران اقدامات تلافی جویانه خود را به صورت مستقل از طریق یگان‌های شناور رزمی و در عملیات‌های مشترک با مشارکت هواپیماهای گشت نیروی دریایی و جنگنده‌های نیروی هوایی به مورد اجرا درمی‌آورد. از نظر نداجا، هدف اصلی بر پاسخگویی به حملات عراق متمرکز بود و ضمن حفظ اقتدار و عزت و دفاع از مرزهای آبی جمهوری اسلامی، از ایجاد تنش بی‌مورد و غیرضروری با نیروهای فرمانطقه‌ای در خلیج فارس اجتناب می‌گردید، اگرچه این آمادگی کاملاً وجود داشت، تا در صورت نیاز پاسخ‌های لازم به هر نیروی متجاوزی داده شود.

• نبرد با بخشی از ناوگان استکبار جهانی (آمریکا)

به رغم اعلام بی‌طرفی آمریکا، عملکرد این کشور هیچ‌گاه با قواعد بی‌طرفی منطبق نبود. آمریکا مکرراً به عناوین و انحای مختلف علیه جمهوری اسلامی ایران چه در قلمرو آبی، دریایی سرزمینی و چه در قلمرو خاکی و فضایی به زور متوسل شده و مستقیماً در مخاصمات شرکت نمود.

صرف نظر از علل و انگیزه‌های این اقدامات و صرف نظر از توجیهات آمریکا، که هیچ محمل حقوقی نداشت، هر دولتی به محض اینکه به طور مستقیم در مخاصمه شرکت کند، یک دولت بی‌طرف تلقی نمی‌شود و نمی‌تواند به حقوق

بخش چهارم: تحلیل تاکتیکی عملیات‌های نداجا / ۱۲۳

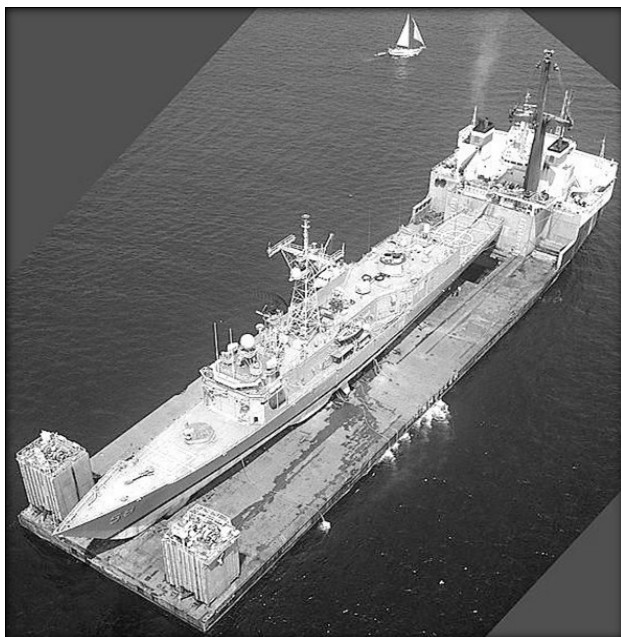
دول بی‌طرف استناد کند. در واقع، شرکت در مخاصمات با مقتضای ذات بی‌طرفی مغایرت دارد و این دو نمی‌توانند با هم جمع شوند. دولتی که به هر دلیلی به زور متوسل می‌شود، نمی‌تواند ادعای بی‌طرفی کند.

از نظر حقوقی، به محض مداخله مستقیم آمریکا در مخاصمه، ایران می‌توانست این کشور را یک دولت متخاصم تلقی کند و هیچ‌گونه حقوقی برای ناوگان این کشور در ورود به خلیج فارس و آب‌های اطراف قائل نشود؛ لیکن ایران بنا به مصالحی که خارج از بحث این نوشتار است، علیه این کشور اعلام جنگ نکرده و با خویشتن‌داری کامل، حقوق دول بی‌طرف را در مورد آن مرعی داشت.

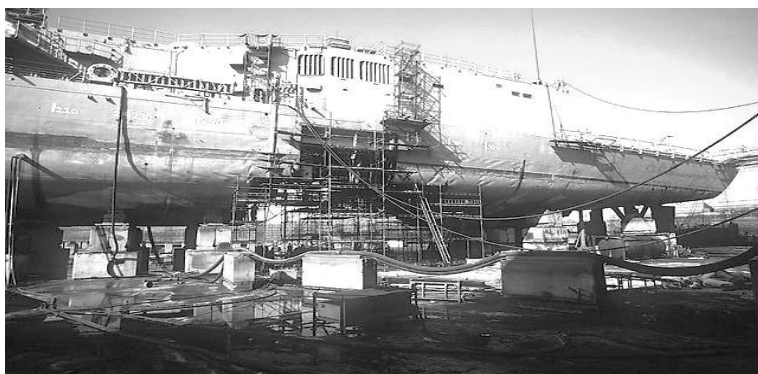
در مقابل، آمریکا نه تنها تعهدات یک دولت بی‌طرف، بلکه تعهداتی را که حقوق بشردوستانه (حقوق جنگ) برای متخاصمان به وجود آورده است، نقض کرد، چرا که حتی دول متخاصم نیز نباید به غیرنظامیان و بخصوص به هوایمای مسافری حمله کنند.

✓ برخورد ناو آمریکایی به مین

ناوشکن آمریکایی "سامونل ب رابرتز" در مورخه ۲۴ فروردین ۶۷ در منطقه خلیج فارس به مین برخورد نمود و این ظاهراً بهانه‌ای به دست دشمن داد، تا پنج روز بعد اقدام به تلافی علیه کشور نمایند.



ساموئل.بی. رابرتز در حال جابه‌جایی با کشتی پس از برخورد با مین



ساموئل.بی. رابرتز در حوضچه خشک در دوی جهت انجام تعمیرات

✓ نیروهای دریایی شرکت‌کننده در نبرد دریایی با آمریکا

الف- نیروی دشمن (آمریکا)

نیروی دریایی استکبار در این عملیات نیروهای خود را به ۳ ناگروه تقسیم کرد:

(۱) گروه عملیات سطحی براوو شامل:

- ناوشکن USS Merrill (DD-976)

- ناوشکن USS Lynde McCormick (DDG-8)

- ناو آبی خاکی USS Trenton (LPD-14)

- نیروی رزمی Marine Air-Ground Task Force (MAGTF) 2-88

- ناو هواپیمابر اینتر پرایز

(۲) گروه عملیات سطحی چارلی شامل:

- کروزر USS Wainwright (DLG/CG-28)

- فریگیت USS Bagley (FF-1069)

- فریگیت USS Simpson (FFG-56)

- نیروی عملیات ویژه SEAL platoon

(۳) گروه عملیات سطحی دلتا شامل:

- فریگیت USS Jack Williams (FFG-24)

- ناوشکن USS O'Brien (DD-975)

- ناوشکن USS Joseph Strauss (DDG)

ب- نیروی خودی (نیروی دریایی ایران)

ناوشکن سبلان - ناوشکن سهند - ناوچه جوشن - شناورهای سپاه.

(هر شناور باتوجه به امریه ابلاغی جداگانه و در موقعیت‌های مختلف و

ارتش و سپاه نیز به صورت مستقل عمل کردند)!

✓ شرح عملیات

الف- درگیری کلی

عملیات آخوندک (Operation Praying Mantis) : نامی که آمریکایی‌ها روی عملیات خود گذاشته بودند، همان حمله نیروی دریایی آمریکا به دو سکوی نفتی ایران در اواخر جنگ ایران و عراق بود، که از نظر آنها به تلافی برخورد ناوشکن آمریکایی ساموئل بی. رابرتز (USS Samuel B. Roberts) به یک مین دریایی انجام گرفت.

در ۲۹ فروردین ۶۷، نیروهای آمریکایی با سه ناوگروه سطحی و ناو هواپیمابر انترپرایز (USS Enterprise)، جنگی را آغاز کردند، درحالی که هیچ‌گونه نشانه و یا خطاری از قبل اعلام نکرده بودند. عملیات با هماهنگی دو گروه سطحی آغاز شد: یک گروه به همراه دو ناوشکن و یک واحد تدارکاتی آبی خاکی به سکوی نفتی ساسان حمله کردند، گروه دیگر که شامل یک ناوشکن موشک‌انداز و دو فریگیت بودند، به سکوی نفتی سیری حمله کردند. تنگداران نیروی دریایی از شاخه واکنش سریع نیز به سکوی نفتی ساسان حمله کرده و به جمع‌آوری مدارک و کارگزاری مواد منفجره جهت از کار انداختن آن پرداختند.

قایق‌های تندروی سپاه از جزیره ابوموسی به سکوی نفتی مبارک در نزدیکی جزیره حمله نموده و چند هدف شامل شناور تدارکاتی و یک شناور با پرچم پاناما مستقر در سکو را مورد هدف قرار داده و بعد از این حمله، هواپیماهای A-6E با راهنمایی ناوشکن‌های آمریکایی به سمت قایق‌های تندرو هدایت شده و با رها کردن بمب‌های راکتی کلاستر (Rockeye Cluster) باعث غرق شدن یکی و آسیب دیدن دیگر شناورها شدند، که پس از خسارت دیدن قایق‌ها به جزیره ابوموسی پناه بردند.

ناوچه جوشن که مأموریت داشت در پایان اسکورت نفتکش در حوالی جزیره کیش به سمت سکوهایی نفتی ساسان عزیمت و وضعیت را بررسی نماید، با ناوگروه آمریکایی روبه‌رو شد و در پی تهدید دشمن، اقدام به پرتاب

موشک هارپون (Harpoon missile) به سوی وین رایت (USS Wainwright) می‌نماید. ناوگان استکباری با پرتاب چهار موشک استاندارد (missile Standard) از سوی سیمپسون (USS Simpson) پاسخ داده و در همین حین، وین رایت هم با پرتاب دو موشک استاندارد این حمله را ادامه می‌دهد. با این حملات، سازه اصلی ناوچه آسیب دید، ولی باعث غرق آن نمی‌گردد. بیگلی (USS Bagley) هم یک فروند از هارپون‌های خود را به سمت آن شلیک نمود، که البته به هدف نخورد؛ لذا سه کشتی با نزدیک شدن به جوشن اقدام به غرق کردن آن با استفاده از آتشبار توپخانه می‌نمایند.

از طرفی، ناوشکن سهند که از بندرعباس عازم مأموریت غرب تنگه هرمز گردیده بود، در حوالی جزیره هنگام توسط هواپیماهای اینترودر (Intruder A-6es) که مشغول گشتزنی مراقبتی برای جوزف استراس (Uss joseph struss) بودند، ردیابی شد.

ناوشکن که حمله هواپیماها را مشاهده نمود، با توپخانه ضدهوایی درگیر شد. هواپیماهای مهاجم استکباری با دو موشک هارپون و چهار بمب هدایت شونده لیزری اسکایپر (Laser-guided skipper bombs) و ناوشکن جوزف استراس هم یک موشک هارپون به سمت ناوشکن پرتاب نمودند. تمام سلاح‌های شلیک شده به ناوشکن برخورد نمود و شعله‌های آتش از روی عرشه سهند به آسمان سر کشید و به تدریج، به انبار مهمات کشتی رسید، که باعث انفجار آن شد.

ناوشکن سهند با کارکنان دل‌آور خود، در حال سوختن به حملات دشمن جواب داده و آرام آرام به دیدار معبود خود شتافت و غرق شد.



دو سکوی شعله ور ایرانی



ناوشکن سه‌ه‌ند پس از درگیری

ب- درگیری با ناوشکن سبلان

اقتدار نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال دفاع مقدس هیچ‌گاه مورد پسند نیروهای منطقه‌ای و فرماندهی‌های، بالأخص نیروهای آمریکا نبود.

غرب که گمان می‌کرد، نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا. توان مقاومت طولانی‌مدت را در دریا ندارد، حال با هشت سال مقاومت پرافتخار روبه‌رو شده بود.

نیرویی که نه تنها تمامی مأموریت‌های خود را به بهترین نحو اجرا می‌کرد و حاکمیت بلامنازع را در منطقه ایجاد می‌نمود، بسیار قوی‌تر از روزهای ابتدایی جنگ در صحنه‌های مختلف عملیات دریایی حاضر می‌شد. آمریکا که حضور در منطقه را در راستای منافع ملی خود می‌دانست و هیچ‌گاه از بیان آن، حتی از زبان رؤسای جمهور خود ابایی نداشت، حال پس از هشت سال به این نتیجه رسیده بود که هیچ کشوری در منطقه توان مقاومت در برابر این نیروی کوچک ولی استوار را ندارد. بنابراین، تصمیم گرفت تا عملیاتی به نام «پرینگ منتیس»^۱ را به اجرا درآورد.

دشمن حتی به خود جرئت نداد که دیدگاه سیاسی خود را قبل از عملیات نظامی، آشکارا به جمهوری اسلامی ایران اعلام کند.

ناوشکن سبلان قبل از درگیری با ناوگان استکبار جهانی به مدت نه روز در دریا بود. به عبارت دیگر، ناوشکن سبلان از تاریخ ۲۰ فروردین سال ۶۷ در مأموریت بود و در تمام این نه روز دست‌کم یک فروند ناوشکن یا رزم‌ناو آمریکایی سایه به سایه ناوشکن حرکت می‌نمود، بی‌آنکه اقدام خصمانه‌ای از خود نشان دهد. ناوشکن در روز دهم مأموریت، یعنی ۲۹ فروردین سال ۶۷، ساعت ۰۸:۰۰ صبح قصد داشت که پس از پایان مأموریت وارد بند شود، تا ادامه مأموریت برای حداقل ۴۸ ساعت دیگر ابلاغ شود. از آنجا که محدودیت

سخت و آذوقه وجود داشت، بنابراین در لنگرگاه لنگر انداخت و پس از دو ساعت، با گرفتن نیازمندی‌ها لنگر کشید و عازم مأموریت گردید.

ناوشکن هنوز از لنگرگاه خارج نشده بود که دستور بازگشت به بندر داده شد، ولی با موافقت به درخواست کتبی یگان، ادامه مأموریت تصویب شد و ناوشکن به راه خود به سمت تنگه هرمز ادامه داد.

هنوز از جزیره لارک نگذشته بود که با اولین گروه هواپیماهای متجاوز دشمن در بالای جزیره لارک روبه‌رو شد و در نتیجه، اقدام به تیراندازی کرد. از آن زمان، درگیری رودررو با هواپیماهای آمریکایی آغاز شد. هواپیماهای دشمن که منطقه را محاصره کرده بودند و برتری کامل داشتند، در ارتفاع بالاتر از بُرد توپخانه و موشک ضدهوایی دوش‌پرتاب یگان، پرواز می‌کردند و از همانجا موشک و راکت شلیک می‌نمودند.

در مراحل اولیه درگیری که بیش از ۱۵ دقیقه طول کشید، با انجام مانورهای تاکتیکی مناسب و دفاع کامل هوایی نتوانستند به یگان آسیب برسانند؛ در نتیجه، به‌ظاهر منطقه را ترک کردند.

حدود پنج تا ده دقیقه بعد، هواپیماهای دشمن بار دیگر در محل حاضر شدند و با پرتاب بمب لیزری موفق شدند به ناوشکن ضربه بزنند.

ناوشکن در قسمت زیرین شکاف عمیقی برداشت و بیش از یک‌سوم پرسنل آن مجروح شدند و سی نفر نیز با یدک‌کش از یگان خارج گردیدند.

چون سیستم تحرک از کار افتاده بود، با کمک یدک‌کش و راه‌اندازی تنها توپ ضدهوایی، عملیات مقابله ضدهوایی به تنهایی علیه هواپیماهای مهاجم در طول مدت یدک‌کشی تا رسیدن به لنگرگاه و ورودی بندر صورت گرفت و این عملیات تا پاسی از شب ادامه داشت، تا اینکه سرانجام هواپیماهای مهاجم منطقه را ترک کردند.

ناوشکن سبلان گرچه آسیب سنگینی را متحمل شده بود، لیکن با غرور و مردانگی مردان خود در بستر حوض خشک آرמיד و آماده بازسازی شد و دو سال بعد با دستان مبارک رهبر فرزانه انقلاب و فرماندهی معظم کل قوا بار

بخش چهارم: تحلیل تاکتیکی عملیات‌های نداجا / ۱۳۱

دیگر عملیاتی گردید و پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران را در اقصی نقاط عالم به اهتزاز درآورد.

پ- نقاط قوت و ضعف عملیات

- نقاط قوت عملیات:

ادامه اعمال حاکمیت در منطقه

مقاومت در برابر هر نیرویی از جمله استکبار جهانی

اثبات ارزش‌های انقلاب اسلامی با شهادت و شهادت

دلاورمردان نیروی دریایی به منطقه و دنیا

حضور مقتدرانه در میدان نبرد، علیرغم علم به توانمندی‌های

دشمن

مقابله با عملیات تروریستی دریایی دشمن، علیرغم توان بالای

دریایی دشمن.

- نقاط ضعف عملیات:

فقدان هرگونه طرح مقابله با ناوگان آمریکا

فقدان هرگونه اطلاعات نظامی از حمله قریب الوقوع آمریکا

عدم اطلاع‌رسانی وضعیت منطقه (برخورد با مین ناو آمریکایی)

به یگان‌های حاضر در منطقه

فقدان هرگونه آینده‌نگری اقدام تلافی‌جویانه آمریکا، علیرغم

سوابق قبلی

فقدان هرگونه هماهنگی نظامی و عملیاتی بین نیروی دریایی،

سپاه و ارتش

فقدان هرگونه ارتباط مخابراتی بین شناورهای ارتش و سپاه

حاضر در منطقه عملیاتی

فقدان هرگونه پشتیبانی هوایی و دریایی در طول عملیات مقابله

با ناوگان آمریکا

بخش پنجم: ابتکارات و خلاقیت‌ها و چگونگی مقابله با کمبودها در دوران جنگ تحمیلی

از برکات پیروزی انقلاب و پس از آن در دوران هشت سال دفاع مقدس، بروز تحولی شگرف در نیروی انسانی و رشد شاخص‌های منحصربفرد در آنها بود. منتج این تحول ارتقاء قدرت مقابله با کمبودها، تحمل شدائد، خلاقیت در جنگ و رشد ابتکارات در همه زمینه‌ها بود.

در واقع، قدرت تفکر خلاق بر قدرت فیزیکی دشمن فائق آمد و همه تحلیل دشمن را بر هم زد؛ هرچند عوامل ذکرشده اثرات و نتایج دیگری نیز به همراه داشت، ولی تأثیر این عوامل بر بروز خلاقیت‌ها و ابتکارات تأثیر سرنوشت‌ساز و اساسی داشت.

• عوامل عمومی مؤثر در بروز ابتکارات و خلاقیت‌ها

شاخص‌های نیروی انسانی دوران دفاع مقدس و عوامل مؤثر در بروز ابتکارات و خلاقیت‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

✓ اعتماد به نفس و خودباوری

از برکات مهم دفاع مقدس، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری بوده است. در کوران دفاع مقدس، به این نتیجه رسیده شد که باید خود را باور کرد و با تکیه بر توانمندی‌های خود جنگ را اداره نمود. با این خودباوری می‌توان سالیان سال علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها مبارزه کرد؛ همچنان که حضرت امام (رحمت الله علیه) فرمودند: «ما در این جنگ، اُبَهِت دو قدرت شرق و غرب را شکستیم.»

ملت و نیروهای مسلح ثابت کرد که اگر بخواهد، می‌تواند و اینها همه از برکات جنگ تحمیلی و تحریم‌های مختلف بود که به قول امام (رحمت الله

علیه): «این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم.»

✓ شکوفایی استعداد و خلاقیت

از جمله تحولاتی که در جنگ طولانی هشت ساله رخ داد، بروز خلاقیت‌ها، نوآوری‌ها و اعمال بدیعی بود که در ابعاد مختلف صورت گرفت. از ابتکار عمل‌های داهیهانه رهبر فقید انقلاب اسلامی در مسائل و تصمیمات استراتژیکی جنگ گرفته تا ابتکارات و نوآوری‌های نیروهای بی‌ادعا و خالص جبهه و جنگ، که نمونه‌های آن در بخش دریا متعاقباً ارائه خواهد شد.

✓ رشد باورهای دینی

رشد باورهای دینی در دوران دفاع مقدس بسیار چشمگیر بود. همه چیز در جبهه و پشت جبهه رنگ و صبغه الهی به خود گرفته بود. میادین نبرد و سنگرهای رزمندگان آکنده از حضور خدا و اهل بیت (علیهم السلام) بود. نیایش‌ها و شب زنده‌داری‌ها و توسل خالصانه رزمندگان و امت شهیدپرور به ائمه معصومین (علیهم السلام) فضای کشور و میدان نبرد را به عطر ایمان و معنویت معطر کرده بود و روح عبودیت در مردم موج می‌زد؛ حتی بی‌تفاوت‌های جامعه در این فضای معنوی به خود آمده، تحول عمیق درونی در آنها ایجاد شد.

✓ رشد فضائل اخلاقی و معنوی

از برکات دیگر دفاع مقدس، رشد فضائل اخلاقی و معنوی در افراد و تقویت ارزش‌های اجتماعی بود؛ به طوری که همه اقشار تحت تأثیر اخلاق رزمندگان و فضائل انسانی خانواده آنان قرار داشتند. نیروهای رزمنده در آن فضای معنوی به تصفیه و تزکیه می‌پرداختند و دل خود را به نور حق مصفا می‌کردند و به فرموده امام راحل (ره) راه صد ساله را یک شبه می‌پیمودند.

• عوامل سازمانی مؤثر بر ابتکار و خلاقیت رزمندگان در دفاع مقدس

خلاقیت و نوآوری به عنوان یک عنصر انسانی، برای پویایی و بالندگی سازمان و مقابله با شرایط محیطی متغیر و پیچیده و بحرانی، مهم و ضروری است. در دفاع مقدس، که شرایط جنگی سختی حاکم بود، با امید به فضل الهی، انسان‌های خلاق با خلاقیت و نوآوری خود، استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های نوینی را آفریدند و توانستند پیشرفت‌های چشمگیری را به وجود آورند. این عوامل عبارتند از:

۱) ساختار سازمانی انعطاف‌پذیر

۲) مشارکت افراد در امور

۳) انتخاب و ارتقاء اصلح

۴) برقراری روابط انسانی

۵) فرهنگ‌سازی

✓ ساختار سازمانی انعطاف‌پذیر

ساختار سازمانی موقعی اثربخش است که در راستای تحقق استراتژی و هدف‌ها طراحی شود. در طول دفاع مقدس، پیش‌بینی شرایط محیط جنگ از نظر استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های دشمن کار مشکلی بود، با توجه به اینکه طراحان نظامی کشورهای خاص به عراق کمک می‌کردند.

همراه با پیچیدگی و تغییرات محیطی، یگان‌های رزمی باید آمادگی و انعطاف لازم را در خود ایجاد می‌کردند، تا بتوانند هماهنگ با نیازها و ضرورت‌ها عمل نمایند و موفقیت‌های چشمگیری حاصل کنند.

با توجه به سطوح سازمانی یگان‌های رزم، سلسله مراتب حاکم بود و چون اساس احراز پست‌های سازمانی، لیاقت و شایستگی بوده، سلسله مراتب در قالبی صحیح و سودبخش برقرار بوده است.

منبع شکل‌گیری بسیاری از ایده‌ها، حاصل تبادل اطلاعات بین بخش‌های مختلف سازمان می‌باشد.

وضعیت جبهه به گونه‌ای بود که بخشی از خطرات و تهدیدات در معرض دید عمومی افراد قرار می‌گرفت و افراد به یکدیگر منتقل می‌کردند. علاوه بر وجود جلسات فرماندهان واحدهای سازمانی به منظور بررسی اوضاع کلی یگان، روابط دوستانه و صمیمانه بسیار عمیق و گسترده‌ای بین واحدها و افراد حاکم بود. این عامل باعث گسترش اطلاعات در بین افراد می‌شد و افراد و واحدها با یک بینش عمیق‌تر و گسترده‌تر، موقعیت سازمان را درک می‌کردند و از حساسیت مأموریت خود آگاه بودند. ضمن اینکه هر واحد و فرد وظایف مشخصی داشت، اما به لحاظ ارتباطات گسترده، این امر باعث جدایی و دوری واحدها از یکدیگر نمی‌شد.

آنچه برای افراد مهم بود انجام مأموریت هدفمند بود، لذا باید ماهیت وظایف و چگونگی انجام آنها با توجه به مأموریت و هدفها تعدیل و پویا شود، یعنی انجام یک وظیفه به صورت خشک و ماشینی برای رزمنده موجه نبود، بلکه او با هدفها آشنا بود و در راستای آنها، به گونه‌ای مطلوب انجام وظیفه می‌نمود. هویت هر فرد، محدود به نقش خاص آنها نبود، بلکه گستردگی شخصیت افراد در ابعاد روحی، فکری و تخصصی فراتر از وظایف سازمانی بود.

✓ مشارکت افراد در امور

فضای یگان‌های رزم به گونه‌ای بود که امکان برقراری ارتباط بین رزمندگان و فرماندهان وجود داشت، هر رزمنده می‌توانست انتقادات و پیشنهادهای خود را با فرماندهان در میان گذارد، آنها نیز از ابراز نظر او استقبال می‌کردند و آن را با روی باز می‌پذیرفتند. ارتباطات دوستانه بین زیردست و مافوق و علاقه طرفین به یکدیگر، فضای اظهار وجود و ابراز نظر را مساعد کرده بود، یعنی در این جو، خط مشی درهای باز حاکم بود.

✓ انتخاب و ارتقاء اصلح

یکی از عوامل مهم و مؤثر بر بروز خلاقیت افراد، توجه به لیاقت‌ها و شایستگی‌های افراد است. در یگان‌های رزم، لیاقت و صلاحیت، مبنای گزینش و ارتقاء افراد در مناصب و رده‌های سازمانی بود. با این رفتار، ضمن اینکه برای افراد ارزش و احترام قائل می‌شدند، زمینه شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت آنها را فراهم می‌کردند.

با توجه به اینکه اساس ارتقاء سازمانی و احراز پست‌ها، لیاقت افراد بوده، یعنی ملاک گزینش در سازماندهی یگان‌های رزم که مأموریت جنگی داشته و از حساسیت و اهمیت ویژه برخوردار بوده، صلاحیت و شایستگی افراد بوده است، میدان برای نشان دادن لیاقت‌ها و خلاقیت‌ها فراهم بوده است. هنگامی که اساس ارتقاء، لیاقت باشد زمینه برای بروز خلاقیت کاملاً فراهم است، یعنی کسی می‌تواند یک پست را احراز کند و ارتقاء یابد که از خود خلاقیت نشان دهد.

✓ برقراری روابط انسانی سازمانی و خلاق

یکی از چیزهای که نمود خوبی داشت، وجود فضای دوستانه و روابط حسنه بین رزمندگان و فرماندهان بود. روابط آنها طبق دستور قرآن، بر اساس رحمت و رأفت شکل گرفته بود، طوری که آنها ید واحده به حساب می‌آمدند. خلاصه آنکه اعتقاد دینی، آرمان انقلابی، علاقه به رهبری انقلاب، اخلاص، ایثار، عشق به لقاءالله و شهادت، عزم استوار، شوق شرکت در جهاد فی سبیل الله و... وجه اشتراک همه به شمار می‌رفت.

سلسله مراتب، صورت ظاهر بود و باطن آن را احساسات مثبت مبتنی بر ایمان و عمل صالح تشکیل داده بود. معیار صحت عمل، تقوا بود. این ایمان و تقوا برای آنها تکلیف‌ساز بود. بنابراین، آنها در فضای مطمئن و حمایتی به انتقاد می‌پرداختند و آئینه یکدیگر بودند. در این فضای فکری و روانی، آنها

تمام توان و تدبیر خود را با همکاری یکدیگر برای پیشبرد هدف‌ها، گرچه با رفتار انتقادی به کار گرفتند و خلاقیت خود را به منصفه ظهور رساندند.

✓ فرهنگ‌سازی

در خلاقیت، هوش، استعداد، نبوغ و دانش وجود دارد، اما آنچه که خلاقیت بیشتر نیاز دارد کار سخت، متمرکز و هدف‌دار است. اگر پشتکار، اصرار و تعهد وجود نداشته باشد، استعداد، نبوغ و دانش ارزشی ندارد. پشتکار، تعهد و وجدان کاری از ارزش‌های فرهنگی یک جامعه و سازمان است.

فرهنگ کلی حاکم بر یگان‌های رزم و جبهه‌ها، فرهنگ اسلامی بود و رفتار رزمندگان بر اساس باورهای دینی شکل می‌گرفت. انسان‌هایی که بر اساس باورها و اعتقادات دینی، در راه اجرای دستورات خالق، باکی از تحمل سختی دنیا ندارند و معتقدند هر چه سختی بیشتر باشد، لذت اطاعت معبود بیشتر می‌شود. در چنین مرحله‌ای عشق حاکم می‌شود، تا جایی که جان دادن در راه اطاعت معبود، آرزو می‌گردد. این مرحله زمانی حاصل می‌شود که انسان با تحمل ریاضت و مبارزه با نفس، روح خود را تزکیه نموده و خود را در محضر الله ببیند. با تهذیب نفس، دنیا برای انسان کوچک می‌شود و آرزوی شهادت یکی از اصلی‌ترین هدف‌های زندگی او می‌گردد. انسانی که آرزوهای دنیوی و مادی دارد، این آرزوها و تعلقات یک حرکت قهری و جبری برای او ترسیم می‌کند. در این شرایط، او فکر می‌کند ارضای هر چه بیشتر لذت‌هاست که می‌تواند او را آرام کند، اما آن چیزی که انسان بدان آرامش می‌یابد و موجب می‌گردد توان معجزه‌آسای او از قوه به فعل درآید، همان چیزی است که رزمندگان در جنگ حاضر بودند به خاطر آن، به راحتی پر مشقت‌ترین سختی‌ها را تحمل نموده و جان خود را در راهش هدیه نمایند و آن لقای پروردگار بود.

• ابتکارات و خلاقیت‌ها در دریا

با توجه به شاخصه‌های نیروی انسانی دوران دفاع مقدس، شمه‌ای از ابتکارات و خلاقیت‌های آن دوران در دریا ارائه می‌گردد:

- انتقال شناورهای بارزش نداجا (فریگیت‌ها) مستقر در پایگاه دریایی خرمشهر به پایگاه دریایی بوشهر چند روز قبل از شروع جنگ تحمیلی
- انتقال هواناوهای نداجا مستقر در پایگاه خسروآباد اروندرود به جزیره خارک، چند روز قبل از درگیری
- آماده‌سازی شناورها و تجهیزات دریایی علیرغم مشکلات عدیده فنی و فقدان قطعات یدکی

- سازماندهی بموقع ستاد فرماندهی (نیروی رزمی ۴۲۱) و تحت امر گرفتن نیروهای رزمی در ابتدای شروع جنگ تحمیلی
- ابتکار تحمل کمبودهای لجستیکی و نیروی انسانی و معضلات دوری از خانواده و آماده به خدمت بودن ۲۴ ساعته برای حضور در منطقه جنگی و ضربه به دشمن در هر شرایط آب و هوایی
- یکپارچگی کادر فرماندهی و نیروی انسانی برای دستیابی به هدفی مقدس

- ابتکار و قبول خطرات دریانوردی در سخت‌ترین وضعیت و مهیا بودن پرسنل برای اجراء وظائف در همه شرایط

- اشراف به مسائل تحریم و حفظ آمادگی شناورها با پشتکار فراوان
- ساخت بسیاری از قطعات مورد نیاز با همکاری صنعت و دانشگاه (از جمله بهینه‌سازی سیستم رایانه، تجهیزات جنگ الکترونیکی، قطعات برق و الکترونیک)

- ساخت تجهیزات ضد موشکی، از جمله چف و منحرف کننده مکانیکی
- استفاده از تجهیزات نیروی زمینی (مثل کاتیوشا) و تطابق آن با سیستم موشکی یگان با توجه به فقدان موشک در نداجا

بخش ششم: معرفی تعدادی از شهداء و فرماندهان شاخص نداجا در جنگ تحمیلی^۱

جامعه ایرانی چهره‌ای ارزش‌مدار و قهرمان‌گرا را از خود برجای گذاشت. مردم ایران با تمسک به مبانی و آرمان‌های بلند مذهب پرافتخار شیعه و بهره‌گیری از عوامل بنیادین و سامان‌دهنده هویت ایرانی، در پرتو شهادت و وحدت کلمه، انقلاب خود را به پیروزی رساند و از عرصه جنگ تحمیلی بیرون آمد و دوره طلایی دفاع مقدس را به یادگار نهاد. ایثار و شهادت همواره خط نشانی است که می‌تواند سرمنشاء حرکت‌های انقلابی، پیشرو و تحول‌آفرین قرار گیرد. در طول جنگ تحمیلی، فرهنگ عاشورایی مبنای شهادت‌طلبی قرار گرفت و توانست در مقام یک عامل بازدارنده دفاعی، در مقابل تمامی تهدیدات و تحریم‌ها خودنمایی نماید.

در این میان، در نداجا نیز اکثریت پرسنل با بهره‌گیری از فرهنگ شهادت به مصاف با دشمن پرداختند و اگر همگی به مقام والای شهادت نائل نشدند، لیکن چهره‌ای شاخص از ایثار و فداکاری از خود به یادگار گذاشتند. تعدادی از این دریادلان به ترتیب تاریخ شهادت، به عنوان نمونه به شرح زیر معرفی می‌گردند:

✓ شهید ناوباندوم حسنعلی شاهرودی (فرمانده ناوچه ۶۵ پای)

در بعدازظهر روز ۳۰ شهریور ۱۳۵۹، ناوچه ۶۵ پای ایران مورد حمله عراقی‌ها قرار گرفت و در مقابل جزیره مینو غرق شد. تمامی سرنشینان این ناوچه از جمله فرمانده دلاور آن به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

۱- گلچینی از شهداء نداجا به ترتیب تاریخ شهادت آورده شده، اسامی افراد شاخص ایثارگر و فرماندهان موفق، پس از دریافت اطلاعات لازم از نداجا ارائه خواهد شد.



✓ شهید دریادار افتخاری نیا

(فرمانده دلاور ناوچه مهران)

فرمانده عزیزی که در تاریخ ۲۶ مهر سال ۱۳۵۹ در حین گشتزنی در منطقه خور موسی مورد اصابت یک فروند موشک ناوچه عراقی قرار گرفت و خود با همه پرسنل دلاورش به لقاء الله پیوست.

✓ شهید مهنای یکم ابوالحسن اتفاقی (ناوچه تیران)

این ناوچه نیز در تاریخ ۲۶ مهر سال ۱۳۵۹ در حالی که برای تجسس و نجات پرسنل ناوچه مهران به محل اعزام شده بود، مورد اصابت یک فروند راکت هواپیما قرار گرفت و شهید یادشده همراه دیگر همزمان ناوچه شربت شهادت نوشیدند.



✓ شهید محمد ابراهیم همتی

(فرمانده دلاور ناوچه پیکان)

مروارید خلیج فارس، شهید دریادار محمد ابراهیم همتی، از اهالی سمنان و افسر شجاع و بی‌باک نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا به عنوان فرمانده ناوچه قهرمان پیکان با رشادت و جانفشانی خود در عملیات مروارید، در تاریخ ۷ آذر سال ۱۳۵۹ به شهادت رسید و نام خود را در دفتر حماسه و خون ثبت کرد و جاودانه شد.

او فرمانده‌ای لایق و جسور بود و در همان ماه‌های ابتدایی جنگ، حجم بسیار بالایی از مأموریت‌های دریایی را با ناوچه پیکان به انجام رساند و عملاً موتور محرک نیرو در عملیات‌های دریایی بود. اخلاق بسیار خوبی داشت و با کارکنان دوست بود و در مواقع ضروری با آنها مشورت می‌کرد.

بخش ششم: معرفی برخی از شهداء و فرماندهان شاخص ... / ۱۴۳

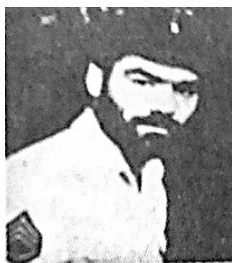
شهید همتی همدوره نگارنده و از بهترین دوستانم در تمامی سال‌های تحصیل و پس از آن در خدمت بود. آن قدر در بین دوستان محبوبیت داشت که در عملیات مروارید، فرمانده دوم من^۱ (شهید دریادار لبافیان) با او عازم مأموریت گردید و دست در دست این فرمانده دلاور به لقاءالله پیوست.

✓ شهید ناوی وظیفه علیرضا قربان نژاد (ناو کهنمویی)

در یازدهم مهرماه سال ۱۳۶۲، هنگامی که ناو کهنمویی در حال گشت در اطراف جزیره خارک بود، به ناگاه مورد اصابت موشک اگزوست که از یک هواپیمای عراقی شلیک شده بود، قرارگرفت و از ناحیه آسایشگاه ۲ و ۳ دچار انفجار و حریق گردید. در پی مقابله با حریق و کنترل صدمات وارده بر یگان، شهید ناوی وظیفه که جزو تیم مبارزه با حریق بود، گرفتار انفجار و آسیب جدی گردید و در نهایت، همراه با دیگر هم‌زمان خود به دیدار پروردگار شتافت.

✓ شهید کارمند محمدرضا نوروزیان (ناو دیلم)

در تاریخ ۲ بهمن ۱۳۶۴، ناو دیلم که در حال مأموریت در حوالی رأس المطاف بود، مورد اصابت یک فروند موشک اگزوست بالگرد عراقی قرارگرفت و ده شهید، از جمله شهید یاد شده را تقدیم انقلاب کرد. ناو مذکور پس از بازسازی مجدداً در مدار خدمت قرار گرفت.



✓ شهید ناواستوار قهرمانی

(تویچی ۳۵م ناوشکن سهند)

دلاورمردی که علیرغم آسیب جدی ناوشکن سهند در درگیری با ناوگان استکبار جهانی آمریکا در ۲۹ فروردین سال ۱۳۶۷ و در حال غرق شدن

۱. در آن زمان نگارنده فرمانده ناوچه کمان و شهید همتی فرمانده ناوچه پیکان بود.

آن و اصرار هم‌زمانش، حاضر به ترک ناو نشد و تا آخرین گلوله به تنهایی به بالگردها و هواپیماهای متجاوزین شلیک می‌نمود و در نهایت، با انفجار موشک زیر توپ ۳۵م پاشنه به لقاءالله پیوست و بزرگ‌ترین درس مقاومت و ایثار را از خود به جای گذاشت.



✓ شهید دریادار زارع نعمتی

(فرمانده دوم ناوچه جوشن)

تحصیلات عالیہ خود را در کشور ایتالیا به پایان رساند و در سال ۱۳۵۹ و در حالی که رویدادهای انقلاب اسلامی را در ایتالیا پی می‌گرفت، به درجه ناوبان دومی مفتخر شد. او در سال ۱۳۶۰ به وطن بازگشت و با

اشتیاق، خدمت در ناوچه همیشه قهرمان جوشن را در منطقه دوم دریایی بوشهر برای خود برگزید و به عنوان فرمانده دوم این شناور راهی جنوب شد.

این شهید همراه با دیگر هم‌زمان دلاور خود در ناوچه جوشن، در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ در مقابل ناوگان استکبار جهانی آمریکا، که با تمامی امکانات به منابع و منافع کشور حمله‌ور شده بودند، ایستادگی کرد و در حالی که تنها و بدون هرگونه پشتیبانی دریایی و هوایی بود، خط سرخ شهادت را برگزید و برگ زرینی به تاریخ مردانگی و دلاوری جمهوری اسلامی ایران افزود.

منابع

۱. ام جنکینس، حملات هوایی علیه کشتیرانی بیطرف در خلیج فارس ۱۹۸۵ - کالج بوستن بررسی قوانین دریایی جلد هشتم ص ۵۱۸
۲. آر.تیرمن، کنت؛ سوداگری مرگ؛ ترجمه احمد تدین؛ تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۲۸۹
۳. بررسی جنگ ایران و عراق - راهبرد نظامی و اهداف سیاسی صفحه ۲۱ - ۱۹۸۹ دانشکده جنگ نیروی هوایی ایالات متحده
۴. تاش؛ غلامحسین - بامکافات یک قطره نفت صادر می‌کردیم ۲۹ شهریور ۱۳۹۳ - دیپلماسی ایرانی
۵. خاطرات هاشمی رفسنجانی ۱۳۶۵
۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ گزارش‌های ویژه؛ نشریه شماره ۳۵۳، مورخه ۱۳۶۳/۱۲/۱۷، به نقل از رادیو بغداد
۷. درودیان، محمد؛ آغاز تا پایان؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۸۴-۸۵
۸. درویشی؛ فرهاد - چند مسئله راهبردی / بررسی استراتژی نظامی عراق در جنگ با ایران. ۱۳۸۰
۹. سیاری؛ حبیب‌الله و. ...، تقویم تاریخ دفاع مقدس نداجا، جلد ۲، انتشارات دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نداجا، ۱۳۸۹، صص ۱۸ و ۱۹.
۱۰. رجبی؛ فرهنگ - نگرش ایرانی به جنگ ایران و عراق، دانشگاه فلوریدا ۱۹۹۳ ص ۱۹
۱۱. سازمان بنادر و دریانوردی اداره کل آمار و فناوری اطلاعات ۱۳۸۸

۱۲. شنلر؛ رابرت، تاریخ نیروی دریایی ایالات متحده، فرماندهی مرکزی و ناوگان پنجم، ۲۰۰۷ مرکز تاریخ نگاری نیروی دریایی - واشنگتن ص ۹ مقدمه
۱۳. معنوی؛ عبدالله، و همکاران، نقش نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از پیروزی انقلاب اسلامی
۱۴. معنوی؛ عبدالله، و همکاران، آغاز جنگ تحمیلی نگارنده و دیگران. مرکز مطالعات نداجا. ۱۳۹۳
۱۵. معنوی؛ عبدالله، و همکاران. "جنگ تحمیلی و امنیت خلیج فارس". ۱۳۹۶. هیات معارف جنگ. انتشارات ایران سبز
۱۶. هاشمی رفسنجانی؛ اکبر، واقعیت این بود، روزنامه همشهری، ۱ مهر ۱۳۸۲
۱۷. هاشمی رفسنجانی؛ اکبر، امید و دلواپسی (خاطرات سال ۱۳۶۴). تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷، ۲۶۴.
۱۸. هیوم؛ کامرون، سازمان ملل و جنگ ایران و عراق - دانشگاه ایندیانا ۱۹۹۴ ص ۴۹

۱۹. Dilip Hiro, The Longest War; The Iran-Iraq Military Conflict. New York: Routledge, Chapman Hall, IN &. 131
- John Jordan, "The Iranian Navy." Jane's Intelligence Review (May 1992): p214
۲۰. Proceeding may 1988 Iran Iraq war - Orouerke Ronald Magazine